امت

ویژه ۲۲ بهمن

۱۶ صفحه

وکذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس ویکون الرسول علیکم شهیدا

دوشنبه ۲۰ بهمن سال دوم شماره ۹۵

نشریه جنبش مسلمانان مبارز

بهاء ۲۰ ریال

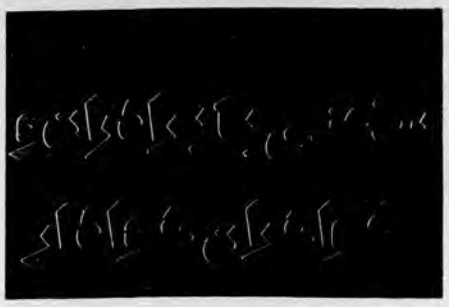

درصفحه۴

انقلاب در آینه زمان

در آستانهٔ دومین سالگرد پیروزی انقلاب ضروری دیدیم با مروری بر مواضع یکسال گذشتهٔ افراد، جریانات، مسئولان و .... و با یادآوری وقایعی که در طول این یکسال اتفاق افتاده است برادران و خواهران مبارز را در جمع بندی از عملکردهای گذشته‌یاری کرده‌باشیم (لازم به توضیح است که تاریخهای ذکر شده لزوما" تاریخ وقوع وقایع نیست، بلکه تاریخی است که خبر در جراید درج شده است).

بقیه‌درصفحه۵

درسالگرد انقلاب تهدیدها، امیدها، راه حلها رابهتر بشناسیم

درصفحه۲

جنبش مسلمانان مبارز پابپای انقلاب

فرازهایی از وقایع یکساله اخیر انقلاب

در آستانهٔ دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، و به همت توده‌های صادق و فداکار مؤمن به انقلاب، جا دارد که بار دیگر میثاق خود را با آرمانهای مکتبی و انقلابی‌و مردمی، که خون هزاران شهید عاشق در پای آن ریخته شده است، تجدید نموده‌و با تعهدی دوباره در پیشگاه خدا و خلق، عزم خویش را در تداوم راهی که آغاز کرده‌ایم تا تحقق جامعهٔ ایده‌آل خویش، و برقراری روابط و مناسبات توحیدی ورسیدن به جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی جزم نمائیم. همهٔ کسانی که در این راه‌مهر توده‌ها را بدل دارند و در سر هوای خدای واحد هستی‌بخش را می پرورانندو بدنبال شکستن مرزهای آزادی کش تحمیلی بر بشریت امروزند، مسئولیت خطیری در این مرحله از مبارزه و انقلاب بدوش دارند و ضرورت یک جمعبندی از گذشته جهت ایجاد شتاب و جهشی دوباره بشدت حس میشود. آنچه مسلم است اگر این نیروهاامروز بار مسئولیتی را که بر دوش دارند حس نکنند،بدون شک تاریخ و نسل آینده و محکمهٔ عدالت الهی هرگز سامحهٔ ما را نخواهند بخشید.

بقیه‌درصفحه ۹

اگر پس از انقلاب هم همین توده‌هائی که آنروز در سنگرهای مبارزه، دلاورانه جنگیدند، حاکمیت می‌یافتند، امروز گرفتار چنین مشکلاتی نبودیم.

پیرامون سخنان اخیر امام

اگر کشمکش و انحراف و استکبار رهبران، برخی از مردم را گمراه، سرگردان، مأیوس، ناراضی و حتی مخالف انقلاب و رهبری کرده است، هنوز میلیونها مردم ستمکشیده‌و جان بر کف در شهر و روستاو در سنگرهای نبرد، در کارخانه‌و مزرعه و زاغه‌ها و کوخ‌ها، به آزادی و عدالت و انقلاب اسلامی عشق می‌ورزند و برای جلوگیری از خشکیدن نهال لرزان و نازک انقلاب خون پاک خویش را هدیه میکنند.

در آستانهٔ سالگرد انقلاب، امام خمینی در دیدار با کارگران ذوب آهن و معدنچیان از سر درد و خشم به ملت پیامی فرستادند که در شرائط بحرانی حائز اهمیت است. این اولین بار نیست که امام به "میوه‌چینان" انقلاب‌وآنان که بی‌پروا و بی‌توجه به خون هزاران شهید، پا بر سر لاله‌زار گلگون‌کفنان میگذارندو جز منافع خود و گروه خود، به هیچ چیز دیگری نمی‌اندیشند، اینچنین برمی‌آشوبند. امام در این پیامشان برروی سه محور اساسی که در وضعیت کنونی کشور باید مورد توجه قرار گیرد، انگشت گذاردند: نخست آنکه امام با توجه به درگیری جناحهای قدرت که امکان تسلط مجدد امپریالیسم آمریکا را زمینه‌چینی میکند، تأکید ورزیدند و یکبار دیگرخطراستکبارجهانی به‌سرکردگی آمریکا را بعنوان دشمن اصلی و تهدید کننده گوشزد کردند.: " من به ملت هشدار میدهم اگر ازاین . . .

بقیه‌درصفحه۱۵

درحاشیه بودجه دولت

تا هنگامی که نتوانیم‌تحولی اساسی در وزارتخانه‌هائی چون بازرگانی، دارائی و .....بوجود بیاوریم، نخواهیم توانست تجارت خارجی را ملی کرده و دست سرمایه‌داران و واسطه‌ها را کوتاه کنیم. تا هنگامی که تحولی اساسی در دستگاههای دو دولتی صورت نگیرد، همچنان طرحهای بی‌مورد باعث اتلاف سرمایه‌های ملی میشود.

بودجهٔ تنظیمی هر دولت نمایانگر بینش و ماهیت وجهت‌گیری آن دولت می‌باشد. معیار و ملاکهایی که یک دولت در بودجه به آنها بها داده و اولویتی قائل شده است، معیار خوبی برای شناسایی آن دولت میباشد. یک دولت وابسته و ارتجاعی، در بودجهٔ تنظیمی خود مسلما" به طرحها و برنامه‌هائی اولویت میدهد که کشور را هرچه بیشتر در جهت وابستگی به

بقیه‌درصفحه۱۵

عاملین شکنجه و هرج ومرج باید مجازات شوند

جریانات قشری و انحصارطلب که قادر نبودند مشکلات و تنگناها را در یک حرکت پیشتازانه و مکتبی حل کنندبه مواضع عکس‌العملی در قبال عملکرد گروهها افتادند و بجای برخورد اصولی با جریانات فکری ـ سیاسی جامعه، توصیه و برنامه‌ریزی برای حمله به دفاتر سازمانها، باند آتش‌زدن‌کتابها و . . . . نمودند.

پس از دو سال که از آغاز پیروزی انقلاب می‌گذرد، مسالهٔ شکنجه بعنوان یک واقعیت تلخ اجتماعی در جامعهٔ مامطرح است. در سیر تاریخی تبدیل مکتب و نهضت به نظام و سیستم، حکومت‌ها برای تثبیت و پایائی نظام خود، اقدام به‌آزار و شکنجهٔ مخالفان وناراضیان می‌نموده‌اند. ورق‌های تاریخ مملو از شواهدی است که این رخدادها راثبت کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران که از زیر شلاق‌ها و سیاهچال‌های گزمه‌ها و دژخیم‌های رژیم وابسته وباخون هزاران شهید تولد یافته و با خود پیام و شعار "آزادی" را حمل می‌کند، بی‌شک نمی‌تواند موافق هیچ‌گونه آزار و شکنجهٔ انسانی باشد. چگونه میتوان تصور کرد توده‌هائی که علیه شکنجه‌ها و ستم‌های رژیم وابسته قیام کرده بودند، رضایت دهند بنام انقلابی که آنان رنجش را بر دوش کشیده‌اند، شکنجه و آزار هرچند در مورد کسانی که حاکمیت سیاسی انقلاب را قبول نداشته باشند، اجرا شود؟ از عوامل عینی و ذهنی دیگر که بگذریم، وجود شکنجه خود یکی از علل موجبات تنفر توده‌ها و نتیجتا" قیام آنان در زمان رژیم وابسته بود.

پس از پیروزی ۲۲ بهمن، عدم جایگزینی انقلابی و نبود تشکیلاتی که بتواند کنترل امور را در دست گیرد، موجب شد تا توده‌های مردم خود اقدام به تشکیل کمیته‌های‌محلات و نهادهای خود ـ جوش نظایر آن برای حفظ حاکمیت انقلاب بنمایند، سرعت پیروزی موجب شد دوران ابتلاء و آزمایش کم باشد و عناصر غیر انقلابی و فرصت‌طلب و ضدانقلابی نیز خود را در نهادهای مردمی رسوخ دهند در حالی که طولانی‌شدن مبارزه می‌توانست صف انقلابیون واقعی را از دیگران جدا کند و جلوی رشد عناصر فرصت‌طلب را بگیرد و کنار زند. سیستم سیاسی گذشته درهم شکسته بود و طبعا" کنترل و اهمیت شهرها احتیاج به نیروی انسانی داشت،هرچند دولتمردان دولت موقت می‌کوشیدند روابط و مناسبات پیشین را تجدید کنند، ولی شور انقلابی مردم و تشکل آنان در کمیته‌ها و مسلح بودن آنان تا مدت زمان زیادی موجب بتاخیر افتادن سیستم انتظامی گذشته گردید. بدیهی است که دشمن از هر کانالی که بتواند ضربهٔ خود راوارد می‌کند ورود در کمیته‌ها و دیگر نهادهای مردمی چندان مشکل نبود، از طرف دیگر کادری تربیت‌شده ومکتبی وجود نداشت، بنابراین افراد بمحض رجوع اغلب پذیرفته میشدند و بدانان کارسپاری میشد. در مواردی که بعدا" هم فاش شد، عناصر ساواک‌ومزدوران

بقیه‌درصفحه۱۳

شوراها تبلور حاکمیت مردم برسرنوشتشان

پس از پیروزی انقلاب با توجه به ویژگیهای انقلاب و ضرورت اهمیتی که شوراها میتوانست در تعمیق و تداوم انقلاب داشته باشد و از طرفی فرصت‌هائی که بوجود آمد، ولی متاسفانه لیبرالها که شوراها را مانعی در راه قدرت‌طلبی‌های خودمی‌بینند ـ اصولا" شورا در بینش آنها جائی ندارد ـ نه‌تنها از این فرصتها استفاده نکردند، بلکه خود مانعی بزرگ در راه تشکیل این شوراها شدند. یکبار دیگر برخوردهای امپریالیسم از تحریم اقتصادی تا تهاجم نظامی رژیم بعثی عراق فرصتی و ضرورتی را جهت تشکیل شوراهای محلات و... پیش‌آورد تا با مشارکت توده‌ها اولا" دست محتکران و گران‌فروشان فرصت‌طلب کوتاه شده، ثانیا" توده‌ها پابپای هم با مشارکت در برنامه‌های عمومی با ارتباطهای نزدیک پیوند عمیقتری که مبنای رشد و اعتلای جنبش خلق میباشد، ایجادنمایند.

بر اساس تحلیل فوق، نیروهای‌انقلابی مسلمان در آباده از همان پیروزی انقلاب، شروع به تبیین نقش و اهمیت‌شوراهانمودند که متاسفانه با برخوردهای آنچنانی لیبرالها روبرو شدند، اما با فرصت جدیدی که پیش آمد و از طرفی ضرورتی که داشت دوباره شروع به کار کردند و شوراهای محلات را در سطح ۵ محلهٔ بزرگ تشکیل دادند و پخش ارزاق و سوخت را بدست گرفتند، ولی متاسفانه با سنگ‌اندازیها و اشکال‌تراشیهای مسئولین و انقلابیون بعد

بقیه‌درصفحه۱۵

مباحث ایدئولوژیک

دکترحبیب‌الله‌پیمان

مقوله‌های اساسی مکتب

۳۸

ابلیس ـ شیطان :

ابلیس هم همانند سایر ملائک از قوای کارگزار و مجری اراده خدا بوده و هست. ابلیس و شیطان چنانکه از آیات و روایات برمی‌آید و به چند نمونه از آنها اشاره و استناد کردیم، در رابطه با انسان، همان قوا و تمایلات بشراند که هر یک وظیفه‌ای خاص برعهده دارند. پیش از آنکه بشر به مرحلهٔ انسانیت گام گذارد و روح خدایی در وی دمیده شود، موجودی بود در اساس تمایلات و محرکها شبیه سایر حیوانات. یعنی زیر تاثیر تمایلات و غرایز خود عمل می‌کرد و چون از عقل و شعور و روح کمال ـ طلبی و عاطفهٔ انسانی و قدرت انتخاب محروم بود، جز تبعیت از فرمان غرایز چاره‌ای نداشت. غرایز بر او تسلط کامل داشتند، این قوا و غرایز کمک‌کننده به وی در حفظ حیات و تلاش برای بقاء و رشد استعدادهای جسمی او بودند. در حقیقت میشود گفت پیش‌ازظهور انسان، یا دمیدن

بقیه‌درصفحه۱۳

دستاوردهای پیروزی "۲۲ بهمن" برهبری امام خمینی را، با بسیج یکپارچه خلق، در مبارزه علیه امپریالیسم ونفی هرگونه سازشکاری وانحصارطلبی، تداوم بخشیم.

در سالگرد انقلاب تهدیدها، امیدها، راه حلها را بهتر بشناسیم

هفته سالگرد انقلاب و پیروزی قیام خونین ۲۲ بهمن باید بمثابه فرصتی برای ارزیابی تحولات و اقدامات دو سال گذشته استفاده شود. ببینیم با چه توشه و دستآوردی قدم به سومین سال عمر انقلاب می‌گذاریم. متاثر از آموزشهای قرآنی و شیوه و رهنمود امام علی، بر ضرورت عبرت گرفتن از تاریخ و مطالعه و تحلیل رویدادهای گذشته برای تصحیح حرکت بسوی آینده همیشه تاکید و اصرار داشته‌ایم اگر زعمای قوم و دولتمردان و رهبران احزاب وگروهها، اینکار را لازم ندانند، و یا به نفع خود نیابند، انجام آن برای مردمی که پرچم پیکار مستمر و خونین و رهائی‌بخش تاریخی را به دوش می‌کشند و در خط حرکت مستضعفان تاریخ در مبارزه علیه استکبار صدها هزار قربانی داده‌اند و تصمیم دارند با ادامهٔ مبارزه و مقاومت، سنت حتمی خدا مبنی بر وراثت و امامت مستضعفان و حاکمیت الله و تشکیل امت واحده را تحقق بخشند، واجب است.

مسلما" اهمیت انقلاب خونبار و اسلامی ملت ایران در آینده و برای نسلهای بعد بهتر معلوم میشود تا برای کسانی که امروز در متن حوادث و محاط در شرایط پیچیده‌ای هستند که بندرت به آنها اجازه می‌دهد حوادث و واقعیت‌ها را همه‌جانبه و دردراز-مدت و در رابطه با یکدیگر ببینند. بسیاری کج‌اندیشی‌ها و کجرویها مربوط به تاثیر تمایلات نفسانی و منافع شخصی و طبقاتی بر بینش افراد و بسیاری مربوط به ضعف در شناخت واقعیت‌ها و نادرستی شیوه بررسی و تحلیل مسایل است.

در حال حاضر برای اکثریت مردم ایران و بویژه توده‌های محروم و مبارز و فداکاری که بار سنگین انقلاب از آغاز تاکنون بر دوش آنان قرار داشته است، در درجهٔ اول این سوال مطرح است که سرنوشت انقلاب به کجا می‌کشد؟ آیا راهی که تاکنون پیموده‌ایم درست بوده؟ آیا در دو سال گذشته در مجموع پیشرفت و برد با ما بوده یا به‌عکس ناکامی و شکست نصیبمان گشته است؟ آیا مسئولان و زمامداران، به وظایف خود عمل کرده‌اند، آیا اوضاع کشور و انقلاب بهتر از این که هست میتوانست باشد و بالاخره چگونه میشود بر نگرانی‌ها فائق آمد و از خطرها جلوگیری کرد وامیدها را افزایش داد و انقلاب را تداوم بخشید؟ مردم می‌خواهند بدانند سرنوشت مبارزه با امپریالیسم به کجا انجامیده است، آیا سازشی انجام گرفته و همهٔ امیدها بر باد رفته است؟ آیا استبداد حاکم شده و آزادیها بکلی در حال نابودی است؟ ماهیت تضاد و کشمکش دو جناح حاکم چیست و گروهها و احزاب در این میان چه نقشی دارند؟ مردم همچنین نگران وضع جبهه‌ها و سرانجام جنگ میباشند.

مردم بدرستی نمی‌دانند یا تردید دارند که کدام جناح و حزب یا گروه در خط اصیل اسلام و انقلاب، خط امام و یا خطهای ارتجاعی و سازشکار و نفاق و ضد انقلاب‌اند؟ این سوالها و سوالهای دیگری از این قبیل که ماهیت دولت‌موقت چه بود؟ شورای انقلاب چه نقشی و ماهیت و عملکردی داشت؟ گروگانگیری به سود یا به زیان ما تمام شد؟ در تضاد و کشمکش بین دو جناح درگیرقدرت — حزب و رئیس جمهور — باید یکی از آندو و یا هر دو را حمایت و یاهر دو را رد و انکار کنند وآیا دولت براستی مکتبی و انقلابی است؟ نقش لیبرالها و مرتجعین، قشریون و گروههای چپ‌نما و انقلابی و فوق‌انقلابی! در این میان چگونه است؟ همه در اذهان بطور دائم جریان دارد و جواب روشن و صریح جستجو می‌کند.

اولین واقعیتی که باید بپذیریم پیچیدگی شرایط مبارزه است، عوامل بسیار زیادی دست در کارند و لذا قضاوت درست به آسانی و بدون داشتن معیار و شیوه درست شناخت بدست نمی‌آید. اگر مکتب را راهنما و روش شناخت مکتبی را بکار بریم و از بینش تاریخی و جامع‌نگری و برخوردار و آزاد از هوای نفس و خودمحوری و یا خودمطلق‌بینی باشیم و در جستجوی راه درست از تلاش و مجاهده دست‌نکشیم، بطور قطع صراط مستقیم در پیش پای ما والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا".

داشتن تصویری درست و روشن از شرایط کنونی در پایان دومین سال پیروزی انقلاب، مستلزم توضیح لااقل چند عامل یا جریان عمده میباشد:

> تنها حزب دموکرات نیست که‌قرار است در تشکیل جبههٔ واحد لیبرالی شرکت داده شود، پیش از این عناصر و جریانات دیگری هم جلب و جذب شده‌اندو اقدامات گسترده‌ای هم ،نمایندگان این جناح در خارج از کشور برای جمع آوری و تشکل نیروهای متمایل به خود آغاز کرده‌اند.

۱-امپریالیسم و ضد انقلاب

تهدید امپریالیسم بسرکردگی امریکا بزرگ ترین خطر و دشمن انقلاب بشمار میرود، امپریالیستهای امریکائی و متحدین اروپائی و ژاپنی‌شان همچنان در خط سرکوب و به سازش کشاندن انقلاب حرکت می‌کنند، باید اعتراف کرد که در تمام این مدت هیچگاه مانند امروز به پیروزی خود مطمئن نبوده‌اند. امپریالیستها از تغییر شرایط داخلی بسود خود سخن می‌گویند، آنان اظهار می‌دارند که صف ملت تجزیه شده و بسیاری از مردم به طرفداری از رئیس‌جمهور در مقابل حکومت قرار گرفته‌اند، می‌گویند که ارتش بشکل امیدوارکننده‌ای بازسازی میشود و حیات و وضعیت دیرین را بدست می‌آورد، می‌گویند که زیر فشار جنگ و محاصرهٔ اقتصادی و تبلیغات و تهاجم سیاسی شدید، حکومت در تنگنا قرار دارد و نارضایتی مردم شدید است و لذا دور نیست که حکومتی معتدل و طرفدار سازش با غرب روی کار بیاید. امپریالیسم همانند گذشته بشکل پیچیده‌ای از چند مسیر مشغول تلاش و پیشروی است، یکی با تقویت عراق تا جنگ ادامه یابد و ایران ناچار از صلح و سازش تحمیلی‌گردد ،ازاینرو همزمان سران حکومتهای وابسته و مرتجع منطقه را پیش انداخته است تا طرح صلح و سازش را به توافق طرفین —ایران و عراق — برسانند. آمدن حبیب‌شطی بعد از آنکه ایران در کنفرانس سران اسلامی! شرکت نکرد، نشان میدهد که آنان از نقشه خود دست برنداشته‌اند. امریکا در همانحال با دنبال کردن تحول حوادث در داخل، خود را آماده می‌سازد تا در صورت تشدید بحران سیاسی و اغتشاشات و تزلزل درونی و احیانا" شروع کشمکشهای حادتر و حتی مسلحانه داخلی با استفاده از نظامیان فراری و کسانی که در داخل با آنان همراه هستند و تشکل هرچه بیشتر ضدانقلاب، بموقع وارد عمل شود و اوضاع را در دست گیرد. البته امریکائیها مواظبند که کاری نکنند تا شانس رو به‌ازدیاد روی کار آمدن یک دولت میانه‌رو لیبرال در خطر بیفتد و مردم در اثر مشاهده تهدید جدی و تازه‌ای بیش از پیش متحد شوند و از تفرقه پرهیز کنند. همچنین با شکستن محاصرهٔ اقتصادی در وهله اول از طریق اروپا و ژاپن بندهای وابستگی را مجددا" محکم می‌کند و صنعت و تجارت و ارتش را وابسته به خود نگاهمیدارد. امریکائیها نقاط حساس دیگری را هم آماده می‌سازند تا در صورت مقاومت مردم و انقلاب با ایجاد بحرانها و اغتشاشات جدید، فشار را زیادتر کرده، انقلاب را از پای درآورند این نقاط را باید در مرزهای ایران و ترکیه، در بلوچستان و سیستان و در بعضی نقاط داخلی دیگر جستجو کرد.

۲-جبهه داخلی، تضاد و کشمکش دوجناح

عوامل متعددی‌در تضعیف جبههٔ داخلی دربرابر دشمن موثرند ،دروهلهٔ اول‌بایداز تشدید تضاد و کشمکش بین جناحهای دوگانه هیات حاکمه یکی برهبری حزب و دیگری برهبری رئیس‌جمهور اسم برد. کمتر کسی است که از تاثیر منفی این نوع قطب — بندی و کشمکش در این مقطع در سرنوشت انقلاب و تسهیل تسلط دشمن بی‌اطلاع باشد. جناح‌لیبرالهاو متحدین آنها با انگیزه‌های‌هرچندمتفاوت(از سازمان مجاهدین تا مائوئیستهاوسرمایه‌داران و فئودالهاو....) برهبری بنی صدر رئیس‌جمهور — با وجود مشاهده عقب‌نشینی آشکار حزب — حاضر نیستندموقعیت‌تهاجمی را از دست بدهند و تصمیم دارند تا سقوط دولت و قبضهٔ کامل قدرت این حالت را حفظ کنند، لذا می‌بینیم با وجود سکوت نسبی دستگاههای تبلیغاتی حزب و متحدین آن، جبههٔ متحد لیبرالی کوچکترین فرصت را برای وارد آوردن شدیدترین حملات تبلیغاتی و سیاسی از دست نمی‌دهد. تا چندی پیش به‌بهانهٔ دخالت در امر جنگ و بعدا" که آن مساله بکلی منتفی شد، موضوع آزادیها و شکنجه-ها و اکنون گروگانها بهانهٔ بی‌اعتبار کردن رقیب شده است. تحول تازه در خط حرکت این جبهه یکی شروع حملات آشکار و متمرکز روی مجلس و دیگری گسترش جبهه با جذب نیروهای جدید از مخالفین انقلاب است. این جناح می‌داند که با وجود مجلس امکان تغییر دولت از راه مسالمت و بدون جنگ میسر نیست، اکثریت نمایندگان طرفدار دولت و زیر نفوذ حزب

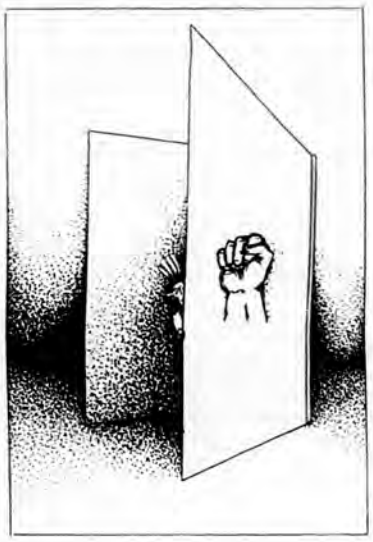

قرار دارند، لذا حملهٔ اخیر رئیس‌جمهور به مجلس به همین منظور بود، بنابراین احتمال داده میشود که با استفاده از جو مساعد کنونی (به‌سود لیبرالها) مجلس در افکار عمومی فاقد اعتبار شود و در صورتیکه تسلیم نظریات رئیس‌جمهور نشد، دراولین فرصت با تهدید به استعفا، مردم را به دلیل عدم هماهنگی بین قوای سه‌گانه و رئیس‌جمهور، در انتخاب بین‌رئیس‌جمهور و مجلس مخیر گرداند، به امید آنکه در انتخابات جدید یک مجلس یکدست و در خط رئیس‌جمهور — چنانکه از ابتدا خواسته بود — تشکیل شود و طبعا" دولت هم در خط و تابع رئیس‌جمهور خواهد بود.

تحول بعدی در گسترش جبههٔ لیبرالی تلاش برای جذب بقیه مخالفان انقلاب است. شاهد این قضیه ملاقات سران حزب دموکرات کردستان با بنی‌صدر و برخورد بسیار نرم و آشتی‌جویانه رئیس‌جمهور با آنان است. اگر این برخورد را با سیاست تهاجمی و نظامی سال گذشته وی قیاس کنیم — که با شدت تمام حزب دموکرات و گروههای متحد آنرازیر ضربات سخت حملات نظامی گرفت و اعلام کرد تا نابودی کامل آنان چکمه را از پا درنخواهد آورد — این چرخش ۱۸۰ درجه‌ای سوال‌انگیز خواهد بود، بویژه که همزمان، مجاهدین خلق متحد دیگر جناح لیبرالی، با رهبران حزب دموکرات تماس برقرار و برای رفع هرگونه شائبه و تطهیر آنها مصاحبه بعمل میآورند و ذهن هواداران را برای اقدامات و تحولات بعدی آماده می‌کنند. به این ترتیب جبههٔ لیبرالی می‌کوشد متحد تازه‌ای از مخالفان انقلاب را بخود جلب و با نیروی بیشتری رقیب را از پای درآورد. حزب دموکرات که روحیهٔ سازشکاری را از سلف خود بارزانی به ارث برده است، برای رسیدن به مقصود برایش فرق نمی‌کند که با بعثی‌ها، محافل امپریالیستی و صهیونیستی، وابستگان به شوروی، دولت، رئیس‌جمهور— لیبرالها، سرمایه‌داران و فئودالها و یا کومله و... متحد شود و سرانجام آنچه باز هم فدا میشود، منافع و مصالح خلق کرد است.

تنها حزب دموکرات نیست که قرار است در تشکیل جبههٔ واحد لیبرالی شرکت داده شود، پیش از این عناصر و جریانات دیگری هم جلب و جذب شده‌اند و اقدامات گسترده‌ای هم، نمایندگان این جناح در خارج از کشور برای جمع‌آوری و تشکل نیروهای مخالف آغاز کرده‌اند. در حقیقت همان جبههٔ متحدی که مجاهدین درجریان انتخابات رئیس — جمهوری می‌خواستند تشکیل دهند و میسر نشد، این‌بار برهبری رئیس‌جمهور در حال شکل گرفتن وتوسعه است.

در قضیه جنگ، سیاست جناح لیبرالها بروال گذشته با موفقیت ادامه دارد، اکنون در جبهه‌های جنگ جز تبادل آتش توپخانه ها کار مهمی صورت نمی‌گیرد. جنگ بنا به خواست لیبرالها عموما" تخصصی و کلاسیک گردیده و زیر کنترل نسبتا"کامل ارتش و رئیس‌جمهور درآمده است، لکن برای پیروزی بر دشمن فاقد تجهیزات لازم و کارآیی و انسجام و قدرت عمل و فرماندهی است. از این رو یا باید با جلب توافق غرب، سلاحهای لازم را بدست آورد و با گذشت زمان و تسلط بیشتر بر امورومناسبات و سلسله‌مراتب، نظم کهنه در ارتش کاملا" تجدید شود تا بتواند دشمن را از خاک ایران بیرون کند، و یا زمینه را برای صلح و سازش فراهم سازد. تحت شرایط کنونی تمایل این جبهه به صلح و سازش با عراق و متحدین امپریالیست وی بیشتر میباشد. فعل و انفعالات در داخل ارتش نشان می‌دهد که هر دو جناح برای تسلط وحاکم کردن خط خود سخت می‌کوشند ولی نحوهٔ بازسازی ارتش تاکنون بسود لیبرالها بوده است، بطوریکه حتی زمینه برای فعال شدن خط ضدانقلاب و طرفداران بختیار و نظامیان فراری روزبروز فراهم‌تر میشود و سربازان آگاه و مومن و افسران ودرجه‌داران جوان و انقلابی زیر فشار و انزوای بیشتر قرار می‌گیرند.

طیف بندی دوجناح

جبههٔ متحد لیبرالی با وجود شرکت سازمانی چون مجاهدین خلق در آن از هر نوع موضعگیری قاطع در برابر عملکردهای امپریالیسم و نیروهای وابسته بدان، سرمایه‌داری وابسته‌وفئودالها و نیروهای ضدانقلاب بشدت پرهیز میکند و بعکس با مماشات و سازشکاری سعی در جلب حمایت هرچه وسیعتر آنها دارد، چنانکه در روزنامه‌ها و نشریات این جبهه، کمترین برخوردی با این نیروها و مسایل مربوط بدانها نمی‌شود و اگر این سازشکاری با هر نیروی ضدانقلابی و غیرمترقی یا وابسته و ضدخلقی از جانب بورژوازی لیبرال قابل قبول باشد، لااقل طرفداران سازمان مجاهدین انتظار یک‌چنین سازشکاری و عقب‌گرد ۱۸۰ درجه‌ای را از آن سازمان ندارند. آنان انتظار ندارند در بحبوحه و حساسترین لحظات مبارزه با امپریالیسم، این سازمان بانادیده گرفتن دشمن اصلی برای رسیدن به قدرت، با پس‌مانده‌ترین نیروهاو قشرهای سرمایه‌دار و فئودال و مرتجع‌مذهبی و یا سازشکار هم‌صداو همسو گردد. اکنون در این جبهه‌گروههاعناصر و قشرهای زیر متحد شده‌اند:

گروهها و عناصر لیبرال، سرمایه‌داران وابسته در صنعت و تجارت، فئودالها و خوانین، مرتجعین مذهبی، قشرهای مرفه و بورژوازی ادارات و ارتش، اقشاری از طبقهٔ متوسط و (یقه‌سپید) کشور، طرفداران چین و نظریه سه‌جهانی‌ها، سازمان مجاهدین خلق و عناصر و شخصیت‌های آزادیخواه و اقشاری از توده‌های مردم که نه بدلیل ماهیت خویش بلکه از روی مخالفت با جناح مقابل و بطور واکنشی در طیف این جبهه عمل می‌کنند.

از سوی دیگر رهبری جبههٔ رقیب را حزب برعهده دارد و در این جبهه نیز نیروها و عناصر ناهمگونی بنا به ضرورتها و اهداف مشترک جمع شده‌اند، این نیروها و اقشار عبارتند از: علاوه بر حزب — مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمنهای اسلامی و باند ضدبهائی‌ها، بخشی از سرمایه‌داری متوسط بازار، خرده‌مالکان و برخی از مالکان اراضی شهری و روستائی، بخشی از مرتجعین مذهبی و غالب نیروهای قشری و جزم‌گرا واصلاح‌طلب مذهبی، اقشار وسیعی از خرده‌بورژوازی واقشاری ازتوده‌های دهقان و کارگر و نیز اخیرا" برخی از دانشجویان پیرو خط‌امام و دیگر عناصر نیز به انگیزه بودن در خط امام و انقلاب، عملا" در طیف حزب و دولت و دستگاههای اجرائی قرار می‌گیرند.

همچنانکه رهبری جبههٔ متحدلیبرالی با رئیس‌جمهور است، رهبری این جبهه هم با حزب میباشد. تسلط جریانات قشری و واپس‌گرا و تفکر و بینش ارسطوئی و نیز انگیزه‌های قدرت‌طلبانه بر رهبری این جبهه و نیروهای اصلی آن موجب شده است با وجود داشتن پایگاه در میان توده‌های مبارز و جان‌برکف و محروم، نتواند سیاست قاطعی در خط انقلاب و خط امام پیش گیرد مسلم است که پایگاه توده‌ای این جبهه مربوط به آنستکه مردم آنرا در خط امام شناخته‌اند.

حقیقت آنستکه سیاستهای اصلی رهبری این جبهه با خطوط اصلی خط امام در بسیاری موارد هماهنگی نداشته است و یکی از عوامل اصلی لوث‌شدن خط امام و عدم تحقق عینی آن در سیستم‌وسیاستهای کشور، وجود این رهبری در راس جبههٔ مزبور است.

اتخاذ روشهای تنگ‌نظرانه و داشتن جزمیت فکری و انحصارطلبی و ترکیب ناهمگون داخلی و سلطه تفکر قشری ارسطوئی سبب شده است که در امر مبارزه با امپریالیسم متزلزل و ناپی‌گیر، با سرمایه داری و نظام کهنه مماشات و سازشکاری و با نیروهای مبارز و متعهد و مترقی خشن و خشک و تهاجمی برخورد کند.

عدم تمایل به انجام تغییرات اساسی و مشارکت ندادن فعال توده‌ها از طریق نظام شورائی موجب شده است که حتی عناصر صدیق و مترقی در سیستم قادر به انجام اقدامات اساسی نباشند و به خرده‌کاری و یا اصلاحات (رفرم) مشغول گردند.

اقدامات خلاف و تجاوز به حقوق و آزادیها در نهادها و یا توسط عناصر و باندهای فرصت‌طلب در سراسر کشور زیر حمایت رهبری این جبهه صورت گرفته و هنوز ادامه دارد، و اگر رسیدگی به این خلافکاریها در دادگاهها و محاکم شرع که بصورت احکام غیرعادلانه و محکومیت‌های نادرست، با سوءاستفاده‌های مالی در نهادهای مختلف یا خلافکاری و ضرب و شتم و شکنجه که بصورتهای مختلف انجام گرفته است، علیرغم خواست عمومی و تاکیدات رهبری، با مقاومت روبرو میشود و پی‌گیر ادامه نمی‌یابد، باز هم دلیلش را در ماهیت رهبری این جبهه و بافت و ترکیب آن باید جستجو کرد.

> اگر بعد از دو سال ضدانقلاب دیگر بار فعال در صحنه ظهور میکند و جریان سازشکاری میتواند جبهه‌ای گسترده در برابر انقلاب تشکیل دهد، اگر امپریالیسم امیدوارتر از هر موقع به آینده است و ابتکار عمل را در مبارزه در دست‌گرفته ،است، و اگر توده‌های فداکار و از جان گذشته‌در معرض تردید و یاءس قرار میگیرند، باید علت را در خود جستجو کرد وپیش از آنکه خیلی دیر شود، به تجدید نظر اساسی در سیاستهای گذشته دست زد.

در برابر علیرغم این ضعف‌ها و نارسائیها، دولت حاضر اگرچه متزلزل و ناپیگیر، در برابر فشار امپریالیسم ایستادگی نشان می‌دهد، و خود را بیشتر از جناح رقیب ملزم به رعایت و دنبال کردن خط امام می‌داند.

در این میان خط ضدامپریالیستی امام که ویژگیهای عمدهٔ آن عبارت بود از سازش‌ناپذیری با دشمن، اتکاء به قدرت توده‌ها و خدمت به مستضعفان و وحدت جبههٔ مردم در مبارزه با دشمن اصلی — نه‌تنها از جانب جناح لیبرالی بکلی نقض شده، بلکه جناح حاکم یعنی دولت و حزب هم با وجود مدعی بودن نتوانسته‌اند بطور واقعی در این راستا حرکت کنند.

بانگاهی به حوادث دو سال گذشته به

بقیه‌درصفحه۳

در سالگرد انقلاب تهدیدها، امیدها، راه حلها را بهتر بشناسیم

بقیه‌ازصفحه۲

این حقیقت تلخ میرسیم که جناح مذهبی حاکم، روحانیون دست‌درکار به‌گونه‌ای تازه در اصل همان راه و خطاهای گذشتگان را دنبال کرده‌اند. از درک شرایط تاریخی و پیچیدگی و نفاق در اقدامات امپریالیستها و ضدانقلاب عاجز بودند، سعی کردند در چارچوب تفکر و بینش تنگ، مسائل انقلاب را در عصر حاضر حل کنند و لذا به تنگ‌نظری و قشری‌گری دچار شدند و درنتیجه فرصت خوبی که در اثر فداکاری و قیام و مقاومت مردم و رهبری پیروزمند امام بدست آمد، تدریجاً" زایل می‌شود. روحانیون تاوقتی کارشان بسیج مردم علیه حاکمیت استبدادی و سلطنتی بود، موفق بودند، از وقتی قدرت را بدست گرفتند و با دشمن مار و پیچیده‌ای چون امپریالیسم جهانی روبرو شدند و وظیفهٔ رهبری انقلاب را در مرحله دشوار دوم برعهده گرفتند، عجز و نارسائی کار و تفکرشان آشکار گردید.

مسلماً" عامل ضعف‌های خصلتی که امام اخیراً" بخصوص زیاد روی آن تاکید می‌کنند در ایجاد وضع نابسامان فعلی سهم اساسی داشته است. تنگ‌نظری و محدودیت ابزار تفکر و تحلیل، اجازه نداد تا از تجربیات تاریخی و اجتماعی و از استعدادهای وسیعی که در انقلاب وجود داشتند، بموقع و بنحو درستی استفاده شود. این واقعیت های تلخ نشان میدهد که با آن تفکر و بینش و منطق خشک و جزمی التقاطی، این جریان، کشش بیشتری برای تعمیق مبارزه و هدایت انقلاب ندارد، راه خروج از بن‌بست آنستکه چارچوبهای فکری غیر ـ اسلامی (ارسطوئی) حاکم شکسته شود و انقلاب بر بینش زنده وحیاتبخش و تکامل جوی قرآن و پیامبر و ائمه استوار گردد.

اگر بعد از دو سال، ضدانقلاب دگربار فعال در صحنه ظهور می‌کند و جریان سازشکاری میتواند جبهه‌ای گسترده در برابر انقلاب تشکیل دهد، اگرامپریالیسم امیدوارتر از هر موقع به آینده است وابتکار عمل را در مبارزه در دست گرفته است، و اگر توده‌های فداکار و ازجان‌گذشته در معرض تردید و یاس قرار می‌گیرند، باید علت را در خود جستجوکرد و پیش از آنکه خیلی دیر شود، به تجدیدنظر اساسی در سیاستهای گذشته دست زد.

نقش و عملکرد روشنفکران

واقعیت آنستکه بسیاری از روشنفکران جامعه‌هم پا جای پای روشنفکرانی‌میگذارند که در هر مقطع از مقاطع حساس تاریخ مبارزات مردم ایران، با ذهنی‌گرایی و دچار شدن در اوهام و برداشتهای نادرست و بیگانه با واقعیات و ضرورتهای تاریخی و مرحله‌ای، راهی پیش گرفته‌اند که نه‌تنها کمکی به تسریع حرکت رهائی‌بخش خلق نمی‌کند، و نه‌فقط نیروی خود را در جهت تقویت حرکت ضدامپریالیستی قرار نمی‌دهند که با موضعگیری نادرست، عملاً" چوب لای چرخهای انقلاب گذاشته، آب به‌آسیاب دشمن می‌ریزند.

اگر این دوستان روشنفکر و مترقی، آن برادران صادق و دلسوز، چند لحظه‌ای خود را در شرایط مشابه تاریخی مثلاً" نهضت ملی ایران قرار دهند و بیاد آرند که مصدق با همه ضعف‌ها و اشتباهات کوچک و بزرگ با وجود آن همکاران سازشکار و ضعیف‌النفس و غیرمبارز و با وجود آن سیستم زنگ‌زده و استعمارزده ووابسته و با وجود آن ارتش و پلیس ضدخلق و حکومت نظامی دولتی و آزادی‌کشی‌های روزانه و زندانهای‌مملو از نیروهای مترقی‌وانقلابی! و کشمکشهای هرروزه در خیابانها و چماق و قمه و چاقوکشی‌های باندهای جمال امامی و زدوخوردهای روزانه بین پان‌ایرانیستها و توده‌ایها و دیگر باندهای چماق‌بدست و چاقوکش طرفدار و مخالف دولت و خلاف ـ کاریها و نقض قوانین و عدالت وحقوق مردم، با آنهمه بیعدالتی و محرومیت و فشار اقتصادی و نفوذ و سلطهٔ فرصت‌طلبان در اطراف حکومت و توقیفهای پی‌درپی جراید و صدها و بلکه هزاران خطاو انحراف وتجاوزوتخطی‌ظلم، باز هم برحق بود و می‌بایست مورد حمایت قرار گیرد، زیرا تنها او بود که می‌توانست در آن شرایط، ملت را در مبارزه علیه استعمار ومقاومت در برابر توطئه‌های آن رهبری کند، تنها او بود که مورد اعتماد وسیع مردم بود و در مبارزه علیه استعمار صمیمیت و صداقت کافی داشت و هیچکس و هیچ حزب و گروهی نمی‌توانست جای او را در آن مبارزه اشغال کند و بهمان میزان مورد اعتماد و خواست توده‌ها باشد و همانند و یابهتراز وی نهضت را رهبری نماید. و امروز بهمین دلیل همه مخالفان مصدق را بخاطر مخالفت و کارشکنی‌شان محکوم می‌کنید و او را قهرمان مبارزه بااستعمار می‌شناسید، در صورتیکه میدانید ضعف‌ها و خطاها عامل مهم در پیروزی توطئه‌های استعمار بشمار می‌رفته بااینحال چگونه و با چه استدلال و منطق و تحلیل و بینش اجتماعی و تاریخی به خود اجازه می‌دهید که رهبری امام‌خمینی را در این مقطع حساس ازتاریخ مبارزات ملت علیه امپریالیسم نفی و انکار و با تمام امکانات در تضعیف و بی‌اعتبار کردن آن بکوشید. دقیقاً" همان شیوه‌ها را که مخالفان مصدق علیه وی بکار بردند پیش گیرید؟ آیا در این شرایط و در این مرحله شخص یا گروه و حزب و سازمانی را می‌شناسید که بتواند نه از راه زور، فریب یا بکمک کودتا، بلکه با تکیه به توده‌ها و با اعتماد آنان رهبری انقلاب را در دست گیرد و بهتر از وی جنبش را علیه دشمن هدایت کند و اصالت و صداقت بیشتری داشته باشد؟ اگر چنین نیروی جایگزینی در این مرحله سراغ دارید، چرا به ملت ایران معرفی نمی‌کنید؟

آیا تجربه روشنفکران عصر مشروطه و بعد از شهریور ۲۰ و در زمان دکترمصدق و نهضت ملی ما را بس نیست؟ اگر کسی رهبری انقلاب را معصوم و خالی ازهر ضعف و خطا بداند مسلماً" دچار مطلق‌بینی شده است. ولی کمی واقع‌بینی و انصاف و بینش آزاد وتاریخی لازم است تا معلوم کند که اگر عمل حزب توده و آیت‌اللهکاشانی و فدائیان اسلام و نظایرآنها در مخالفت با مصدق با وجود داشتن بعضی دلایل منطقی علیه وی محکوم است، عمل کسانی که امروز امام خمینی را با دلایل مشابه ولی صد درجه اندک و ضعیفتر، تضعیف و انکار می‌کنند، دهها بار بیشتر قابل سرزنش و محکوم‌شدن است.

انتظار ما از رهبری انقلاب در این مقطع چیست؟ در مقطعی که مبارزه مرگ و حیات بین انقلاب و امپریالیسم در جریان است، در مرحله‌ای که هنوز موجودیت نهضت در خطر است، اینکه انقلاب را در وهلهٔ اول از شکست سیاسی محفوظ دارد، توده‌ها را متحد و هشیار در صحنه نگاه‌داشته، توطئه‌ها را خنثی و پایه‌های انقلاب را در داخل محکم کند، ویژگیهائی که ما از خط‌امام در گذشته بارها برشمردیم همه بیانگر درستی مواضع اعلام‌شده در خط حرکت ضدامپریالیستی در این مرحله میباشد، اینکه جبههٔ خلق در برابر دشمن اصلی متحد باقی بماند، با دشمن سازش نکنیم و تسلیم فشارهای‌آن نشویم، توده‌ها را بسیج‌شده و متشکل و در صحنه هشیار و فعال و پیشرو نگاهداریم، اینها حداقل شرایط اصلی برای انسجام جبههٔ خلق و ادامه مبارزه‌است.

اما باید صریحاً" اعتراف کنیم که زمامداران از ابتدا تاکنون با وجود آن‌که به کرات مورد تائید و حمایت امام قرار گرفته‌اند، اما بطور جدی و پی‌گیر در این خط حرکت و عمل نکرده‌اند. این تناقض بین تائید رهبری از دولتمردان و مخالفت به عمل آنان با رهنمودها و ویژگیهای خط امام، توده‌ها را تا حد زیادی گمراه و نیروهای واقعی پیرو خط امام را به اشتباه انداخته است.

ما معتقدیم که جناحهای حاکم نشان داده‌اند که در عمل ویژگیهای اصلی خط ضدامپریالیستی امام را تحقق عینی نبخشیده‌اند و رهبری انقلاب در عین‌حال که به کرات این ضعف‌ها را در دولتمردان و مسئولان گوشزد کرده و می‌کنند، از اقدام قاطع در تصحیح و یا تغییر و جایگزینی آنها توسط جوانان مؤمن به انقلاب خودداری شده است، بهمین‌جهت‌دائماً" فاصله بین شعار و عمل، گفته‌ها و کرده‌ها بیشتر شده است*

آنچه مسلم است، امام در رهنمود ـ های خود دقیقاً" به ضرورتهای این مرحله از مبارزه علیه امپریالیسم توجه دارند ولی تجربه دوساله نشان داده است که تنها توده‌های رزمنده و جوانان پرشور و متعهد و مسلمان قادراند که آن ویژگیها و ضرورتها را دنبال‌کرده و عینیت بخشند، بااینحال کسانی زمام کار و مسئولیت را بدست دارند که کمتر به این‌اصول پای‌بند و مؤمن‌اند.

یک جناح یعنی جبههٔ لیبرالی بطور کامل آلوده به سازشکاری و نفوذ محافل امپریالیستی است وهم‌اکنون بطورهمه‌جانبه از طرف این محافل و نیروهای وابسته بدان حمایت میشود. وجود تک‌عناصر مستقل و بخشی از مردم ناراضی بهیچوجه تاثیری در ماهیت و عملکرد خطرناک این جبهه که دقیقاً" در خط منافع درازمدت و استراتژیک امپریالیسم است، ندارد. کسانی که ندانسته و فریب‌خورده، یا دانسته، هر روز بجای طرح شعار اصلی مبارزه با خطر سلطهٔ امپریالیسم، شعارهای فرعی نظیر آزادی، شکنجه، حقوق بشر، قانون اساسی ونظایر آنرا بعنوان شعار اصلی مبارزه خود طرح و دنبال می‌کنند، چه فرقی با سازمانهای وابسته به حزب توده دارند که در زمان مصدق بجای طرح شعار اصلی مبارزه با شرکت سابق نفت و استعمار، شعارهائی چون صلح، آزادی، مصادره کارخانجات و اراضی را عمده می‌کردند؟ کسی نمی‌گوید در برابر تخلف از قانون اساسی یا اعمال شکنجه و نقض آزادیها سکوت کنیم، نه هرگز اما در اعتراض به این اعمال خلاف نباید همسو با جریانات سیاسی شویم که هدفشان تجدید سلطهٔ امپریالیسم و محو شعار اصلی مبارزه علیه شیطان بزرگ است. افرادی که سازمانهای دفاع از آزادی و حقوق بشر و قانون اساسی و مبارزه با سانسور و شکنجه تشکیل می‌دهند، آیا نمی‌دانند که با اقدام خود عملاً" چهرهٔ خطرناک و تهدید اصلی را در پشت پرده پنهان کرده، توده‌ها را دچار گمراهی و خطا درتشخیص دشمن‌اصلی میکنند؟ آیا نمی‌دانند که رهبری جبهه‌ای که‌در آن شرکت دارند با کسانی است که سعی میکنند مسالهٔ امپریالیزم وخطر سلطه آن و مسالهٔ وابستگی، همه، جای خود را به خطر کمونیسم، استبداد مذهبی و... بدهد؟ آیا اینست معنای درک تاریخی و روشنفکر زمان بودن؟ یادت بخیر شریعتی که بخوبی این ضعف بزرگ روشنفکران را باز نمودی و بر کسرویها از این بعد خرده گرفتی که مبارزه با استعمار را فراموش کردند و انحراف فکری یا استبداد مذهبی علمای شیعه را هدف حمله و مبارزه قرار دادند.

و در اینسو هم جای تاسف است که بسیاری از جوانان مسلمان و متعهد که مشتاقانه برای تداوم انقلاب و خدمت به آرمانهای آن می‌کوشند و بیدریغ تمام نیروی خود را در این راه در نهادهای انقلاب، سپاه و جهاد و بسیج و در دستگاه های اجرائی صرف می‌کنند، از این حقیقت غفلت دارند که در چارچوب بینش التقاطی ارسطوئی حاکم بر این جریان، انقلاب به بن‌بست می‌رسد و کار بنیادی صورت نمی‌گیرد و مبارزه علیه امپریالیسم به نتیجه نمی‌رسد. این جریان ظرفیت و قدرت رهبری انقلاب را فاقد است. دنباله ـ روی و قبول حالت انفعال‌بدلیل‌پیچیدگی شرایط، بدترین وضع ممکن است. بسیاری از این برادران و خواهران دلسوز و صادق، چون تحلیل شرایط پیچیدهٔ کنونی دشوار است. تن‌به‌دنباله‌روی‌ازوضع موجودمیدهندوبه خدمات پراکنده و مقطعی و بی‌دنباله قناعت می‌نمایند، آنان نمی‌دانند که با اینکار ضربه‌ای سخت به نیروی انقلاب و تداوم حرکت می‌زنند، آنان باید بدانند که جریان حاکم خط امام را در عمل دنبال نکرده است، وجودبعضی رگه‌های سازشکاری در آن که چندان ناشناخته نیست از یکطرف و ضعف بینشی بخش عمده‌ای از عناصر متشکلهٔ آن و نیز وجود عناصر و جریانات فرصت‌طلب و سودجو و قشری و تنگ‌نظر، رویهم مانع از آن است که در مبارزه علیه امپریالیسم و تحقق اهداف اصلی انقلاب پی‌گیر و موفق باشند و گامهایی گددر راه اعمال یک‌جانبه‌وانحصاری سلیقه و بینش و حاکمیت خود در همه‌جا بعمل می‌آورد، عملاً" انقلاب را عقیم و اسلام اصیل و تشیع سرخ علوی را از صحنه خارج خواهد ساخت.

چه بایدکرد؟

با درک عمیق و بی‌پردهٔ این تهدیدها و ضعف‌ها است که میشود برای غلبه بر آنها اقدام‌کرد. با مشاهدهٔ عملکرد دقیق و بر طبق نقشهٔ امپریالیسم و تشدید تضادهای داخلی، برای غلبه بر بحران و جلوگیری از بروز فاجعه‌ای که مسلماً" برای مدتی طولانی حرکت انقلاب را به تاخیر خواهد انداخت ابتدا به تصمیمات و اقدامات قاطع واساسی از جانب رهبری امام نیازمندیم. امروز توده‌ها در اصالت در جریان حاکم دچار تردید و شک می‌باشند وبا وجود تحمل ناکامیها و مشاهدهٔ ضعف و انحراف در مسئولین، با جان و مال وتمام وجود از انقلاب پاسداری می‌نمایند. این‌کشش و ظرفیت برای مقاومت و ستیز امیدوارکننده است.

اقدام قاطع از جانب رهبری در حذف نارسائیها و عناصر و جریانات ناصالح از مسئولیتها و وادارکردن آنان به اعتراف به خطاها و اشتباهات و تصحیح خط حرکت سیاسی در برخورد با بسیاری مسایل داخلی و خارجی و جذب حداکثر نیروهای خلقی در صف واحدی در برابر دشمن اصلی، بطور مؤثری جلوی پیچیده‌تر شدن شرایط خطرناک فعلی را گرفته، توده را اطمینان و امیدواری تازه‌ای میبخشد. تجربه به‌کرات ثابت کرده است که توصیه به حفظ وحدت و سازش با یکدیگر و رعایت اصول اخلاق اسلامی و مصالح انقلاب و ملت در وضعیت موجود در عملکرد دست ـ اندرکاران قدرت بی‌تاثیر است، این رهنمودها خط حرکت خلق را در مسیر مکتب روشن می‌کند و همه با ارزش و ضروری هستند، زیرا هیچ انقلابی بدون داشتن تکیه‌گاه مکتبی و معیارهای اصولی دوام پیدا نمی‌کند و رهنمودهای امام در این زمینه‌ها همه پرارزش و راهگشای آینده است. اما مشکل امروز ما در برابر توطئه‌های امپریالیزم به اقدامات و تغییرات قاطع‌تری نیازمند است، اقداماتی که از عکس‌العملهای واکنشی توده در حمایت از این یاآن‌جریان جلوگیری کرده، مانع از تجربه و پراکندگی و یاس و انفعال آنها شود. ادامه شرایط فعلی یا به جایگزینی کامل خط سازشکاری منجر میشود و یا در صورت مقاومت بیشتر جناح مقابل برای حفظ قدرت و تحمیل انحصاری سلطهٔ خویش و از بین بردن امکان فعالیت و آزادی عمل سایر جریانات سیاسی ـ اجتماعی که خود در حقیقت گام برداشتن بسوی نوعی استبداد مذهبی می‌باشد، به کشمکشهای حادتر و احیاناً" ایجادزمینه برای جنگهای‌داخلی‌می‌انجامد. بدیهی است که از چنین‌اوضاعی بیش از هر کس امپریالیزم سود خواهد برد.

نیروهای صادق و جان‌برکف انقلاب، همانها که بی‌هیچ چشمداشتی در سنگرها، روستاها، کارخانه‌ها، کارگاهها، مومنانه برای تداوم حرکت انقلاب شب و روز تلاش می‌کنند، نباید اجازه دهند که فعالیت خالصانه آنها که تنها عامل حیات انقلاب تاکنون بوده، بعنوان وسیله و حربه‌ای برای کشمکش دوجناح و تشدید قطب‌بندیها مورد استفاده قرار گیرد، ارائه حرکت انقلاب و مبارزه با امپریالیسم جز در یک تشکل پیشتاز مکتبی با تکیه بر توده‌های مردم امکان‌پذیر نیست. درست است که در شرایط حساس‌کنونی نباید سنگرها، مزارع، کارگاهها را خالی کرد، اما غافل شدن از تدارک زمینه‌های نبرد درازمدت با امپریا ـ لیسم و عدم انسجام نیروهای وفادار به انقلاب برای مقابله با بحرانها و توطئه‌های شیطان بزرگ و پایگاههای داخلیش، عملکردهای مقطعی را هرچند مفید در معرض تهدید و نابودی قرار می‌دهد.

نیروهای اصیل و مبارز و آنها که در خط مکتب مبارزه می‌کنند باید تلاش و فعالیت خود را در آگاهی‌دادن به توده‌ها تشدید کرده و ضمن کسب صلاحیت‌تشکیلاتی سیاسی، برآمادگی خود برای مقابله با شرایط بحرانی آینده بیفزایند.

مسلم است که هماهنگی و وحدت‌عمل نیروهای مومن به خط انقلاب میتواند محور امیدبخشی برای توده‌ها در جهت تداوم مبارزه ضدامپریالیستی در خط مکتب بوجود آورد.

---

* در سخنرانی اخیر، امام علاوه بر هشدار دادن به ملت ایران که ازدنباله‌روی کورکورانه دو جریان درگیر پرهیز نمایند، نسبت به امکان بازپس‌گرفتن قدرت از دولتمردان اخطار شده بود.

آیا در این شرائط و در این مرحله، شخص یا گروه و حزب و سازمانی را می‌شناسید که بتواند نه‌از راه زور، فریب یا به کمک کودتا، بلکه با تکیه بر توده‌ها و با اعتماد آنان، رهبری انقلاب را در دست گیرد، و بهتر از امام جنبش را علیه دشمن هدایت کند؟ و اصالت و صداقت بیشتری داشته باشد، اگر چنین نیروی جایگزینی در این مرحله سراغ دارید، چرا به ملت ایران معرفی نمی‌کنید؟

مروری بر بیانیه‌های جنبش...

بقیه‌ازصفحه۱۰

"اگر راهی که زمامداران تا کنون پیموده‌اند، ادامه یابد، چنانکه خود فرموده‌اید، انقلاب نابود است، انقلاب را فقط یک تصمیم انقلابی از جانب شما نجات می‌دهدو در مسیر درست خود قرار میدهد."

۵۹/۴/۳۰

بیانیهٔ جنبش مسلمانان مبارز در رابطه با تجاوزات مرزی عراق: "ماهیت جنگ تحمیلی و فرسایشی عراق، امپریالیستی است."

.....جنبش‌مسلمانان مبارز، ماهیت این جنگ تحمیلی‌وفرسایشی با انقلاب اسلامی ایران را کاملاً" امپریالیستی و ضد انقلابی تلقی نموده و بسیج مسلحانه و همگانی‌توده‌های‌میلیونی را پاسخ لازم و ضروری همهٔ تعدیات و تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم‌ووابستگان آن‌میداند.

۵۹/۶/۲۹

"بیانیهٔ جنبش مسلمانان‌مبارز در بارهٔ طرح مسئلهٔ گروگانها در مجلس شورای اسلامی."

آیا بهتر نیست که تصمیم‌گیری نهائی در بارهٔ این مسئلهٔ مهم که پیوندی عمیق با انقلاب و مقاومت ملت ما در برابر شیطان بزرگ دارد تا پایان‌تجاوزات نظامی دشمن به تاءخیر افتد؟ آیا جز این است که آمریکای جنایتکار و جهانخوار، این دشمن آشتی ناپذیر بشریت که با وجود اسارت جاسوسان دردست‌های‌ملت از هیچ توطئه تجاوز و جنایتی فروگذار نکرده‌است، پس‌از آزاد شدن گروگانها در اقدام به دشمنی با انقلاب ما جدی‌تر خواهد شد. و از این مسئله برای مخدوش و بی‌اعتبار ساختن انقلاب استفاده خواهد کرد.

آیا یک اقدام عجولانه در این زمینه درروحیهٔ ملتی که زخمهای عمیقی از جنایتهای آمریکا در جسم و جان داردو با تمام سرمایهٔ مادی ومعنوی و انسانی علیه دشمن می‌جنگد تاثیرمنفی و دلسرد کننده بر جای نخواهد گذاشت.

ما به‌تاءخیر انداختن‌تصمیم‌گیری در باره گروگانهارا تا پایان تجاوز نظامی دشمن یک اقدام درست و انقلابی و در جهت مصالح انقلاب و خط امام وامت و تقویت رزمندگان در جبهه ها میدانیم.

۵۹/۸/۱

"اعلامیهٔ جنبش مسلمانان مبارز بمنظور شرکت در مراسم بزرگداشت ۱۳ آبان."

ما این روز تاریخی را همراه با ملت قهرمان و مبارز خود گرامی داشته، دوش بدوش دیگرخواهران و برادران در مراسم مردمی آنروز شرکت‌می‌جوئیم تا برای مقاومت همه‌جانبه در برابر تجاوزات نظامی و دسیسه‌های سیاسی دشمن مکار و پلید تجدید عهدکنیم.

۵۹/۸/۱۱

سخنی با برادران و خواهران هوادار

خواهران و برادران مبارز

همانطور که در دومین سالگرد پیروزی انقلاب به ارزیابی و تحلیل و جمع‌بندی تحولات انقلاب پرداختیم، ضروری‌تر است که در کنار آن یک بار دیگر وظایف خود را در پرتو معیارهای مکتب و اهداف و مصالح انقلاب و در ظرف شرایط تاریخی امروز ارزیابی و شناسائی کنیم، باشد تا اگر ضعف و سستی، کجی و انحراف، غفلت و سهل‌انگاری یا جهل و بی‌خبری در کار و تلاشمان راه یافته باشد، به اصلاح خود پرداخته، با ایمان وارادهای استوارتر از گذشته به انجام مسئولیتهایمان در قبال خدا و خلق ادامه دهیم.

وقتی به پشت سر نگاه کرده و حوادث دو سال‌گذشته را بازنگری‌می‌کنیم، می‌بینیم که اگر لغزشهایی در بعضی مقاطع و موقعیت ها داشته‌ایم، خطاهایی مرتکب شده‌ایم، ولی این لغزشها و خطاها بسرعت تصحیح شدند و درجهت‌گیری اصولی، در خط مکتب و انقلاب تاثیری نگذاشتند. افتخار موهومی است اگر کسی تصور کند هرگز دچار خطا و ضعف نشده است. تنها ابتلاء به خود-مطلق‌بینی مانع از دیدن و اعتراف به اشتباهات است. افتخار و امید پیشرفت و تکامل برای کسانی است که ضعف‌ها و خطاهای خودرا می‌بینند و می‌شناسند و خود را اصلاح و تکامل می‌بخشند.

ما سعی کردیم در تشخیص و انتخاب راه و خط مشی و تحلیل اوضاع و تعیین وظایف خود اصول مکتب را ملاک و معیار، روش شناخت اصیل توحیدی (شناخت اجزاء در پرتو حقایق کلی) را راهنما و بینش تاریخی را چارچوب کار قرار داده، زوایای نگرش خود را نه‌تنها در حال که به گذشته و آینده هم توسعه دهیم و از بررسی هر پدیده بطور مجزا و مجرد از زمان و مکان و گذشته و آینده پرهیز نمائیم. ما سعی کردیم در همانحال که شرایط کنونی را دقیقا" و همانگونه که هست می‌بینیم، هدف نهائی را هم در پیش چشم داشته باشیم و در هر حال خطی و پیوندی بین آنچه امروز انجام می‌دهیم و آنچه فردا باید بدان برسیم و بچنگ آوریم برقرار کنیم.

ما با این خطر آشنا بودیم که بعضی چنان در شرایط حال گفتار میشوند و به "واقعیت" موجود اصالت می‌دهند کههدف نهایی را ندیده گرفته، و در نتیجه به دنباله‌روی از حوادث خودبه‌خودی روز دچار می‌گردند. یعنی کار ندارند که فردا چه خواهد شد و یا چه باید بشود، هرچه را تصور کنند برای امروز مفید است و یا در ظرف زمان و مکان معین ممکن است، انجام می‌دهند. حاصل این طرز فکر تسلیم‌طلبی و دنباله‌روی و یا به تعبیر سیاسی روز راست — روی نامیده میشود. برخی چنان در اهداف نهایی و کمال مطلوب‌های‌خود اسیر و زندانی میشوند که "حال"ها و "ممکن"ها را ندیده، قادر نیستند پلی بین حال و آینده برقرار کنند و از آن عبور نمایند. این افراد در "حال" زندگی میکنند ولی فکر نمی‌کنند، اما در "آینده" فکر می‌کنند ولی بسوی آن حرکت نمی‌کنند. چنانکه گروه اول فقط در حال می‌اندیشد و عمل می‌کند و آینده را به فراموشی می‌سپارد. هر اندازه افراد دسته اول عمل‌گرا هستند، افراد دسته دوم ذهنی‌گرا میشوند و با ایده‌آلها دلخوش می‌کنند و با واقعیات حال بیگانه می‌مانند. این بیگانگی از واقعیتها به انزوای سیاسی‌شان از جامعه و حرکت اجتماعی منجر می‌گردد.

ما سعی کردیم از خطر دچارشدن به چپ‌روی و راست‌روی پرهیز کرده، بر صراط مستقیم که خط حرکت مکتبی است و از بیان واقعیتهای موجود بسوی آیندهٔ مطلوب ادامه می‌یابد، گذر کنیم تا با تغییر آنچه هست، به‌آنچه "باید" باشد برسیم.

اگرمشاهده می‌کنیم که‌واقعیتهاوحوادث در هر مقطع زمانی و در هر مرحله، درستی راهی را که پیمودیم و تحلیل و ارزیابیهائی را که ارائه دادیم، اثبات می‌کنند، دلیلش را باید در رعایت ملاحظات فوق و آزاد می‌کرد می‌سنجیم، و ویژگی یا رمز موفقیت یک رهبری را در این می‌یابیم که تاچه اندازه قادر به درک روح زمان و روح ملت خود باشد، قادر به تبلور و تشکل اراده و قدرت مردم زمان خود باشد.

تاچه اندازه دشمن و یا موانع اصلی را در هر مرحله بشناسد و همهٔ قوای خود را روی خرد کردن آن متمرکز کند، تا چه اندازه حرکت خود را در هر مرحله بر روی بستر یک حرکت درازمدت بسوی اهداف نهایی استوار کند، یعنی انگیزه و اهداف نهائی وی در "خدا" خلاصه و جمع شود و تاچه اندازه از "خود" شیطانی رها و به خود الهی یا فطرت پاک انسانی خویش بازگشته و وابسته باشد. و بالاخره به این حقیقت توجه داریم که ما تعداد اندکی اسوه ونمونه‌های کامل انسانهای خداگونه و "امام" همه اعصار داریم، بقیه به نسبت — هایی نزدیک و منطبق با آن اسوه‌های کامل مکتب میباشند و توجه داریم که رهبری واقعی خلق، واقعیتی است که طی زمان و تدریجا" در متن زندگی و تجربیات و مبارزات مردم می‌جوشد و خود را اثبات می‌کند، انتصابی و انتخابی نبوده و نیست که به اراده و خواست افراد و گروهها بستگی داشته باشد. و تا وقتی ویژگیهایش را دارد و در دل و روح مردم جامعهٔ خود زندگی می‌کند و آنها را در مسیر آزادی و در مبارزه علیه مانع یا موانع اصلی پیش می‌برد، رهبر طبیعی آنان است‌و تا وقتی رهبری دیگری با همان ویژگیها وصلاحیت‌ها در مرتبه‌ای بالاتر و مورد اعتماد و خواست توده‌ها ظهور نکند و جایگزین نشود (البته نه از راه زور یا تلقین وتبلیغ و تحمیق یا انتصاب انتخابات به شیوه دموکراسی سرمایه‌داری) حمایت و تقویت آن برای حفظ وحدت جبههٔ خلق در برابر دشمن با وجود ضعف‌ها و نقائص وخطاها بر همهٔ افراد صرفنظر از عقاید مسلکی‌شان فرض است.

چهارم: جنبش انقلابی در مرحله‌ای به پیروزی نرسید که یک نیروی مکتبی و صالح پیشتاز و متشکل آماده برای جایگزینی باشد، و تا وقتی چنین نیروئی به رشد و قدرت کیفی و کمی مطلوب نرسد و پایگاه مردمی بدست نیاورد، جایگزینی مکتبی تحقق نخواهد یافت. هر نیروئی که خود را از طریق دیگری (مثلا" بزوراسلحه — یا بازی های انتخابات) بر مردم (و نه بر دشمن) تحمیل کند، آن نیروی پیشتاز صالح نخواهد بود.

توجه داشتیم که بدون تحول مناسب در شرایط عینی و ذهنی جامعه، حاکمیت چنین نیروئی میسر نیست و وراثت و امامت مستضعفان پیش از آن تحقق نخواهد یافت و جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی مستقر نخواهد گشت. از این جهت وظیفهٔ خود دانستیم که ضمن تلاش برای کسب صلاحیت، توان خود را در راه تقویت و ارتقاء و تداوم انقلاب و تعمیق آگاهیها و تشکل توده‌ها و شکست دشمن اصلی بکار بریم.

پنجم: نسبت به دشمنان خلق و در راس آنهااستکبار جهانی و عوامل وابسته بدان از مزدوران رژیم، ساواک و... برخوردی خصمانه و بر پایه تضاد شیطان و انسان و با جریانات منحرف در جبههٔ مردم تا وقتی در طیف ضدخلق قرار نگرفته — اند، برخوردی انتقادی، ارشادی و افشاگرانه‌داشته‌ایم.

ششم: مشکل اساسی انقلاب را در مرحلهٔ مبارزه با امپریالیسم دراین واقعیت تلخ‌یافتیم که مسئولان و دولتمردان و جریانات حاکم درمجموع ظرفیت و صلاحیت فکری و خصلتی لازم برای مقابله با دشمن پرنفاق و پیچیده را نداشته و از رهبری خلق در این مرحله عاجزاند و لذا عملکرد آنان با ویژگیهای خط حرکت امام و ضرورتهای انقلاب و جنبش خلق، تضاد و مغایرت دارد. درواقع یک بار دیگر این واقعیت تلخ تکرار شد که توده‌های زحمت — کش و رنجدیده و جوانان رزمنده و گمنامی جنگیدند، شکنجه دیدند، در خیابانها و معابر شهید شدند، و دشمن را شکست دادند ولی بعد از ۲۲ بهمن آنان از حاکمیت و قدرت نصیبی اندک بردند و در ازاء آن قدرت و حکومت را جز معدودی غالبا" کسانی قبضه کرده‌اند که سهمی در مبارزات و محرومیت‌ها و مقاومتها و شکنجه ها و شهادتهای خلق نداشتند و بیشتر عافیت‌طلبانی بودند که برای حکومت کردن و "آقائی" و "فرمانروائی" ساخته شده‌اند از آن پس هم این تقسیم کار ظالمانه و غیر انسانی و غیرمکتبی حفظ شد که توده‌ها، محرومان و گمنامان بجنگند و انقلاب کنند و از آن حراست نمایند و یقه‌سپیدها و رجال نامدار بر کار حکومت و جنگ قدرت مسعول باشند. آنان برای انقلاب و آزادی با دشمن می‌جنگند و اینان برای قدرت و صدارت با یکدیگر. آنان برای خدا و آخرت با باطل درنبردند، و اینان برای دنیا، حق را پایمال می‌کنند.

هفتم: وفاداری به اصول مکتب و پای فشردن در آستان حقیقت و رعایت مصالح خلق و انقلاب و حرکت در صراط مستقیم و پرهیز از چپ‌روی یا راست‌روی، مسلما" عوارضی هم بدنبال داشت، بسیاری را با ما دشمن کرد، طعن و ناسزا، برچسب و اتهامات زیادی نصیب ما کرد و شما لااقل از سوی سه جریان مورد سخت‌ترین حملات ایذائی قرار گرفتیدکه یکدسته قشریون و جزم‌اندیشان جبهه راست که ما را منافق می‌خوانند، یکدسته جزم‌اندیشان جبههٔ چپ که ما را مرتجع می‌نامند و دسته سوم مرتجعین‌مذهبی ولیبرالها وسازشکاران و وسایل ارتباط جمعی امپریالیستی که ما را کمونیست می‌دانند.

البته کم نیستند خرده‌گیران صادق و دلسوزی که اشتباهات و ضعفهای واقعی یا غیرواقعی ما را گوشزدمی‌کنند. این نیست که در نوشته‌ها وگفته‌های جریانات دیگر در باره ما حقیقتی یافت نشود، ما سعی کرده — ایم از هر انتقاد و حتی حملات توام با ناسزا و برچسب، برای یافتن ضعفها و خطاهامان استفاده کنیم و در ازاء آن، حتی‌المقدور جز بر طبق شیوه‌های اصولی انتقاد نکنیم.

ما با این خطر آشنا بودیم که شخص یا گروهی ممکن است در زیر فشار حملات تبلیغاتی و جنگ روانی و اتهام و برچسب، بطور واکنشی از مواضع خود ناگهان بچپ و یا راست بغلطد و برای کسب آبرو و اعتبار دست‌بکار شود. ما از ماهیت و هدف جریاناتی که در این زمینه یعنی استفاده از فشارهای روانی و تبلیغات متمرکز و شایعه‌سازی و دروغ‌پراکنی، برای واداشتن حریف خود به عمل واکنشی غیر — اصولی استادند، بخوبی مطلع بوده و هستیم و بهمین جهت نه سیل تهمت و حملات تبلیغاتی و فیزیکی ازجانب گروههای فشار و باندهای چماق‌بدست به دفاتر و به افراد سبب شد تا مصالح انقلاب را زیرپا گذاشته، دشمن اصلی را فراموش کنیم، و نه تهمت‌ها و برچسب‌ها و دروغ — پراکنی‌های دستهٔ مقابل ما را از مسیر اصلی‌مان منحرف ساخت — واقعیت‌ها بهترین محک و قاضی بودند و هستند. مروری به گذشته و مطالعهٔ اتهامات گوناگون از ناحیهٔ سحریان نامرده علیه جنبش و مقایسه آن با واقعیتها، بخوبی نشان می‌دهد که چگونه آن استدلالها و اتهامات و برچسب‌ها بی‌اعتبار شدند و حقانیت راهی که طی‌می‌کنیم، بیش‌از پیش اثبات می‌کرده.

هشتم: ما سعی کردیم عبرت‌های تاریخ را پیش رو بگذاریم، از تجربهٔ انقلاب اسلامی در زمان حیات پیامبر و حوادث و تجربیات بعد از آن و شیوهٔ برخورد رسول خدا و امام‌علی، در تشخیص صحیح‌ترین و مکتبی‌ترین نحوهٔ برخورد مسایل زمان خود بهره گرفتیم، ما بررسی ویژگیهای اساسی جریانات گوناگون منحرف از خطمکتب و صراط مستقیم از منافقین تا طلقاء، از قشریون نهروان تا ناکثین اصحاب جمل" از قاسطین ضدانقلابی تا سازشکاران و عافیت‌طلبان فرصت‌طلب، از جریانات سقیفه تا شورا و چگونگی برخورد پیامبر و امام را با هر یک از این جریانات در ظرف شرایط زمان، بررسی کردیم تا راهنمائی برای تعیین خط مشی اصولی در شرایط حاضر باشد. ما خود را از تحلیل و عبرت از نهضتهائی چون نهضت مشروطه و حوادث بعد از آن تا نهضت ملی ایران و کودتای ۲۸ مرداد بی‌نیاز ندیدیم و معتقدیم هر فرد یا جریان و گروهی که بدون اطلاع و عبرت از این‌تجربیات تاریخی بخواهد مبارزه کند، مسلما" دچار اشتباه و انحراف خواهد شد.

نهم: همراه با این تجربیات سیاسی، تجربه‌ای سخت و دشوار ازکار تشکیلاتی را پشت سر گذاشته‌ایم. در این قلمرو کار ما دشوارتر و ضعفهامان بیشتر بود، زیرا بر خلاف کار سیاسی و مکتبی که پشتوانه‌ای طولانی و حتی ازتجربیات گذشتگان در اختیار بود، در زمینهٔ کارتشکیلاتی برپایه اصول مکتب توحیدی، تجربه‌ای و نمونه‌ای وجود نداشت. احزاب و گروههای معاصر مذهبی و غیرمذهبی همه بر پایه اصول و تجربهٔ تشکیلاتی احزاب اروپائی — سرمایه داری یا مارکسیستی — بوجود آمده بودند و نمی‌توانستند دستاوردهائی از یک تجربهٔ تشکیلاتی بر پایه مکتب توحید ارائه دهند ما خود نیز فاقد چنین اندوخته‌ای بودیم، از این جهت مشکلات و مراحل دشواری را پشت سر گذاشتیم و صدماتی متحمل شدیم اما سرانجام مقاومت و پایداری، ما را به نقاط روشن در تعیین خطوط حرکت‌تشکیلاتی بر پایهٔ معیارهای مکتبی و ضرورتهای یک حرکت پیشتاز رساند و اکنون بااطمینان و امید زیادی به آینده، به تکمیل این تجربیات در عمل انقلابی وبه راهنمائی معیارهای مکتبی ادامه خواهیم داد.

دهم: بعضی تصور می‌کنند که لازمهٔ مبارزه درازمدت مکتبی وکسب صلاحیت در سطح متقین پیشتاز، جدا شدن از متن حوادث و تحولات روز و خزیدن دراطاقهای در بسته و پرهیز از هرنوع برخورد با جریانات سیاسی روز و یا خودداری از قبول مسئولیت و انجام خدمات عملی اجتماعی در میان مردم است، در صورتیکه بر پایهٔ ضوابط مکتبی، خودسازی و کسب صلاحیت و مبارزه، همه وقتی معنا و مفهوم دارد که در میان مردم، با مشارکت مستقیم در تحولات و حرکتهای جامعه انجام گیرند. ما از انجام هر خدمتی در هر یک ازنهادهای انقلاب و در هر جا که به تعمیق مبارزه و تقویت جبههٔ خلق و تضعیف دشمن و بازسازی انقلابی کشور کمک می‌کرد، استقبال کردیم، بی‌آنکه این فرصت‌ها و خدمات را وسیلهٔ تبلیغ گروهی یا خودنمائی و کسب شهرت قرار دهیم. امادردناکانه‌بایدگفت تنگ‌نظری و جزم‌اندیشی حاکم بر غالب مسئولان در این نهادها سبب شده است که عرصهٔ خدمت صادقانه و بی‌نام و نشان از هواداران و هر مبارز مکتبی دیگری که دارای استقلال فکری است، هر روز تنگ‌تر شود، در صورتیکه مصالح انقلاب ایجاب می‌کند که همهٔ افراد مومن و وادار به جمهوری اسلامی صرفنظر از عقاید مسلکی، در انجام خدمات شرکت داده شوند، چه رسد به کسانی که حیات خود را وقف خدمت به اسلام و مردم کرده‌اند.

ولی‌کسانی‌که بیشتر ازهمه سنگ انقلاب‌را بر سینه‌میزنند، آشکارا این مسئله را زیر پا می‌نهند و حتی برادرانی را که بی‌نام و عنوان، صادقانه در سنگرهای مقدم جبهها جنگ، به پیشوازمرگ می‌روند، از روی تنگ نظری و انحصارطلبی، اخراج می‌نمایند غم‌انگیز آنکه همین اشخاص ما را متهم می‌سازند که اهل عمل نیستیم و در کنار گود نشسته‌ایم و حرف می‌زنیم. اگر چنین است پس هوادارانی که از خدمت در جهاد در آموزش و پرورش و یا جنگیدن در جبهه و یا خدمت در سپاه پاسداران و دیگر ارگانهای مملکتی محروم‌کرده و می‌کنند. آنجا حرف می‌زدند و کنار گود بودند؟

با اینحال ما بی‌آنکه این اقدامات تنگ نظرانه را مستمسک قرار داده از خود سلب مسئولیت کنیم، وظیفه داریم که مانند گذشته در هر جا که امکان کوچکترین‌خدمت به انقلاب و مردم و مبارزه با دشمن اصلی وجود دارد، صادقانه و بی‌ریا و نام و نشان شرکت جوئیم. کسب صلاحیت برای مبارزهٔ درازمدت مکتبی ضمن‌کار و عمل مثبت ولی هدف‌دار و با انگیزه‌های مکتبی حاصل میشود.

یازدهم: اهمیت آموزش مکتب به اندازه‌ایست که حدی بر آن متصور نیست، چه انحرافات و خطاهائی که همه مربوط به آنستکه مکتب با وجود ما عجین نشده، در روح و اندیشه ما جای نگرفته است، تا در همه‌حال از درون عمل و نیت و اندیشه ما را راهنما باشد. ما مکتب را چنین می‌خواهیم، نه بصورت محفوظاتی در ذهن یا در کتاب مجرد از شخصیت فکری و عملی و تمایلات و احساس و زندگی فردی و اجتماعی. و نیز در اهمیت کار تشکیلاتی و خودسازی همانقدر بس که بدون آن هیچ مبارزه‌مکتبی و تحول انقلابی بثمر نمی‌رسد.

وظیفه‌ای دوگانه اما در طول هم و در یک خط بر دوش ما سنگینی می‌کند، با مبارزه همه‌جانبه مرحله‌ای با دشمن اصلی و دفاع از دست‌آوردهای انقلاب و مبارزه درازمدت مکتبی در جهت وصول به جامعه توحیدی عاری از طبقات و تشکیل امت واحده و پرورش انسانهای خداگونه — ایندو وظیفه از هم جدانیست و نباید یکی فدای دیگری شود.

دوازدهم: بموازات پیچیده‌تر شدن سازمان و عمل جبههٔ باطل و دشمن کافر و مستکبر، نیروی حق باید دانش فلسفی و سیاسی و توانایی عملی و تشکیلاتی خود را تکامل بخشد، بالاتر و ضروری‌تر از هر چیز خالص‌تر کردن هرچه بیشتر انگیزه‌هاست، هراندازه انگیزه‌ها مکتبی‌تر باشند، و هر کدام از مامخلصانه‌تر و تنها برای خدا و قرب به وی و با خودآگاهی بیشتری مبارزه کنیم، پایداری و مقاومت بیشتری در عمل شان‌خواهیم داد.

اخلاص در عمل و نیت، سبب میشود ز هواهای نفس آزاد و از فشار عوامل خارجی و وسوسه‌ها، تهدیدها، جاذبه‌ها و دافعه‌ها، تبلیغات وجنجالها مصون بمانیم، جز حق نخواهیم و جز راه‌حق نپوئیم و هرگز حقیقت را فدای مصلحت روز نکنیم.

وحدت جبههٔ خلق و رهبری را با تشدید تضادهای غیراصولی خدشه‌دار نکنیم، برخورد اصولی واسلامی باجریانات مختلف درون جبههٔ خلق را ادامه دهیم، بامبارزه ایدئولوژیک و ضمن دادن آگاهی های سیاسی و مکتبی به مردم، راه مستقیم و مکتبی انقلاب را روشن فراراه توده‌ها قرار دهیم و سرانجام مطمئن باشیم که اگر ایمان واخلاص در عمل داشته باشیم، خدا از نصرت خود محروممان نخواهد ساخت. و بهمان میزان که‌ایمانمان‌استوارتر، اخلاصمان بیشتر و آگاهی‌مان‌عمیق‌ترمیشود، انسجامی

بقیه‌درصفحه۱۴

اگر لغزشهائی در بعضی مقاطع و موقعیتها داشته، خطاهائی مرتکب شده‌ایم ولی این لغزشها و خطاها بسرعت تصحیح شدندو در جهت‌گیری اصولی، در خط مکتب و انقلاب" تاءثیری نگذاشتند، افتخار موهومی است اگر کسی تصور کند هرگز دچار خطا و ضعف نشده است.

نه سیل تهمت و حملات تبلیغاتی و فیزیکی از جانب گروههای فشار و باندهای چماق‌بدست به دفاتر و افراد سبب شد تا مصالح انقلاب را زیر پا گذاشته، دشمن اصلی را فراموش کنیم، و نه تهمتها و برچسبها و دروغ‌پراکنی‌های دستهٔ مقابل ما را از مسیر اصلیمان منحرف‌ساخت. واقعیتها بهترین محک و قاضی بوده و هستند.

مشکلات و مراحل دشواری را پشت سر گذاشتیم‌و صدماتی متحمل‌شدیم، اما سرانجام مقاومت‌و پایداری ما را به نقاط روشن در تعیین خطوط حرکت تشکیلاتی بر پایهٔ معیارهای مکتبی و ضرورتهای یک حرکت پیشتاز رساند و اکنون با اطمینان و امید زیادی به آینده، به تکمیل این تجربیات در عمل انقلابی و به راهنمائی معیارهای مکتبی ادامه خواهیم داد.

انقلاب در آینه زمان

۱۶ بهمن ـ امام در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری گفتند: من از آقای بنی‌صدر سخواهم که مابین قبل و بعد از ریاست جمهوری در احوال ایشان تفاوتی نباشد.

بنی صدر در این مراسم گفت: برای ملت ایران هیچ نعمتی بالاتر از این نیست که روحانیت اسلام تحت زعامت حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی امام امت ما توانسته است یکی از بزرگترین انقلابهای تاریخ جهان را به پیروزی برساند.

۱۶ بهمن ـ بدعوت دفتر هماهنگی‌های مردم و رئیس جمهور کنگره اسلامی تشکیل شود.

۱۶ بهمن ـ مراسم سالگرد میلاد حضرت رسول و مراسم نخستین روز هفته انقلاب در بهشت زهرا برگزار شد. در این مراسم سید احمد خمینی پیام امام را قرائت نموده و آقای بنی صدر نیز سخنرانی کرد.

۱۶ بهمن ـ کاندیداهای انتخاباتی خود را برای انتخابات مجلس آماده میکنند.

۱۷ بهمن ـ افشاگری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در مورد رابطه ناصر میناچی با عناصر سفارت آمریکا پخش شد.

۱۷ بهمن ـ در رابطه با افشاگری میناچی، بنی صدر گفت: چگونه میشود در کشوری حکومت کرد، زمانیکه عده‌ای بعنوان دانشجوی پیرو خط امام خودکامه عمل میکنند و وضعی را بوجود می‌آورند که مساله حکومت در حکومت مصداق پیدا کند. وی گفت: دستگیری میناچی از طرف دانشجویان دخالت در امور قضائی است.

۱۷ بهمن ـ وزارتخارجه آمریکا اعلام کرد، با آزادی گروگانها بشکایات ایران علیه شاه مخلوع رسیدگی میکند.

۱۸ بهمن ـ احزاب و گروهها مخالفت خود را با دو مرحله ای شدن انتخابات اعلام داشتند.

۱۸ بهمن ـ در اطلاعیه سپاه‌پاسداران اهواز توطئه های آمریکا و عراق فاش‌وهشدار داده شد.

۱۸ بهمن ـ بدستور شورای انقلاب میناچی آزاد شد.

۱۸ بهمن ـ بدستور شورای انقلاب پخش افشاگری دانشجویان از تلویزیون ممنوع شد.

۱۸ بهمن ـ دکتر بهشتی در مصاحبه ای در پاسخ سئوال خبرنگار که پرسید پس از انتخابات ریاست جمهوری تلاشی برای کسب نفوذ در مجلس می‌کنید یا نه، گفت: باید از اینطریق بهتر بتوانیم وظایف خود را انجام دهیم.

۱۸ بهمن ـ بحکم خلخالی ۱۴۵ امیر و افسر و درجه دار نیروی هوائی بجرم اعمال ضد انقلابی اخراج شدند.

۲۰ بهمن ـ در مذاکرات با حزب دموکرات قرار شد گروگانهای در اختیارحزب دموکرات با زندانیان در اختیار دولت‌مبادله شوند.

۲۰ بهمن ـ کاردار سفارت ایران در سوئد که وضعی مشابه امیر انتظام داشت، و به تهران فرا خوانده شده بود، ظاهرا" خودکشی کرد. قطب‌زاده گفت: خودکشی‌او مسئله ای سیاسی نبوده است.

۲۰ بهمن ـ پاناما گفت، شاه میتواند این کشور را ترک کند.

۲۰ بهمن ـ بازرگان طی نامه ای اعلام داشت که در جریان انقلاب تماسهائی با بختیار، سران ارتش، ساواک و... داشته است. بازرگان در این نامه گفته است که، علت عدم عکس العمل خونبار رژیم در ماههای ۵۷ (تظاهرات مردم)، مذاکرات پشت پرده بوده است.

۲۰ بهمن ـ سفیرزلاندنو که در فراغ دیپلمات کانادائی دست داشت، پس از ترک ایران وارد لندن شد.

۲۰ بهمن ـ دونالد مک هنری نماینده آمریکا در سازمان ملل نسبت به‌آزادی‌گروگانها خوشبین است، وی گفت نشانه امید اینست‌که بلاتی در ایران در جریان است تا تصمیم‌گیری تمرکز پیدا کند.

۲۰ بهمن ـ مهدوی‌کنی در مورداز پس بردن تمرکز قدرت به نقل قول‌ازبنی‌صدر گفت: رئیس جمهور معتقد است که‌دانشجویان باید از مسیر خودشان خارج شوند و در امور مملکتی دخالت کنند، وظیفه دانشجویان صرفا" استقرار در جاسوسخانه آمریکا و نگهداری گروگانهاست.

۲۱ بهمن ـ دانشجویان پیرو خط امام اعلامیه ای صادر کردند: در این اعلامیه آمده است، شورای انقلاب نماینده قوه‌مجریه است، و در کار قوه قضائیه دخالت می‌کند و دستور آزادی میناچی را میدهد. همچنین گفته اند، نظر امام راجع به جاسوسان امریکا روشن است. ایشان خودشان فرموده اند که آزادی این جاسوسان آمریکائی تااسترداد شاه حائز توسط دولت آمریکا بهیچوجه ممکن نیست.

۲۱ بهمن ـ بدنبال ۲ روز درگیری خونین در گنبد ارتش به آنجا رفت.

۲۲ بهمن ـ امام بمناسبت سالگرد پیروزی انقلاب در پیام خود گفته اند: ایران باید تا قطع کامل تمام وابستگی های سیاسی، نظامی و اقتصادی و فرهنگی خود از آمریکا به مبارزات قاطع خود علیه این جهانخوار بی رحم ادامه دهد. امام همچنین گفتند: هر کس در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت بی محابا و بدون هیچ‌ملاحظه ای او را از صحنه روزگار برانید، که سازش با شرق و غرب خودباختگی است.

۲۳ بهمن ـ مراسم سالگرد انقلاب در میدان آزادی برگزار شد. در این مراسم عرفات نیز حضور داشت.

۲۳ بهمن ـ بدنبال چند روز بارندگی شدید در خوزستان، سیل جاری شد.

۲۳ بهمن ـ عرفات از امام خمینی در بیمارستان‌قلب دیدار کرد.

۲۳ بهمن ـ شادمهر در یک مصاحبه گفت، حکم‌آیت الله خلخالی درباره ۱۴۵ نفر از ارتشیان اجرا نمیشود. وی گفت: ارتشی که ما در گذشته داشتیم به اعتقاد من ملی ترین ارتشها بوده است.

۲۴ بهمن ـ قطب زاده در مصاحبه با شبکه ا ـ بی ـ سی گفت، امیدوارم که‌بزودی گروگانها آزاد شوند زیرا ما سخت بر روی آن کار می‌کنیم.

۲۴ بهمن ـ امام در پیامی خواستار کمک به سیل زدگان خوزستان شدند.

۲۵ بهمن ـ خلخالی گفت: راه‌حل بحران ترکمن صحرا تقسیم‌اراضی فئودالها است.

۲۵ بهمن ـ بنی صدر در مصاحبه ای درباره گروگانها گفت: من همان‌روزاول‌گفتم که با این طرز عمل موافق نیستم، اما حالا شده، ما باید مسئله را طوری حل کنیم که حیثیت ما، استقلال ما، و مشکلات ماباامریکا با این مسئله حل بشود. بنی صدردر این مصاحبه سه شرط خود را برای آزادی‌گروگانها اعلام داشت: ۱ـ انتقاد آمریکا از اعمال گذشته اش. ۲ـ تعهد باینکه در آینده‌دخالت نکند ۳ـ مانعی درتعقیب شاه و خانواده اش، و اعوان و انصار او و دزدیهائی که کرده اند فراهم نکند.

۲۵ بهمن ـ موسوی خوئینی ها گفت: ملت ایران باید هوشیار باشند که توطئه‌ای علیه خط‌امام در جریان است. وی گفت کسانیکه امروز طرفدار امام و خط‌امام شده اند همانهائی هستند که پیش از انقلاب بارها به هواداران امام می‌گفتند امام آنقدر به آمریکا و کارتر حمله نکند.

۲۷ بهمن ـ خلخالی فاش کرد، بختیار در مدرسه رفاه بوده و فراری داده شده‌است

۲۷ بهمن ـ بنی صدر گفت: دانشجویان پیرو خط امام، باید بروند در دانشکده هاشان ضمن مبارزه درسشان را هم بخوانند، آنان حق ندارند در امور دولت دخالت‌کنند

۲۸بهمن ـ هشدار دانشجویان خط امام در مورد توطئه های ضد انقلاب درآذربایجان تشریح شد.

۳۰ بهمن ـ فرماندهی کل قوا از طرف امام به بنی صدر سپرده شد.

۳۰ بهمن ـ کارکنان معترض دادستانی با ارائه چند سند دادستان کل انقلاب (علی قدوسی) را متهم به سوء استفاده کردند.

۳۰ بهمن ـ باهنر، پس از ملاقات پنج تن از اعضای شورای انقلاب با امام گفت، امام بزودی انتصابات مهمی انجام میدهند.

۱ اسفند ـ ۶ عضو روحانی شورای‌نگهبان از جانب امام منصوب شدند.

۲ اسفند ـ امام در پیامی بمناسبت‌هفته بسیج گفتند: امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی، با تائید خداوند متعال موفق شوند و دوره تعلیمات و تمرینهای عملی و نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته و بطوری که سزاوار یک ملت اسلامی بپاخاسته است، به پایان رسانند.

۲ اسفند ـ بهشتی در سخنرانی خوددر مورد هایزر گفت، ما با عناصر شرق و یا غرب ارتباط و تماس نداشته‌ایم، اما اگر آنها بخواهند با ما تماس بگیرند، در صورتی که زیان نداشته باشد، قبول می‌کنیم، و ضمنا" مقدس‌مآبی سیاسی را نیز یکنوع ضعف میدانیم.

۲ اسفند ـ هاشمی رفسنجانی: امام بزودی رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور را منصوب می‌کنند.

۳ اسفند ـ دانشجویان خط امام درمورد کودتای آمریکا در ایران افشاگری کردند

۴ اسفند ـ در پیام امام بمناسبت کمیسیون بررسی جنایات شاه و گروگانها، آمده است، همانطور که با رها گفته ام، ما خواستار استرداد شاه و اموال ملت از او می‌باشیم و دانشجویان مسلمان و مبارزی کهلانه جاسوسی را اشغال کرده اند، با عمل انقلابی خودشان ضربه ای بزرگ بر پیکر آمریکای جهانخوار وارد نمودند و ملت را سرافراز کردند. امام در این پیام مسئولیت رسیدگی به مسئله گروگانها را به مجلس شورای اسلامی واگذار کردند.

۴ اسفند ـ از سوی امام، آقای بهشتی بعنوان رئیس دیوانعالی کشور و آقای‌اردبیلی بعنوان دادستان کل کشور منصوب شدند.

۴ اسفند ـ بنی صدر در مصاحبه با نیوزویک گفته است، اگر آمریکا سه شرط را، عملی کند، جو حاکم بر روابط ایران و آمریکا دگرگون خواهد شد و دو کشور خواهند توانست در فضای سیاسی و روانی تازه ای روابط خود را از سر بگیرند.

۴ اسفند ـ درگیریهای متعددمجاهدین و سایر گروهها در تهران و شهرستانها دهها مجروح بجای گذاشت.

۴ اسفند ـ یکهفته بعنوان اجرای طرح بسیج اعلام شد.

۵ اسفند ـ رفسنجانی: حمله کنندگان‌به اجتماعات عمال آمریکا هستند.

۵ اسفند ـ اعضای کمیسیون سازمان ملل وارد ایران شدند، ماموریت کمیسیون‌رسیدگی در مورد جنایات شاه مخلوع و آمریکاست.

۵ ـ اسفند ـ محافل آمریکائی از اینکه سرنوشت گروگانها از جانب امام به مجلس محول شده است اظهار نگرانی کردند.

۵ ـ اسفند ـ اعلام حمایت و قدردانی دانشجویان پیرو خط امام از پیشنهاد امام مبنی بر رسیدگی به سرنوشت گروگانها توسط مجلس شورای اسلامی، در اعلامیه ای که از طرف آنان صادر شد ذکر شده است.

۵ اسفند ـ بازرگان گفت: شورای‌انقلاب در مورد بی اعتنائی به آمریکا سفارش نکرده بود.

۶ اسفند ـ دریادار علوی که یکماه پیش فرمانده نیروی دریائی شد، و ضمنا" معاون مدنی نیز بود، بازداشت شد.

۶ اسفند ـ قطب زاده: کار کمیسیون تحقیق ارتباطی با مسئله گروگانها ندارد.

۹ اسفند ـ بدعوت شورای اسلامی کارگران راهپیمائی کارگران در مقابل لانه جاسوسی انجام شد.

۹ اسفند ـ رویتر از قول دانشجویان خط امام گفت که اجازه ملاقات با گروگانها را به کمیسیون بررسی جنایات شاه نمیدهند، چرا که این موضوع ربطی به ملاقات باگروگانها ندارد.

۹ اسفند ـ امید نجف آبادی، دادستان انقلاب دادگاه اصفهان، در یک مصاحبه تلاش دادستانهای انقلاب قم و تهران‌رابرای جلوگیری از حکم اعدام میراشرافی افشاءکرد. وی در مصاحبه اش یادآور شده است، آقای قدوسی و محمد مومنی که یکبرگ از پرونده چندین هزار برگی را نخوانده اند، چه حقی دارند که بیایند در این پرونده دخالت کنند و در مورد آن قضاوت نمایند.

۹ اسفند ـ ربانی شیرازی در یک مصاحبه گفت: مشکلات کشور بخاطر نبودن قدرت اجرائی صحیح است، و ی گفت: اگر قدرت اجرائی روی کار آمد و قضایا هم روی کانال‌قانونی‌خودش‌افتاد، قهرا "تصمیم‌گیریها کمتر و متمرکز میشود به قوه اجرائی و در یک گروه خاصی. تصمیم گیریها از مراکز مختلف قدرت‌سلب‌شده‌ووقتی‌یک‌مرکزتصمیم‌گرفت قسمتی از اختلافات برطرف میشود.

۹ اسفند ـ دایره اطلاعات و بررسی سپاه پاسداران مرکز، با صدور اعلامیه ای از فعالیت های دریادار علوی فرمانده پیشین نیروی دریائی پرده برداشت.

۱۱ اسفند ـ لایحه تقسیم اراضی در شورای انقلاب تصویب شد.

۱۲ اسفند ـ رضا اصفهانی: تقسیم اراضی فئودالها تا آخر هفته آغاز میشود، سیستان و بلوچستان، کردستان، گنبد، فارس مازندران اولین نقاط اجرای طرح هستند.

۱۳ اسفند ـ استاندار فارس: با طرح رضا اصفهانی از نظر قانونی، اراضی وزیر کشاورزی دولت موقت مصادره شد.

۱۳ اسفند ـ آقای بنی صدر در مشهد گفت: مساله زمین از نظر قانونی حل‌شد، اگر بخواهد هردمبیلی بشود اجرا نخواهد شد و کشور صدمه خواهد دید. یک هیات هفت‌نفره باید این قانون را اجرا کند ولاغیر، غیر آن هیات دیگران حق ندارند، برای اینکه می‌آید همه چیز را بهم می‌ریزند و مانع از اجرای صحیح قانون میشوند و زمین هم در در ایران زیاد است و به همه زمین می‌رسد و آبهائی هم که زمینهای بزرگ دارند هیچ نگران نباشند، اگر خواستند اجرت المثل زمینشان را خواهند گرفت و اگر زمین‌خواستند دولت بآنها زمین دیگری خواهد داد.

۱۴ اسفند ـ دانشجویان پیرو خط امام در یک افشاگری گفتند: نزیه، متین دفتری، لاهیجی و میناچی، با سفارت آمریکا ارتباط داشتند.

۱۴ اسفند ـ کمیسیون تحقیق در مورد جنایات شاه اعلام کرد، قطب زاده گفته‌است که شورای انقلاب دیدار آنها را با گروگانها تصویب کرده است.

۱۵ اسفند ـ معاون وزیر کشور: براساس طرح شوراها، اداره شهرها شورائی میشود.

۱۵ اسفند ـ احمد صدر حاج سیدجوادی: ملاقات من با کاردار تشریفاتی و معمولی‌بود.

۱۵ اسفند ـ دانشجویان خط امام، پس از ملاقات با اعضای شورای انقلاب گفتند. پس از تسلیم گزارش کمیسیون درموردجنایات شاه و آمریکا به سازمان ملل، و قبول آن اسناد از طرف این سازمان، دیدن گروگانها بلامانع است.

۱۵ اسفند ـ بنی صدر: چون دولت قبلا" قول دیدار گروگانها را به کمیسیون داده است، اگر خلف وعده کند، دولت ضعیف میشود.

۱۶ اسفند ـ معاون وزارت خارجه‌آمریکا: اگر کمیسیون تحقیق، گروگانها را آزاد نکند، آمریکا دوباره تحریم اقتصادی را موردمطالعه قرار میدهد.

۱۸ اسفند ـ قطب زاده درپی تصمیم شورای انقلاب مبنی بر تحویل گروگانها به دولت، گفت که عازم لانه جاسوسی است.

۱۸ اسفند ـ روز جمعه ۱۷ اسفند، به شتیبانی از دانشجویان پیرو خط‌امام، یک راهپیمائی انجام شده و مردم خواستار عدم تحویل گروگانها شده‌اند.

۱۸ اسفند ـ دانشجویان خط امام‌اعلام کردند که بعلت اینکه دولتمردان میخواهند در رابطه با کمیسیون از موضع ضعف برخورد کنند و هر کار که کمیسیون خواست انجام دهند و ما میخواهیم با آمریکا ازموضع‌انقلابی و قاطع برخورد کنیم، نمی‌توانیم، چنین اجازه ای را بدهیم و لذا گروگانها را تحویل دولت می‌دهیم.

۱۹ اسفند ـ قطب زاده: بعداز افشای‌دروغ‌اونسبت‌به‌امام‌درجواب‌گفت: مزخرف گفته اند، گروگانها را انشاءالله می‌گیریم و برای این آقایان که آنجا هستند اصالتی قائل نیستم.

۱۹ اسفند ـ بنی صدر: ایران آماده است در کوتاه ترین مدت یک کمک بدون‌قید و شرط به ترکیه بدهد... ایران و ترکیه میتوانند یک جبهه مشترک علیه دوابر قدرت بوجود آورند.

۱۹ اسفند ـ شورای انقلاب مهدوی کنی راماء مورتحویل‌گروگانهاکردوی‌گفت اینکه دانشجویان می‌گویند گروگانها را به قطب زاده تحویل نمیدهیم، شخص مطرح نیست، تحویل به شورای انقلاب مطرح است.

۱۹ اسفند ـ مردم در مقابل لانه جاسوسی، حمایت خود را از دانشجویان پیرو خط‌امام در نگهداری گروگانها و عدم تحویل آنها به دولت اعلام کردند.

۲۰ اسفند ـ دانشجویان خط امام گفتند: قطب زاده در سفر خود به رم وپاریس احتمالا" با ونس و مقامات دیگر آمریکائی ملاقاتهائی داشته است.

۲۰ اسفند ـ دانشجویان خط امام، در مصاحبه ای گفتند، تا امروز دستور صریح و مستقیمی از سوی امام مبنی بر موافقت ایشان برای ملاقات اعضای کمیسیون با گروگانها داده نشده و بگمان ما این اقدام، تصمیمی انحرافی است که از سوی شورای انقلاب‌و دیگر مسئولان گرفته شده، آنان همچنین گفتند که مردم باید در جریان مسائل مملکتی باشند و از آنها آگاهی پیدا کنند، نه آنکه مطالب از دید مردم سانسور شود.

۲۰ـ اسفند ـ آقای بنی صدر گفت: کدام تحلیلی می‌پذیرد که ما تمام کوششها را متوقف کنیم، یا کاری کنیم که متوقف شوند و کشور را از پا درآوریم، و همه توجهات‌را جلب این شبه مسئله و مشکل تراشی کنیم که آیا دیدار هیات از گروگانها جائز است یا جائز نیست؟ اینهمه سر و صدا درباره‌ملاقات هیات بین المللی با گروگانها سرگرم شدن یا سرگرم کردن نیست؟ در جای دیگر اضافه می‌کند: چه کسی میتواند انکار کند که روسیه تمام کوشش خود را بعمل میآورد که ما را در این سرگرمیها فرو برد تا با خیال راحت کار افغانستان را بسازد و بعد بسر وقت ما بیاید؟ اگر کسی در این باره شک دارد و خوب است در رفتار حزب توده و گروههای وابسته دیگر در دوسه‌روز گذشته دقت کند.

۲۰ اسفند ـ قمی: من از وضع مملکت ناراحتم، تمام قوانین برخلاف موازین اسلام انجام می‌گیرد کشتارها، زندانی ها و مصادره اموال، جهاد سازندگی، بنیاد مستضعفین مرتبا" اموال مردم را می‌برند، در حرم سرود می‌خوانند و روحانیون را خلع لباس می‌کنند، مال غصب را به مستضعفین می‌دهند مساجد هم که دست حزب جمهوری است. حزب خراب و فاسد است، بایدشورای رهبری مراجع درست کرد، من قانون اساسی را قبول ندارم.

۲۱ اسفند ـ کمیسیون سازمان ملل‌بدون نتیجه گیری نهائی، یعنی دیدار با گروگانها، تهران را ترک کرد.

۲۱ اسفند ـ درپیام‌امام در رابطه‌بامسئله گروگانها آمده است. ملت عزیز ایران، بیدار باشید که سالیان دراز مبارزه در پیش دارید،

بقیه‌درصفحه۶

انقلاب در آینه زمان

بقیه از صفحه ۵

ابرقدرتها برای نابودی شما هر روز نقشه می‌کشند ، امام در این پیام در مورد گروگانها و هیئت سازمان ملل گفتند : اگر هیئت بررسی نظر خودش را در تهران درباره جنایات شاه مخلوع و دخالت های آمریکا ی تجاوزگر ابراز داشتند ، ملاقات با تمامی گروگانها بلامانع است .

۲۱ اسفند ـ تعدادی از دانشجویان ایرانی در آمریکا دستگیر شدند .

۲۱ اسفند ـ قطب زاده در جلسه ای که با اعضای کمیسیون تحقیق سازمان ملل انجام داد ، از آنها خواست مدت اقامت خود را تمدید کنند .

۲۱ اسفند ـ بنی صدر در اجتماع بازاری ها گفت : اگر قیمتها را پائین نیاورید سیل مردم راه می‌افتد .

۲۱ اسفند ـ قمی در مصاحبه ای گفت که برای قانون اساسی قانونیت قائل نیست ، وی درباره کار دانشجویان پیرو خط امام گفت : این امر سیاسی مجهولی است .

۲۲ اسفند ـ درپیام امام درآستانه انتخابات گفته شده : من در این مرحله حساس ایران ساز ، چشم امیدم به شما ملت بزرگ است و انتظار روز موعود را می‌کشم که ملت عزیز با همت والای خود پیروزی نهائی را به دست آورد . امام در این پیام همچنین خواستند با شرکت عمومی در انتخابات امید آمریکا را قطع کنید .

۲۲ اسفند ـ دکتر یزدی : بنظر من چنانچه دانشجویان پیرو خط امام موافقت می‌کردند ، اعضای کمیسیون در حضور خود آنها با گروگانها ملاقات کنند مفید بود .

۲۲ اسفند ـ دانشجویان پیرو خط امام پس از پیام امام ، اسنادی را از سفارت برای کمیسیون بردند ، اما کمیسیون از دریافت آن اسناد امتناع کرد .

۲۳ اسفند ـ امام در پیامی درباره انتخابات با مردم اتمام حجت کردند .

۲۳ اسفند ـ بنی صدر از اینکه اعضا ی کمیسیون تحقیق نتوانستند کار خود را بخوبی انجام دهند اظهار تاسف کرد ، وی گفت تمام اعضای کمیسیون ضدامپریالیست هستند ورد کردن اینها بنوعی قطع رابطه با افکار جهان بویژه جهان سوم است. بنی صدر گفت : وقتی گزارش کمیسیون مذکور تائید شورای امنیت قرار می‌گرفت ما هم به پاناما فشار می‌آوردیم که شاه را برای محاکمه مسترد کند ، باین ترتیب از پشتیبانی جامعه بین المللی برخوردار می‌شدیم و جامعه بین المللی نیز با فشار آوردن بر آمریکا ، ایالات متحده را وادار می‌ساخت ، خطاهایش را در مورد ایران بپذیرد .

۲۴ اسفند ـ بنی صدر (با فیگارو) : امیدوارم کمیسیون باز گردد و ماموریت خود را از سر گیرد .

۲۵ اسفند ـ انتخابات مجلس شورا ی اسلامی روز ۲۴ اسفند برگزار شد .

۲۵ اسفند ـ اشراقی : امام بزودی بقم باز می‌گردد .

۲۵ اسفند ـ ۴۸ دانشجوی ایرانی مقیم آمریکا از زندان آزاد شدند .

۲۵ اسفند ـ دفتر مرکزی روزنامه بامداد منفجر شد .

۲۵ اسفند ـ والدهایم پس از ملاقات با اعضای کمیسیون گفت : دو هدف ماموریت کمیسیون لاینفک است و گزارش مربوط به شکایات ایران فقط هنگامی نشر خواهد شد که ترتیبی برای آزادی گروگانها داده شده باشد.

۲۵ اسفند ـ والدهایم ـ مسلما " هر چیزیکه موجب تقویت موضع رئیس جمهور ایران شود مفید است .

۲۵ اسفند ـ آیت الله روحانی: طرح اصلاحات ارضی برخی موارد آن مخالف شرع است .

۲۵ اسفند ـ خلخالی در نامه به آیت‌الله قمی : . . . باید آقای قمی بیان کنند که اسلام آمریکائی دارند یا علی را . . . . . در تمام مشهد سنگ اندازی علیه انقلاب را از طرف بیت شریف و آقازاده ها کیست که نداند .

۲۶ اسفند ـ بنی صدر: آنهائیکه در این قانون اساسی مقام قانونی نیستند ، حق ندارند درباره مردم تصمیم بگیرند و در روز اول سال امام به شما خواهند گفت و به من مسئولیت داده اند و این مسئولیت را در روز اول سال تحکیم خواهند کرد .

۲۷ اسفند ـ در سال آینده قسمت عمده کالاها توسط دولت وارد میشود .

۲۷ اسفند ـ شکایات زیادی در مورد تقلبات انتخابات رسیده است .

۲۸ اسفند ـ آمریکا از دادگاه لاهه تقاضای خسارت و محاکمه دانشجویان پیرو خط امام را کرده است .

۲۸ اسفند ـ دعائی : عراق می‌کوشد پایگاه امپریالیزم آمریکا را در منطقه تقویت کند .

۲۹ اسفند ـ حجت الاسلام حسینی ، بعضی مواقع که میخواستیم حرکت انقلابی کنیم ، از قم ، اصفهان به تهران توصیه می‌رسید و قدوسی یک نفر سارق را با حیله و به گروگان گرفت و گفت تا هنگامیکه افرادی را که خواستیم بما ندهید محکوم شما را نمیدهیم.

۱ فروردین ـ پیام امام بمناسبت سال نو : وظیفه ماست که در مقابل ابرقدرتها بایستیم و قدرت ایستادن هم داریم " . امام در این پیام نسبت به مسائل جاری مملکت و درباره روحانیت ، مطبوعات ، نهادهای انقلابی ، دولت ، و نیرو های نظامی مسائلی بیان کردند .

۱ فروردین ـ پیام آقای منتظری بمناسبت سال نو ـ آیت الله منتظری در قسمتی از این پیام گفتند : هر چند طاغوت در شکل سیاسی ـ نظامی سرنگون شده ولی در بعد فرهنگی و اقتصادی اش هنوز در جامعه مامطرح است ، لذا نباید تصور کنیم انقلاب اسلامی به هدف نهائی خود رسیده بلکه باید تلاشهای منظم و پیگیری را در جهت استقرار حکومت عدل

اسلامی در کل نظام حاکمه سیاسی واقتصادی و فرهنگی آغاز کرد و این وظیفه عموم مردم مسلمان است که با هدایت و انتقاد سازنده و منظمی از مقامات و مسئولین امور آنان را در جهت یک دگرگونی بنیادی در سیستم موجود بحرکت در آورند .

بنی صدر در اولین نماز جمعه سال ۵۹ ـ وی در قسمتی از سخنان خود گفت با کم کردن ۵۵٪ از تولید نفت ، ۴۰ سال بر عمر چاههای نفت افزوده ایم یعنی ۲۵ تا ۳۰ میلیارد دلاری که رژیم گذشته غارت می‌کرده پس گرفته ایم . وی گفت مسئله زمین کارش تمام شد و امیدوارم روستائیان ما که میخواهند از زمین استفاده کنند ، امیدوار باشند که در سال جدید ما مسئله ای بنام زمین نخواهیم داشت . وی گفت بر طبق گزارشی که داده اند در زمینه کشاورزی در سال گذشته پیشرفت داشته ایم و میزان تولید گندم خیلی بیشتر از سال ماقبل رژیم شاه است . وی گفت : مجلس جامعه اسلامی باید یک مجلس قوی باشد و مایه ثبات مملکت ما باشد . اگر مجلس ضعیفی بود و خدای نکرده اگر انگ تقلب بر پیشانی این مجلس گذاشتند این مجلس دیگر ثبات و استقامت کافی در برابر حوادث نمیتواند داشته باشد .

آقای خامنه ای در اولین نماز جمعه سال ۵۹ ـ کارهائی را که در یکساله گذشته انجام شده اند بر شمرد .

۶ فروردین ـ دستگیری یک جاسوس عراقی که در رابطه با انفجارات اخیر خوزستان توسط سپاه پاسداران دزفول صورت گرفته است .

۶ فروردین ـ قطب زاده در مورد مسئله افغانستان ، چند بار با سفیر شوروی ملاقات و گفتگو کرد ، وی گفت : روسیه شوروی از مسئله ایران استفاده کرد و نیروهایش را بافغانستان فرستاد . امریکا از مسئله افغانستان استفاده کرد و ناوگانش را به خلیج فارس و تنگه هرمز و اقیانوس هند آورد .

۶ فروردین ـ تعدادی از کاندیداها از شهرهای محلات ، همدان ، کرج ، آبادان . . . به تقلبات و نحوه برگزاری انتخابات اعتراض کردند .

۶ فروردین ـ بدنبال فرار شاه مخلوع از پاناما به مصر ، به توصیه اربابان آمریکائی ، مردم ایران در سراسر کشور ضمن برگزاری تظاهراتی ، توطئه های امپریالیسم آمریکا و سادات خائن را محکوم کردند . در تهران این تظاهرات در مقابل جاسوسخانه آمریکا صورت گرفت .

۶ فروردین ـ هودینگ کارتر با تاکید بر منزوی شدن ایران در دنیا گفت : ما بر این نکته حساب می‌کنیم که کناره گیری ایران از دنیای خارج آنان را وادار به مصالحه در مورد گروگانها خواهد ساخت . شواهد امر نشان میدهد اوضاع بنحوی پیش می‌رود که برای آمریکا خوشایند نیست .

۶ فروردین ـ قطب زاده در یک مصاحبه مطبوعاتی در مورد گروگانها گفت : کمیسیون رسیدگی به جنایات شاه و آمریکا در ایران ، میتواند ، با ایران باز گردد و کار خود را از سر بگیرد . وی تاکید کرد سرنوشت گروگانها بسته به تصمیم مجلس است ، وی خود معتقد به حل مسالمت آمیز این مسئله است .

۶ فروردین ـ یک عضو کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی گفت : در جاهایی که در انتخابات تقلب شده باشد ، انتخابات آنجا باطل میشود .

۶ فروردین ـ براساس مقررات جدید واردات و صادرات ، ورود اتومبیل و کالاهای لوکس تشریفاتی ممنوع شد .

۷ فروردین ـ کمیسیون امنیت برای رسیدگی به وقایع به تهران تشکیل شد .

۷ فروردین ـ حقوق استاندار آذربایجان غربی گفت در مورد نتایج برخوردهای عصر دیروز در منطقه بین نقده و اشنویه گزارشهای ضد و نقیضی داده اند .

۷ فروردین ـ صباغیان گفت : درگیری هایی در قسمت اشنویه ، شمال کردستان روی داده است که بدنبال حمله بعضی گروههای مسلح بطرف پاسگاه ژاندارمری بوده است .

۷ فروردین ـ مهدوی کنی ـ آنچه بنام تقلب نامیده شده است، بیشتر تخلفاتی بوده که حتی شاکیان هم خود مرتکب آن شده‌اند .

۷ فروردین ـ قدوسی ـ دادگاههای انقلاب شهرستانها حق اجرای احکام سنگین را ندارند .

۷ فروردین ـ مجاهدین در نامه ای به بنی صدر کلیه شعب خود را در سراسر کشور غیر مسلح اعلام کردند .

۹ فروردین ـ بنی صدر بمناسبت روز

۹ فروردین ـ قطب زاده اعلام کرد ، شوروی با مذاکره مستقیم با ایران در مورد افغانستان موافقت کرده است .

۹ فروردین ـ کمیسیون روابط خارجی سنای آمریکا ، به بررسی رابطه شاه و آمریکا و حمایت های آمریکا از شاه می‌پردازد . پیشنهاد این بررسی مورد استقبال وسیع نیز واقع شده است .

۹ فروردین ـ خامنه ای در نماز جمعه ـ گروگانها همانگونه که امام گفته اند محاکمه خواهند شد مگر آنها نماینده نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورایملی تصمیم دیگری بگیرند .

۹ فروردین ـ درگیریهای شدیدی در غرب کشور در چند روز گذشته جریان داشته است . بیشترین درگیریها در دره قاسملو بوده است .

۱۲ فروردین ، از مردم برای برگزاری راهپیمائی وحدت دعوت نمود .

۹ فروردین ـ وزیر نفت (معین فر) در مصاحبه با رویتر اعلام کرد ، درآمد روزانه نفت ایران از صدور نفت ۶۰ میلیون دلار افزایش می‌یابد .

۹ فروردین ـ بر طبق تصمیم سازمان ترافیک ، طرح بسیج ترافیک برای همیشه اجرا میشود .

۹ فروردین ـ سه گروگان سابق آمریکائی که موفق شدند در ماه ژانویه با استفاده از گذرنامه های جعلی از ایران فرار کنند به دادگاه فدرال در آمریکا مراجعه کردند واقامه دعوی نمودند .

۱۰ فروردین ـ امام نامه کارتر را برای مردم افشا نمودند .

۱۰ فروردین ـ کارتر یک پیام به امام و پیامی به بنی صدر فرستاده بود .

۱۰ فروردین ـ پس از انتشار پیام کارتر از طرف امام خمینی ، بنی صدر در اطلاعیه‌ای گفت : هر کاری باید از راه اطلاع دادن بمردم و با اطلاع مردم انجام بگیرد . بنابراین ما ناگزیریم هر نامه و پیام را در موقع مقتضی به اطلاع افکار عمومی برسانیم . وی در قسمتی دیگر گفته است ظاهرا " در عرف سیاسی مرسوم نیست اینطور پیام منتشر گردند ، اما ضابطه های یک انقلاب دیگرند و ناگزیر این ضابطه‌ها ملاک عمل ما قرار می‌گیرد . همچنین وی گفت : در پاسخ به آقای کارتر گفته ام که مبارزه با سلطه در هر جای جهان از نظر ما یک ضرورت است .

۱۰ فروردین ـ ستاد ارتش بتوپ بستن روستاهای کردنشین را تکذیب کرد .

۱۰ فروردین ـ بختیار وارد عراق و زاهدی وارد مصر شد .

۱۰ فروردین ـ رئیس ستاد ارتش : استقرار ارتش در غرب بخاطر تمرین آموزش رزمی است .

۱۰ فروردین ـ بنی صدر در مقاله‌ای در مورد خطرات موجود در جامعه در بخشی از مقاله گفت : یادآور می‌شود که در انتخابات مجلس جمعا " ۱۰/۵ میلیون نفر شرکت کرده اند . اگر فرض کنیم انتخابات بدون غش هم بوده باشد ، مجلس منتخب نماینده ۵/۳ میلیون نفر از مردم کشور می‌شود . یعنی نماینده ۲۶ تا ۲۷ درصد رای دهندگان . این مجلس نصف آرائی را پشت سر دارد که رئیس جمهور بدست آورده است و نماینده یک چهارم رای دهندگان بیشتر نیست . حال اگر این مجلس با رئیس جمهوری هماهنگی نکند و در درون آن نیز بی ثباتی عقیدتی اثر بگذارد خود از اسباب بی ثباتی سیاسی و اقتصادی و توسعه دامنه ناامنی ها می‌گردد و جریان سقوط را سریع می‌کند .

۱۰ فروردین ـ امریکا از افشای اعترافات کارتر به خشم آمده ، کارتر پیام را تکذیب کرد .

۱۰ فروردین ـ بهشتی : در ایران مهم ترین چیز برای مردم ما ادامه یک خط مشی جهت تامین استقلال کامل در هر زمینه چه سیاسی و چه اقتصادی است اما دولت ایالات متحده علاقمند نیست و نمی‌خواهد به استقلال کشورهای مشابه احترام بگذارد . شاید هنگامی که آنها این سیاستشان را متوقف کنند ، ممکن است اساسی برای مصالحه با آمریکائیها پیدا کنیم .

۱۱ فروردین ـ حزب دمکرات در نامه ای به بنی صدر گفت هر وقت دمکراسی در ایران برقرار شود ، ما اسلحه های خودرا زمین می‌گذاریم .

۱۱ فروردین ـ علی قدوسی دادستان کل انقلاب ، در اخطاریه ای از دادستانهای انقلاب شهرستانها و تهران خواست که پیام عفو امام را در حد دقیق و اجرای تمام جملات ، انجام دهند .

۱۱ فروردین ـ آیت الله منتظری به مناسبت سالگرد جمهوری اسلامی پیامی دادند در این پیام از شورای انقلاب خواسته شد بجای حرف ، و کاغذ بازی ، انقلابی و ضربتی عمل نمایند و بجای نیروهای پوسیده از نیروهای جوان و فعال و انقلابی استفاده نمایند .

۱۱ فروردین ـ جامعه قضات به محضر امام رفتند و امام در این دیدار سخنانی در رابطه با قضا در اسلام ایراد کردند .

۱۱ فروردین ـ در مصر و عربستان سعودی تظاهرات دانشجوئی ضد شاه برگزار شد .

۱۱ فروردین ـ جودی پاول ارسال پیام از جانب کارتر به بنی صدر و اظهارات دولت سوئیس را در مورد تسلیم پیام کارتر به رئیس جمهور ایران قبول کرد . وی گفت برای رهائی گروگانها اقدامات تازه‌ای در دست انجام است . وی ضمن تکذیب ارسال پیامی برای آیت الله خمینی گفت ، وی از بعدازظهر شنبه گذشته در کاخ سفید نبوده است و دقیقا" به جزئیات امری که اتفاق افتاده است ، وارد نیست .

۱۱ فروردین ـ دفتر ریاست جمهوری نیز ، دیروز دریافت دومین پیام را از جانب کارتر برای بنی صدر اعلام نموده و بنی صدر پاسخ این پیام را داده است .

۱۱ فروردین ـ قطب زاده در یک مصاحبه تلویزیونی با شبکه ان ـ بی ـ اس آمریکا ، کارتر را بلحاظ پیام "خوب" خود که آنرا تکذیب می‌نماید تشویق کرد . او گفت این پیام تلفنی یادداشت و تقدیم آیت اله خمینی شده است .

۱۱ فروردین ـ سید احمد خمینی در یک مصاحبه گفت : پیام کارتر روز چهارشنبه توسط کاردار سفارت سوئیس به آقای قطب ـ زاده داده شده و ایشان روز جمعه آنرا به دست امام رسانده اند . وی گفت : امام فرمودند که این باید منتشر بشود . برای اینکه چیزی را از ملت پنهان نمی‌کنیم .

سید احمد خمینی گفت : پیام کارتر به امام حالت خضوع و به رئیس جمهور حالت تهدید دارد .

وی گفت : امیدواریم که آقای رئیس جمهور هم پیامشان را منتشر کنند .

وی گفت : کارتر گفته است که این پیام خصوصی بوده و درعرف بین المللی این پیامها بهیچوجه منتشر نمیشود .

۱۱ فروردین ـ قطب زاده اعلام کرد ، از سوی کارتر پیام دومی به رئیس جمهور ارسال شد . قطب زاده گفت این پیام در پی پیام دوم ، نشانه جدی بودن مسئله و حاکی از این است که شکل روابط ایران و آمریکا باید براساس معیارهای شرافتمندانه و صادقانه و عدل و عدالت باشد . قطب زاده در مورد پیام کارتر به امام گفت : این پیام نشانه بزرگترین پیروزی برای دیپلماسی ایران است و یکی از کم نظیرترین پیروزیها در جهان سوم بشمار میرود .

۱۱ فروردین ـ قطب زاده در رابطه با کارکمیسیون تحقیق گفت : این کمیسیون کار خود را ادامه خواهد داد ، چرا که در سیاست ایران تعارف و مجامله وجود ندارد و در نهایت بر ادب و متانت اسلامی متکی است . وی افزود این گروههای وابسته و نوکران روسیه شوروی هستند که میخواهند به هر قیمت شده ما را به دامن شوروی بیندازند .

۱۱ فروردین ـ روز سه شنبه ۱۲ فروردین راهپیمائی روز جمهوری اسلامی برگزار می‌شود .

۱۴ فروردین ـ ۱۸ نماینده تهرانی برای مجلس شورای اسلامی انتخاب شدند .

۱۴ فروردین ـ معین فر از روز دوازدهم فروردین ، درآمد روزانه ایران بابت صدور نفت خام ، چهار میلیون دلار افزوده شد .

۱۴ فروردین ـ مهدوی کنی عضو شورای انقلاب اعلام کرد ، مهندس سحابی و حجت الاسلام رفسنجانی ، بعنوان نمایندگان دائمی شورای انقلاب ، برای مذاکره و تحویل گروگانها پس فردا به جاسوسخانه امریکا خواهند رفت . وی گفت پس از تحویل گرفتن گروگانها از سوی دولت و شورای انقلاب ، دانشجویان جاسوسخانه را ترک خواهند گفت .

۱۴ فروردین ـ در پی اعلام شرایط رئیس جمهور ، بنی صدر ، برای تحویل گروگانها از دانشجویان به دولت آمریکا اطمینان داد که طبق خواست رئیس جمهور ی آن کشور از این پس از هر گونه تبلیغی درباره گروگانها تا تعیین تکلیه ، مطلق آنان توسط مجلس شورایملی ، خودداری نموده ، بشرط آنکه بنی صدر بقول خود عمل کرده وگروگانها را تحت نظارت و مراقبت دولت ایران قرار دهد .

۱۴ فروردین ـ پیام امام بمناسبت سالروز جمهوری اسلامی ، توسط سیداحمد خمینی در مراسم میدان آزادی قرائت شد . در قسمتی از این پیام آمده است : آقای کارتر باید بداند که با فرستادن شاه مخلوع به مصر و عذرخواهی از اشتباهات گذشته و اعتراف به خیانتهای آمریکا به ملت های مظلوم از آن جمله ایران و راه حل لانه جاسوسی را از من که یک نفر از ملت بزرگ ایران هستم ، خواستن به بیراهه رفته است . امام همچنین در این پیام گفتند همه توان خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما امریکا کنید .

۱۴ فروردین ـ در مراسم روز ۱۲ فروردین در میدان آزادی بنی صدر سخنرانی کرد . در این سخنرانی بنی صدر گفت : اگر آمریکا متعهد شود که تحریک نکند ، شورای انقلاب حاضر است مسئولیت گروگانها را تا مجلس بپذیرد .

۱۴ فروردین ـ در مورد مسائل غرب کشور ، از طرف حجت الاسلام حاج شین حسین کرمانی نماینده امام در غرب و نیز رهبران کرد ، مذاکرات ثمربخش اعلام شد .

۱۶ فروردین ـ مهندس سحابی در مورد تحویل گروگانها گفت : نامه امریکا در مورد پذیرش شرایط رئیس جمهور ایران در جلسه پنج شنبه شب شورای انقلاب مطرح شد و چون شرایط از دید اعضاء کافی بنظر نمیرسید از این نظر امروز به جاسوسخانه آمریکا نخواهیم رفت و رسیدگی و اتخاذ هر گونه تصمیم موکول به بررسی و نظر آقای بنی صدر رئیس جمهور است .

۱۶ فروردین ـ آیت اله گیلانی : دادگاه های انقلاب شهرستانها از این پس حق اعمال نظر و رای قاطع را ندارد . متهمان غیرمشمول فرمان عفو امام میتوانند وکیل مدافع بگیرند .

۱۶ فروردین ـ آیت اله گیلانی ، حدود ۲۵ نفر از زندانیان که جرائم سنگین هم داشتند آزاد شدند .

بقیه در صفحه ۷

انقلاب در آینه زمان

بقیه‌ازصفحه۶

۱۶ فروردین ــ رفسنجانی گفت : طرح جدیدی برای تحویل گروگانها تهیه شده‌است در این طرح گفته شده است که اگر آمریکا سندی بدهد که تا تشکیل مجلس هیچ اظهاری دربارهٔ گروگانها نکند دولت و شورای انقلاب گروگانها را تحویل خواهند گرفت .

۱۶ فروردین ــ هاشمی رفسنجانی باامام دیدار کرد وی پس از دیدار با امام حاضرنشد دربارهٔ صحبت ها در مورد گروگانها توضیح بیشتری بدهد ، اما گفت امام تاکید داشتند که تکلیف گروگانها را باید مجلس شورای‌اسلامی تعیین کند .

۱۶ فروردین ــ دانشجویان خط‌امام در مصاحبه ای گفتند : علیرغم تمایل به پس دادن گروگانها و همچنین اینکه عقیده داریم اینکار کاری در خط‌امام نیست ، ولی حاضریم برای عدم تضعیف رئیس جمهور اگر ایشان بخواهند گروگانها را در اختیار ایشان‌خواهیم گذاشت .

۱۶ فروردین ــ وزیر خارجه‌آلمان غربی با صادق طباطبائی در مورد تلاشهای بین ــ المللی برای رهائی گروگانهای آمریکائی گفت و گو کرده است . لازم بیادآوری است که‌شمیت صدراعظم آلمان هفته گذشته درکنار سایر رهبران اروپائی ، طی نامه ای به بنی صدر تقاضای آزادی گروگانها را کرده است .

۱۶ فروردین ــ حجت الاسلام‌خامنه ای در نماز جمعه : در مبارزه با ضدانقلاب جهانی ما نباید موضع دفاعی بخود بگیریم . ایشان در مورد گروگانها گفت : مسئله گروگانها در مجلس اسلامی روشن خواهد شد و هیچ عامل دیگری نمیتواند در خصوص گروگانهاسرنوشت ساز باشد . تهدید امریکا هیچ تاثیری ندارد .

۱۷ فروردین ــ به پیشنهاد و شرکت نمایندهٔ امام ، هیئت حسن نیت جدید به کردستان میرود .

۱۷ فروردین ــ سمینار استانداران‌سراسر کشور تشکیل شد .

۱۷ فروردین ــ شهردار تهران درمصاحبه ای اعمال آقای خسروشاهی را مزاحم انقلاب خواند .

۱۷ فروردین ــ موسوی گرمارودی مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور گفت : بنی صدرمعتقد است روشی که اکنون ما در برخورد با ابرقدرت ها بخصوص آمریکا داریم ، جز اینکه باصطلاح روحیهٔ ملت آمریکا را بطرف یک فاشیسم سوق دهد ، نتیجهٔ دیگری ندارد .

۱۷ فروردین ــ هاشمی رفسنجانی گفت: بنظر من مصلحت نیست که گروگانها در دست شورای انقلاب و یا سایر ارگانهای دولتی‌باشد ولی باید همه نوع اطمینانی از نظر سلامتی آنان به ما داده شود ، وی تاکید کرد شورای انقلاب بدون نظر امام در مورد گروگانها تصمیمی نمی‌گیرد .

۱۷ فروردین ــ بنی صدر در مصاحبه با لوموند گفت : اگر دانشجویان گروگانها را به دولت تحویل ندهند ، او ماجرا را با مردم ایران در میان خواهد گذاشت .

۱۷ فروردین ــ اسقف کاپوچی حامل پیشنهاد محرمانه ای برای دانشجویان خط امام است و گفته است که این پیشنهاد ممکن است دانشجویان را تشویق به تحویل‌گروگانها کند .

۱۷ فروردین ــ در ارتباط با مسئلهٔ گروگانها رویتر گزارش داد که یک کمیسیون بین المللی ۵ نفری برای "حل بحران "تشکل میشود . در این کمیسیون کاپوچی ــ سفیر سوئیس در تهران ، نمایندهٔ پاپ ودوحقوق‌ــ دان فرانسوی عضویت دارند .

۱۸ فروردین ــ آیت الله منتظری در مصاحبه با خبرنگار بلغارستانی دربارهٔگروگانها گفتند : دانشجویان باید با شورای انقلاب هماهنگی داشته باشند ، ولی عمل آنها کاری خوب و انقلابی بود که در حقیقت عکس‌العمل خواست های ملت بود . باید همانگونه که‌امام فرمودند این مسئله بوسیله مجلس شورای اسلامی منتخب مردم حل شود .

۱۸ فروردین ــ عراق خواستار خروج ایران از جزایر سه گانه شد .

۱۸ فروردین ــ کمیسیون امنیت ملی در رابطه با اظهارات عراق تشکیل شد .

۱۸ فروردین ــ معین فر ــ خرابکارهای دولت عراق در خطوط نفت شدت یافت .

۱۸ فروردین ــ تاسیسات نفتی‌کرمانشاه و ژاندارمری آن مورد هجوم ، مهاجمان عراق قرار گرفت .

۱۸ فروردین ــ کاپوچی و سه کشیش آمریکائی برای برگزاری مراسم عید پاک گروگانها به تهران آمده اند ، درمصاحبه ای از وضع گروگانها اظهار رضایت کردند .

۱۸ فروردین ــ آیت الله منتظری که برای ملاقات و مذاکره با امام خمینی به تهران آمده است در یکمصاحبه نظرات خود را دربارهٔ مسائل مختلف اعلام کرد .وی در مورد دادگاههای انقلاب گفت : امام فرمودند مادامیکه دادگستری بازسازی نشده و آنطوری که مطابق میل ما نشده باشد ، باید دادگاههای انقلاب وجود داشته باشند .

۱۸ فروردین ــ دکتر یزدی درسخنرانی خود در خبرگزاری پارس گفت : چه امریکاشاه ، را تحویل بدهد و چه ندهد ، این گروگانها بایدمحاکمه بشوند زیرا این سیاست آمریکاست که باید محاکمه شود .

۱۸ فروردین ــ هاشم صباغیان ــ طرح پیشنهادی حزب دمکرات در شورای انقلاب مطرح نمیشود .

۱۸ فروردین ــ بنی صدردر سمینار گاز ، در مورد تولید و مصرف وسائل اقتصادی گفت: ما مسلمان هستیم و اگر میخواهیم دراین‌زمینه ها تقلید کنیم بهتر است بجای اینکه از شیوهٔ زندگی امریکائی تقلید کنیم و این وابستگی فرهنگی را ادامه بدهیم ، از شیوه زندگی‌ژاپنی تقلید کنیم .

۱۸ فروردین ــ حجتالاسلام موسوی تبریزی ــ در کنید تا کنون حرف حسد برابر عمل بوده است .

۱۸ فروردین ــ قطب زاده تشکیل کمیسیون برای حل مسئله گروگانها را که خبرگزاری رویتر گزارش کرده بود تکذیب کرد و گفت چنین کمیسیونی تا کنون تشکیل نشده است .

۱۸ فروردین ــ حبیبی گفت : در جلسه امشب تصمیم گرفته شد که مطلب مربوط به انتقال گروگانها به امام گفته شود یعنی در ــ واقع آن مطلبی که تصمیم گرفته شد این است که نظر امام در این مورد چه میباشد .

۱۸ فروردین ــ قطب زاده گفت : درجلسه شورای انقلاب تصمیمی در مورد گروگانهاگرفته شد که این تصمیم را فردا به اطلاع امام‌خواهیم رساند و بعد از تصویب ایشان فردا بعد ازظهر اعلام خواهد شد .

۱۹ فروردین ــ در پی اعلام قطع رابطه دیپلماتیک امریکا با ایران از طرف کارتر ، احزاب و جریانات داخلی از این قطع رابطه استقبال کردند .

۱۹ فروردین ــ جامعه روحانیت مبارز ، دربارهٔ قطع رابطه گفت : نظر ما همان نظر امام خمینی است .

۱۹ فروردین ــ پارسا سخنگوی جبههٔ ملی دربارهٔ قطع رابطه با امریکا گفت : امیدوارم که ما در سیاست جهان منزوی نشویم و دول غربی دیگر از آمریکا پیروی نکنند .

۱۹ فروردین ــ حزب جمهوری اسلامی درباره قطع رابطه با آمریکا : در مقابل آمریکا قاطع می‌ایستیم . و بنظر ما همهٔ سلاحهاباید رو بسوی امریکا باشد و حرفهای دیگر را کنار بگذاریم .

۱۹ فروردین ــ نهضت آزادی دربارهٔ قطع رابطه با آمریکا گفت : قطع رابطه آمریکا برای ما قابل پیش بینی بوده است و برای انقلاب ، محاسن زیادی دارد . در قسمت دیگر گفته اند : با وجودی که ممکن است در کوتاه مدت از نظر اقتصادی مشکلاتی برای مابوجود آورد ولی در درازمدت صد درصد به نفع‌ملت ما خواهد بود .

۱۹ فروردین ــ حاج سید جوادی درمورد قطع رابطه با آمریکا گفت: با وجود لاینحل ماندن مسئله گروگانها ، امکان قطع‌کامل رابطه ایران و امریکا در شرایط‌فعلی کمی مشکل‌بنظر میرسد ، چرا که وجود گروگانها آنهم درشرایط انتخاباتی آمریکا ، میتواند عاملی برای فشار آمریکا بر علیه ایران باشد .

۱۹ فروردین ــ جلسهٔ فوق العاده‌شورای انقلاب برای بررسی مسئله گروگانها ،تهدیدات عراق ، و قطع رابطه آمریکا صبح امروز تشکیل شد .

۱۹ فروردین ــ سید احمد خمینی و آیت الله اشراقی با دانشجویان خط‌امام در محل جاسوسخانه ملاقات کردند .

۱۹ فروردین ــ صدای امریکا گفت دانشجویان خط‌امام از قطع رابطه‌امریکا تعجب نکردند . این رادیو گفته است که دانشجویان گفته اند : همه ملت ایران‌دربرابر آنچه که وی فشار امریکا خواند مقاومت‌خواهند کرد .

۱۹ فروردین ــ در اطلاعیه ای که پس از جلسه رئیس جمهور و چند تن از اعضای شورای انقلاب در حضور امام تشکیل شد ،از طرف دفتر امام صادر شده است چنین آمده : ملت شریف ایران ، همانطور که قبلا" هم تذکر داده بودیم ، موضع قاطع حضرت امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران دربارهٔ گروگانها تغییری ننموده است و چون گذشته گروگانها و سفارت تا تشکیل مجلس شوراییملی اسلامی و تعقیب سرنوشت آنان بدست وکلای محترم ملت بدست دانشجویان مسلمان‌ومبارز باقی میماند . ما بارها تذکر داده‌ایم که حال گروگانها و مکان آنان از هر حیث خوب می‌ــ باشد برای اثبات این موضوع اگر کسانی بخواهند از سلامت و رفاه آنان مطلع گردند ، با نظارت مقامات مسئول بلامانع است .

۱۹ فروردین ــ بنی صدر پس ازملاقات با امام که با حضور اعضای شورای انقلاب ــ معین فر ــ قطب زاده ــ مهدوی کنی‌وهمچنین با شرکت آقای اشراقی و سید احمد خمینی تشکیل شد ، در مصاحبه ای گفت : درملاقات امروز با امام دربارهٔ تهدیدهای عراق ،مسئله گروگانها ، دربارهٔ اینکه مردم باید با کار و تلاش آثار سلطه خارجی را از بین ببرند ونیز پیروزیهائی که تاکنون بدست آمده و اینکه این پیروزیها باید با جهاد اقتصادی وکوشش برای استقلال ارتش و فرهنگ تکمیل شودو... مذاکراتی صورت گرفت .

وی در سئوال مربوط به مسئله تهدیدات عراق گفت : برای اینکه پایگاهی بر ضد نظام جهانی که ابرقدرتها بوجود آورده‌اند ایجاد نشود از هر سو فشارهائی می‌آورند ، از داخل از ناحیهٔ عراق ، و از ناحیهٔ افغان .

۱۹ فروردین ــ پاول تایلور خبرنگار رویتر ــ شکست طرح سپردن گروگانها بدولت ایران ، نوعی پیروزی برای رهبران مذهبی ایران است که به هیچ وجه از تصمیمات اخیر کارتر نگران نشده اند . اما در عین حال ضربه ای بر بنی صدر است که بیشتر اعتبار سیاسی خود را بر سر تحویل گروگانها از دانشجویان بدولت گذاشته بود . مذاکرات ظریف و حساس او دیشب بدنبال امتناع شورای انقلاب از انتقال گروگانها ، از مراقبت دانشجویان بکنترل دولت با شکست مواجه شد از قرار معلوم بنی صدر در شورای انقلاب اکثریت داشته است اما در مبارزه ماهرانه پشت پرده از ۵ عضو حزب جمهوری اسلامیی در شورای انقلاب شکست خورده است .

۱۹ فروردین ــ کارتر گفت : رها نکردن گروگانها بهای سنگینی برای ایران و مصالح ایران خواهد داشت .

۱۹ فروردین ــ رفسنجانی : امشب آقای بنی صدر گزارش ملاقاتشان را با امام مطرح ساختند ، و گفتند امام در مورد باقی ماندن گروگانها در سفارت تازمان تشکیل مجلس ایستاده اند .

۲۰ فروردین ــ معین فر ــ ایران را ویتنام دوم آمریکا می‌کنیم .

۲۰ فروردین ــ قطب زاده دربارهٔ قطع رابطه سیاسی آمریکا با ایران گفت : این اقدام امریکا نشانه این است که مقامات این کشور ، سخت عصبانی شده اند تا کنون هرگز سابقه نداشته است که امریکا رابطه خود را باکشوری قطع کند این اولین بار است که امریکا یک ــ جانبه در این راه پیشقدم میشود .

۲۰ فروردین ــ امریکا در صورت عدم آزادی بیدرنگ گروگانها ، تهدید به اقدام نظامی علیه ایران کرد .

۲۰ فروردین ــ پیام امام بمناسبت قطع رابطه امریکا : اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است ، همین قطع رابطه است . . . ما این قطع رابطه را بفال نیک می‌گیریم .

۲۰ فروردین ــ شورای انقلاب اطلاعیه ای خطاب به مردم صادر کرد .

۲۰ فروردین ــ بنی صدر،دشمن تنها از یک ضعف ما میتواند استفاده کند ، اگر آن ضعف بوجود آید و آن ضعف ، برخوردواختلاف و رقابت بر سر قدرت است .

در بخشی دیگر میگوید : مسئله اصلی این است که ما میخواهیم استقلال کامل‌داشته باشیم ، توطئه در زندگی ما نباشد و امریکائی ها نشان دادند که هنوز به این خواست ما حاضر نیستند تمکین کنند . بنابراین مبارزه‌ما مبارزهٔ مردم اروپا هم هست .

۲۰ فروردین ــ اطلاعیهٔ ۱۰۸ دانشجویان پیرو خط‌امام ــ طلیعه پیروزی نهائی که ابرــ قدرت سفاک امریکا را وادار به قطع رابطه یعنی خاتمه دادن به چپاولگریها کرده برهمهٔ مستضعفین جهان ، خصوصا" ملت عزیز ایران مبارک باد . در قسمتی دیگرآمده است : ما سرافراز و مفتخریم که‌امام امت علیرغم تهدیدهای پوچ آمریکا مسئولیت نگهداری جاسوسان امریکائی و لانه جاسوسی را تاتشکیل مجلس شورای اسلامی به دست فرزندان خود سپردند و بار دیگر نیرنگ های شیطان بزرگ نقش بر آب گردید .

۲۰ فروردین ــ به گفته سرپرست‌مرزبانی در آسمان همدان ، سه هواپیمای عراقی‌به حریم هوائی ایران تجاوز کردند .

۲۰ فروردین ــ صدای آمریکا ــ کارتر به وزیر خزانه داری امریکا دستور داده است لیستیی از ادعانامه های مالی علیه ایران تهیه کند . باین ترتیب این اولین قدم درراه تقسیم ۸ میلیارد دلار دارائی مسدود شده ایران است .

۲۱ فروردین ــ دیپلماتهای ایرانی از سفارت و کنسولگری ایران در امریکا به ایران وارد شدند .

۲۱ فروردین ــ درگیریهائی بین نیروــ های ایران و عراق در مرز صورت گرفته است .

۲۱ فروردین ــ دانشجویان خط‌امام : در صورت حمله آمریکا ، گروگانها را به‌خاکستر تبدیل می‌کنیم .

۲۱ فروردین ــ ظهیرنژاد ــ نیروهای عراقی به ۱۵ کیلومتری مرز ایران رسیده اند .

۲۱ فروردین ــ فردا جمعه راهپیمائی وحدت انجام میشود .

۲۱ فروردین ــ رویترــ پیش بینی می‌ــ شود که امریکا در تحریم اقتصادی خودعلیه ایران تنها خواهد ماند .

۲۱ فروردین ــ روزنامهٔ فاینشیال‌تایمز عراق برای اجرای توطئه خود به تعلیم تعدادی از ضد انقلابیون ایرانی درخوزستان و در اردوگاههای مرزی مبادرت ورزیده‌است .

۲۱ فروردین ــ قطب زاده : الجزایر حفظ منافع ایران در امریکا را بعهده گرفت .

۲۱ فروردین ــ واشنگتن از سوئیس خواسته است حافظ منافع آن کشور در ایران باشد .

۲۱ فروردین ــ قطب زاده در مورد اظهارات امام درباره اجازه دیدار با گروگانها گفت : نوع و چگونگی این دیدارهامورد مذاکره است . من بعنوان نخستین قدم بخشی از این مذاکرات را با دانشجویان مستقر در سفارت سابق انجام دادم . در هفته آینده ، شورای انقلاب این موضوع را مورد بحث قرار خواهد داد و آنگاه چگونگی این دیدارها اعلام خواهد شد .

۲۱ فروردین ــ قدوسی : این آخرین هشدار است تا گروههای مخرب موضع خود را روشن کنند و راه خود را مشخص و به‌این‌وسیله از دادگاههای انقلاب سراسر کشور میخواهم که هرگونه حرکت و جنبش ضد انقلابی را بشدت سرکوب و در این راه از هیچگونه تلاش و کوششی مضایقه نکنند .

۲۱فروردین ــ آسوشیتدپرس ــ در پی کنار امام خمینی سبی بر دیدار با گروگانها دولت کارتر در صدد است که همچنان ترسیی دهد که گروهی از سازمان ملل یا از صلیب سرخ بین المللی در آینده بایران آمده‌و وضع گروگانها را از نزدیک ببینند .

۲۳ فروردین ــ شورای انقلاب شرکت ایران دربازیهای المپیک مسکو را تحریم‌کرد ، صادق طباطبائی گفت این مسئله قابل پیش بینی بود .

۲۳ فروردین ــ درگیریهای شدید مرزی ادامه دارد .

۲۳ فروردین ــ بنی صدر ــ نیروی‌زمینی ما که البته بیشتر از نیروی هوائی و دریائی آمادگی داشت اکنون آمادگی کامل و صدبرابر بیش از گذشته را دارد .

۲۳ فروردین ــ هاشمی رفسنجانی‌ــ وقتی امریکا ما را تهدید به خودداری از خرید نفت می‌کند ، ملت ما این شجاعت را داردکه به شوروی هم بگوید گاز نمی‌فروشیم .

۲۳ فروردین ــ قطب زاده با سفرای کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا ملاقات کرد .

۲۴ فروردین ــ پاپ در پیامی به امام خمینی خواستار راه حل منصفانه برای‌نگهداری احترام متقابل بین ایران و امریکا شده‌است .

۲۴ فروردین ــ مکارم شیرازی ــ من و ده نفر دیگر از فضلای قم بفرمان امام به اصفهان آمده ایم تا . . . بررسی کنیم آیا کسانیکه‌مشمول عفو امامند ، آزاد شده اند و . . .

۲۶ فروردین ــ دانشجویان انجمن هاو سازمانها دانشجویان مسلمان در پایان راه‌ــ پیمائی خود در مقابل جاسوسخانه قطعنامه‌ای صادر کردند ، در بند چهار قطعنامه آمده است ، تعلیمات ما باید استقلال و غیرــ استعماری باشد و نظام آریامهری حاکم بر دانشگاهها باید تغییری انقلابی و بنیادی بنماید تا در خدمت استقلال و آبادانی کشور درآید . در بند ۱۰ این قطعنامه نیز گفته‌اند مصرانه خواستار اجرای مو به مو پیام‌تاریخی امام خمینی بمناسبت آغاز سال نو هستیم .

۲۴ فروردین ــ کارتر از متحدانش خولست تا تاریخ معینی اگر گروگانها آزاد نشوند در تحریم اقتصادی و اقدامات شدید دیپلماتیک علیه ایران بامریکا بپیوندند .

۲۴ فروردین‌ــ بگزارش خبرگزاری‌فرانسه نتیجه مذاکرات ۹۰ دقیقه ای بنی صدر با سفرای کشورهای بازار مشترک در تهران این بوده است که نمایندگان صلیب سرخ بین ــ المللی بتواند گروگانها را ببینند .

۲۴ فروردین ــ موسوی گرمارودی ــ بنی صدر در دیدار با سفرای بازار مشترک گفته است ، ترتیبی اتخاذ شده است که یک ارگان رسمی بین المللی هر وقت که لازم‌بداند با گروگانها دیدار کند .

۲۵ فروردین ــ طرح امریکا و اسرائیل و آلمان برای فرار گروگانها فاش شد .

۲۵ فروردین ــ آیت‌الله منتظری گفت :طرح مسئلهٔ موسی صدر به نفع آمریکاست .

۲۵ فروردین ــ صادق طباطبائی‌ــ دلائل لیبی در مورد خروج امام موسی صدر دروغ است .

۲۵ فروردین ــ هیئت ویژه مرکب‌ازآقای خامنه ای ــ وزیر بهداری ، نماینده شیر و خورشید سرخ و نماینده صلیب سرخ جهانی درایران از گروگانها دیدن می‌کند .

۲۵ فروردین ــ کمیته بین المللی‌صلیب سرخ گفت بزودی ترتیب دیداری از گروگانها را خواهد داد تا از وضع سلامت آنان آگاه

بقیه‌درصفحه۸

انقلاب در آینه زمان

بقیه‌ازصفحه۷

سود . این کمیته گفته است که در حال حاضر دو هیئت در ایران دارد .

۲۶ فروردین ــ امام در پاسخ پیام پاپ گفتند : آنروزی برای ما خطرناک است که روابطی نظیر رژیم خائن سابق با امریکا تجدید شود .

۲۷ فروردین ــ سخنرانی هاشمی رفسنجانی در دانشگاه تبریز به تشنج کشیده شد .

آیت الله مدنی در رابطه با تشنج‌دانشگاه تبریز گفت : آنهائیکه امروز در محیط دانشگاه ــ ح آفرینی کردند ، مطلقا " دانشجونیستند

۲۸ فروردین ــ دانشگاه تبریز نیمه تعطیل شد .

۲۸ فروردین ــ در پی برخورد لفظی دو گروه از دانشجویان در هنگام سخنرانی هاشمی رفسنجانی ، راهپیمائی هائی برگزار شد .

۲۸ فروردین ــ باهنر ــ در دانشگاه تبریز بعلت رفتار زشتی که گروههای چپ در روز جمعه در ارتباط با سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی داشته‌اند ، جو زننده‌ای بوجود آورد . . . در نتیجه دانشجویان اسلامی در برابر این رفتار ضد آزادی و ضد نظم که گروههای مخالف بوجود آورده اند، تظاهرات و اقدام به گرفتن دانشگاه کردند . . . درزمینه تعطیل دانشگاهها اطلاع رسمی در دست‌نیست اما زمزمه هائی بود . . .

۲۸ فروردین ــ گروهی از دانشجویان دانشکده علم و صنعت ، قسمتهای مختلف دانشگاه را تحت نظر خود گرفتند .

۲۸ فروردین ــ انجمن های دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی دیروزسندی منتشر کردند که براساس آن عده ای قصد داشتند طی روزهای آینده با انجام یک سلسله عملیات دست به اشغال و سپس تعطیل دانشگاه ها و مدارس عالی بزنند .

۲۸ فروردین ــ نماینده انجمن اسلامی دانشگاه علم و صنعت گفت : بدنبال پیام امام که انقلابی اساسی باید در تمام نهادهای‌کشور انجام شود و چون دانشگاه بزرگترین نقش را در اوج یا ذلت جامعه دارد ، دانشگاهها باید زودتر از همه در آنها انقلاب شود . در حال حاضر نیروهائی هستند که مقابل انقلاب قرار گرفته اند و با تعطیل دانشگاه مخالفند زیرا پایگاه توده ای ندارند و اعضای خودراازمیان دانشجویان انتخاب می‌کنند . گروههائی مانند مجاهدین ، چریکهای فدائی ، پیکار میترسند با تعطیل دانشگاهها که در حقیقت سیستم امریکائی و غیر اسلامی بر آنها حکمفرما است پایگاه خود را از دست بدهند . در بخش دیگر گفت : ما معتقد هستیم برای تغییر نظام آموزشی دانشگاه باید دانشگاهها تعطیل و سپس با حضور اساتید متعهد و دانشجویان مومن به انقلاب به بررسی این نظام‌بپردازیم .

۳۰ فروردین ــ با تصویب شورای انقلاب کلیه دانشگاههای کشور از ۱۵ خرداد تعطیل می‌شوند . همچنین در اطلاعیه ای خواست ستاد احزاب و گروهها در دانشگاهها ظرف سه روز برچیده شوند .

۳۰ فروردین ــ کنی : پاسداران و ماموران شهربانی مامور کنترل دانشگاهها شدند .

۳۰ فروردین ــ بنی صدر در یک مصاحبه از گروههای سیاسی خواست ستادهای خود را از دانشگاهها برچینند وگرنه مردم را به دانشگاهها فرا خواهد خواند و آنان خود این ستادها را تعطیل می‌کنند .

۳۰ فروردین ــ آقای خامنه ای در نماز جمعه : این ملت‌گواهی می دهد که‌نظام دانشگاهی ما همان نظام دانشگاهی رژیم گذشته است . چون فرصت نشده است که این سیستم به‌تمامی اصلاح بشود . ملت ایران نمی‌تواند به این دانشگاه امیدوار باشد .

۳۰ فروردین ــ در درگیریهای دانشگاه تربیت معلم ۲۰۰ نفر مجروح شدند .

۳۱ فروردین ــ ۲۸ تن از سرپرستان دانشگاهها با بنی صدر ملاقات کردند .

۳۱ فروردین ــ دکتر حبیبی : مقاومت‌در برابر اشغال دانشکده ها قابل توجه نیست و با روح پیام امام خمینی مبنی بر استوار کردیدن نهادهای قانونی کشور در سال جدید نیز متناقض است .

۳۱ فروردین ــ جامعه روحانیت مبارزدر اطلاعیه ای در مورد دانشگاهها‌گفتند : پشتیبانی قاطع خود را از تصمیم ریاست‌محترم جمهوری و شورای انقلاب به پیروی از رهنمود های امام امت در زمینه لزوم برچیده شدن ستادهای عملیاتی گروههای سیاسی ازدانشگاه ها و موسسات آموزش عالی کشور اعلام نموده و . . .

۳۱ فروردین ــ در اطلاعیه مجاهدین انقلاب اسلامی آمده است : شورای انقلاب می‌باید از فرصت بدست آمده بهترین استفاده را کرده و با تائید خواست مشروع و انقلابی دانشجویان دانشگاهها را تعطیل و قاطعانه به پیریزی سیستم نوین آموزشی متناسب با انقلاب اسلامی و خواست مردم بپردازد .

۱ اردیبهشت ــ زد و خوردهای خونین در شهر سنندج رخ داد .

۱ اردیبهشت ــ مهدوی کنی : پس‌از تصویب آئین نامه فعالیت احزاب و گروهها ، احزابی که فعالیتهای آنان منطبق با این‌آئین نامه نباشند منحل خواهند شد .

۱ اردیبهشت ــ بنی صدر در اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن حمله مراکز سازمانهای سیاسی گفت : برابر اطلاعیه و توضیحات چند گروه دانشجویی ، این گروهها تصمیم شورای انقلاب را اجرا کرده و می‌کنند . بنابراین تا صبح روز سه شنبه هیچ نیازی باجتماع مردم نیست و اگر ضرورت اقتضا کرد که مردم گرد آیند موضوع به اطلاع عموم خواهد رسید .

۱ اردیبهشت ــ ناصر مکارم شیرازی‌که سرپرست هیات قضائی اعزامی از قم به اصفهان است در مصاحبه ای درمورد مسائل مربوط‌به زمین در اصفهان گفت : عده ای ــ خودسرانه برخاسته اند و زمین های یکدیگر را مورد تجاوز قرار داده اند و حتی اجازه نداده اند که آن هیات هفت نفری که‌از سوی شورای انقلاب پیش بینی شده بیاید تا تحت ضوابط برنامه های مربوط به زمین را انجام دهد . وی افزود : بهمین دلیل ما فکر کردیم که باید در زمینهٔ مسائل زمین برگردیم و با مقامات بالای دولت و شورای انقلاب صحبت کنیم که یک فکر اساسی بکنند ، البته اگر وضع بهمین نحو پیش برود روستاها صحنه حوادث ناگواری خواهند بود ، از این رو باید برای ، این مسئله تحت ضوابطی که منافع همه را در بر گیرد فکری بشود .

۱ اردیبهشت ــ بیلان کار ستاد مرکزی بنیاد مستضعفان اعلام شد .

۱ اردیبهشت ــ دکتر بهشتی در یک مصاحبه در مورد قطع رابطه با امریکاو اخراج دانشجویان ایرانی گفت : برای ما و ملت ما قطع کامل رابطه ها با امریکا از هر جهت همیشه بعنوان یک مساله اصلی و مهم مطرح بوده، ولی شورای انقلاب در رسیدگی به این قطع رابطه ها با توجه به آثار و زیانهایی که احیانا " برای ملت ما که ممکن بوده بباربیاورد اولویت را به مسائل خیلی کلی تر داده بود . باید توجه داشت که قطع برخی از قراردادها و رابطه ها گاهی همراه با قبول خسارتهای زیادی برای ایران است .

۱ اردیبهشت ــ والدین یکی ازگروگانها میکوشند تا موافقت مقامات ایرانی را برای دیدن فرزند شان جلب کنند .

۱ اردیبهشت ــ سپاه پاسداران گرگان، در ا طلاعیه ای گفت : فئودالها مزارع تقسیم شده را تخریب کردند .

۱ اردیبهشت ــ زد و خورد خونینی در اطراف دانشگاه تهران در روز گذشته جریان داشت .

۲ اردیبهشت ــ انگلستان از بازارمشترک دعوت کرد که خرید نفت ایران را تحریم کنند .

۲ اردیبهشت ــ دانشجویان انجمن‌های اسلامی بطرف منزل امام راهپیمائی کردند . امام در اجتماع آنان سخنانی در مورد دانشگاهها گفتند : دانشگاههای ما دانشگاه‌های وابسته است ، دانشگاههای ما اشخاصی‌را که تربیت و تعلیم می‌کنند ، اشخاصی غرب زده هستند . بسیاری از معلمین غرب زده هستند و جوانان ما را غرب زده بار میآورند . ما میخواهیم بگوئیم که دانشگاههای مااخلاق اسلامی ندارند ، دانشگاه ما تربیت اسلامی ندارد .

۳ اردیبهشت ــ موسوی اردبیلی ، با تشکیل شورای عالی قضائی ، دادگستری بصورت شورائی اداره میشود .

۳ اردیبهشت ــ امام بمناسبت‌شهادت آیت الله صدر پیامی دادند ، در این پیام امام ارتش عراق را به قیام دعوت کردند .

۳ اردیبهشت ــ یونایتدپرس گزارش داد که با توجه به تحریم تجارت امریکا و ایران ، کمپانیهای امریکائی و ژاپنی به بازرگانان امارات متحده نزدیک شده اند تا بعنوان واسطه در تجارت آزاد استفاده کنند . باین ترتیب که بازرگان امارات متحده را تشویق به خرید کالا از این کشورها و سپس صدور به ایران می‌کنند .

۳ اردیبهشت ــ صدای امریکا : کارتر گفت این حق را برای خود محفوظ خواهد داشت که در صورت لزوم باقدام نظامی علیه ایران متوسل شود و اقدام نظامی بعنوان یکی از راه حلهای بحران ایران باقی خواهد ماند کارتر گفت : اوضاع سیاسی ایران بسیار بی ــ ثبات و سریع و متحول است ، اخیرا " وضع اقتصادی و اجتماعی و ساخت و نظام حکومتی در ایران بسرعت رو به تلاشی و ازهم‌پاشیدگی می‌رود .

۳ اردیبهشت ــ موسوی گرمارودی ــ در پاسخ به اظهارات کارتر در مورد وضعیت سیاسی ایران مصاحبه ای انجام داد .

۶ اردیبهشت ــ حمله نظامی امریکا به طبس خنثی شد .

۶ اردیبهشت ــ بنی صدر در مقاله ا ی در مورد تجاوز امریکا گفت : اینک بر همگان روشن می‌شود که اضمحلال قدرت مرکزی‌هدف اول سیاست امریکاست و دشمن ازهمه وسائل برای رسیدن باین هدف استفاده می‌کند .

۶ اردیبهشت ــ قطب زاده در مورد تجاوز آمریکا گفت : اعتراض در برابر جهان‌ــ خواران سودی نخواهد داشت ، در حقیقت دنیا را به داوری خواهیم خواست . . . محال است که بگذاریم امریکا در این منطقه پیروز شود ، این مسئولیت کشورهای اروپائی است‌که بیش از این اشتهای جنگ افروزی امریکا را با این تمکین خودشان تحریک نکنند .

۶ اردیبهشت ــ آقای مهدوی کنی در مورد تجاوز آمریکا گفت : در راس برنامه تفنگداران متجاوز نیروی دریائی امریکا ، گروگان گیری شخصیتهای ایرانی بوده است . در بخشی دیگر در مورد بمباران هلیکوپترهاو هواپیماهای امریکائی گفت : شکاریهای نیروی هوائی‌بدستور رئیس جمهور آنها را بمباران کردند بشکلی که بعدا " بتوان ازآنهااستفاده کرد ولی در حال حاضر قابل استفاده نیست .

۶ اردیبهشت ــ ظهیر نژاد ــ هدف‌امریکا حمله نظامی و آموزشی ایادی خود در ایران بود .

۶ اردیبهشت ــ محمد منتظر قائم فرمانده سپاه پاسداران یزد در جریان بمباران هلیکوپترهای امریکائی توسط نیروی هوائی ایران به درجهٔ شهادت رسید .

۶ اردیبهشت ــ بنی صدر : من‌فکرکردم که اقلا " ۲۰۰ تا ۳۰۰ هواپیما و هلیکوپتر به ایران آمده باشند ، ولی فقط‌این تعداد بود که گفته شد . وی در پاسخ به این سئوال که به امریکا اعتراض می‌کنید گفت : اعتراض بیفایده است ، ولی اعتراض‌این است که ما باقاطعیت رفتار کنیم و وابستگیهای فرهنگی و اقتصادی را قطع کنیم .

۶ اردیبهشت ــ بگزارش رادیو مسکو ، مصر و پاکستان در طرح حمله نظامی امریکا به ایران دست داشتند .

۶ اردیبهشت ــ کارتر بگزارش صدای امریکا گفت : کار برنامه ریزی عملیات نجات اندکی پس از اشغال سفارت امریکا در تهران آغاز شد ولی به علل و جهاتی برای اجرای آن تاکنون حوصله کردم . قابل اجرا بودن این عملیات پیچیده و غامض مستلزم برنامه ریزی دقیق ــ تعلیمات فشرده و تمرینات مکرر بوده است . بهر صورت و خصوصا " حل این بحران از طریق مذاکرات با اقدام و ابتکار داوطلبانه از طرف مقامات ایرانی همواره مرجح بوده و هست و خواهد بود . عملیات نجات وقتی صورت گرفت که بقضاوت من‌معلوم شد مقامات ایرانی نمی‌خواهند و یا قادر نیستند بحران مزبور را با ابتکار خود برطرف سازند . با از هم پاشیدن و متلاشی شدن مرکز قدرت در ایران و افزایش خطر به‌جان‌وسلامت گروگانها ، و درک روزافزون این حقیقت که آزاد شدن آنها درآینده نزدیکی غیر محتمل است تصمیم باجرای عملیات نجات از طرف من اتخاذ شد . درآخر افزود : ما همراه با سایر ملل جهان و مقامات ایرانی بمساعی‌خود برای حل فوری این بحران از طریق مسالمت آمیز و از مجاری دیپلماسی و بدون خونریزی ادامه خواهیم داد .

۶ اردیبهشت ــ کورت والدهایم در ــ تماس با قطب زاده از دولت ایران تقاضاکرد که در مورد این مساله شدت عمل بخرج‌ندهند و با خویشتنداری و صبر با این مساله روبرو شوند . قطب زاده گفت شکایت ایران در مورد حمله نظامی امریکا بایران تسلیم والدهایم شده است .

۶ اردیبهشت ــ صدای جمهوری اسلامی صبح اعلام کرد ، دیشب در ساعت ۲۲ و ۱۵ دقیقه منطقه فرود هلیکوپترها و هواپیماهای مهاجمین بوسیله هواپیماهای نیروی هوائی بمباران شد ، هدف از این بمباران جلوگیری از عملیات احتمالی دشمن در ربودن هلیکوپترها بود .

۶ اردیبهشت ــ در اعلامیه کاخ سفید آمده است عملیات بخاطر خراب شدن پاره‌ای از ابزار و وسائل کار خراب شده بود و آنهم قبل از برخورد دو هواپیمای امریکائی بوده است .

۶ اردیبهشت ــ یونایتدپرس ــ ماموریت نجات گروگانهای امریکائی به این دلیل شکست خورد که ۳ فروند از هلیکوپترهای عملیات در اثر طوفان شدن از کار افتادند و تیم نجات با کمبود هلیکوپترروبرو شد ، به گزارش این خبرگزاری امریکائیان همگی تا ساعت ۴/۵ بوقت تهران از خاک ایران خارج شده اند .

۶ اردیبهشت ــ ستاد ارتش ــ هواپیما ها هنگام فرار از خاک ایران با یکدیگربرخورد نموده و آتش گرفته و در حوالی منطقه طبس سقوط نمود .

۶ اردیبهشت ــ قطب زاده طی‌اطلاعیه ای از دانشجویان پیرو خط امام مستقر در سفارت خواست از انتشار بیانیه های تندونیز و از اقدامات شدید خودداری کنند (بلافاصله پس از فاش شدن حملهٔ نظامی امریکا) .

۷ اردیبهشت ــ دانشجویان پیرو خط امام ، اعلام کردند ، مدارک همکاری عوامل داخلی با امریکا را تقدیم امام می‌کنند .

۷ اردیبهشت ــ امیر بهمن باقری‌گفت : افسران فراری ایران در حملهٔ نظامی امریکا شرکت داشتند اما این عوامل از داخل ارتش نبودند و به تمام پرسنل ارتش ایمان کامل دارم .

۷ اردیبهشت ــ یک شاهد عینی ماجرا گفت : هنگامیکه عازم مشهد بودیم جلوی ما را گرفتند و سربازان خارجی که پیشاپیش‌آنها یک ایرانی با لباس ارتشی بود و سئوالاتی از مسافران کرد . وی گفت بفاصله هر ربع ساعت یک هواپیما می‌نشست و از هر کدام ۶۰ تا ۷۰ سرباز با تجهیزات پیاده می‌شد ، وی اضافه کرد هواپیماها را یک جیپ ارتشی و دو موتور سیکلت راهنمائی می‌کردند و تا ساعت سه بامداد حدود ۸ هواپیما و ۷ هلیکوپتر بروی زمین نشستند . وی همچنین گفت در ۵ یا ۶ سال پیش نیز گاهگاهی هواپیما در این محل بزمین می‌نشست که اکثر سرنشینان آن خارجی بودند .

۷ اردیبهشت ــ
امیر بهمن باقری فرمانده نیروی هوائی گفت : عوامل ایرانی احتمالا " در عملیات نظامی آمریکا علیه‌ایران دست داشتند ، وی گفت حضور این عوامل را از داخل ارتش نمی‌بینم و به تمام پرسنل ارتش ایمان کامل دارم .

۷اردیبهشت ــ دانشجویان پیرو خط امام گفتند : گروگانهای آمریکائی در شهرهای مختلف نگهداری میشوند .

۷ اردیبهشت ــ بنی‌صدر، : آمدن هواپیماهای آمریکائی به ایران جزئی از یک نقشه است که اجزای دیگر آنرا در گردش احوال و رفتار گروههای مسلحی که در کردستان عمل‌میکنند براحتی میتوان دید وی در مورد گروگانها گفت : وضع آنان بسیار خوب است‌و آنانرا از سفارتخانه به نقطهٔ دیگری بردندتا اگر حملاتی مجددا " احتمالا " صورت گرفت ، دانشجویان عملی انجام ندهندکه مایل به انجام آن نیستیم

۸ اردیبهشت ــ بنا به درخواست‌مدیر کیهان ، بزدی‌سرپرست کیهان شد .

۸ اردیبهشت ــ تدارک وسیعی برای شناسائی و تعقیب و دستگیری عاملان‌ایرانی توطئهٔ کودتای آمریکا در ایران فراهم شده است .

۸ اردیبهشت ــ سران ۹ کشور اروپائی توافق کردند که تجاوز آمریکا علیه ایران بیش از آنچه عملی نظامی باشد ، جنبهٔ انسانی داشته است .

۸ اردیبهشت ــ قطب‌زاده: مشکل لبنان را با راه‌حل بین‌المللی میتوان حل کرد .

۸ اردیبهشت ــ هارولد براون وزیر دفاع آمریکا گفت : از صمیم قلب آرزودارد که بحران گروگانها بطور مسالمت آمیز حل شود . و در آنصورت آمریکا حاضر خواهد بود با ایران روابط حسنه برقرار کند . البته آمریکا انتظار نداردروابط دو کشور در مدت کوتاهی بسیار حسنه شود .

کوتاهی‌بسیار حسنه شود ، ولی مایل است با رژیم انقلابی ایران دوست باشد . ما معتقدیم که آمریکا خواهان وجود یک ایران یکپارچه ، نیرومند و با ثبات است ، ایرانی که دارای رژیم اسلامی باشد و بیطرف بماند ، اگر چنین شود ثبات منطقه حفظ خواهد شد و از توسعه طلبی شوروی جلوگیری‌می‌شود .

ادامه دارد

جنبش مسلمانان مبارز
●پابپای انقلاب●

از این‌رو با توجه به ضرورت فوق جهت کسب عبرت و بصیرت دوباره بر آن شدیم تا فرازهائی اساسی از وقایع یکسال گذشته را ارزیابی کرده و جمعبندیهای کلی هر یک از آنها را ارائه دهیم، بامید آنکه راهگشای آینده‌مان باشد.

تشکیل مجلس

" ما نه‌به‌یک مجلس که به هزاران مجلس شورا در تمام مملکت، در هر ده، کارخانه، مزرعه، اداره، ،کارگاه‌و محله احتیاج‌داریم "
"سرمقالهٔ امت ۴۶"

از جمله نهادهائی که بر اساس پیش‌بینی قانون اساسی، در سال گذشته، با انجام انتخابات تشکیل شدک مجلس شورای اسلامی بود. بطور مشخص چهار جریان‌در انتخابات مجلس شرکت داشتند جناح لیبرالها و طیف هوادار آنها که پس از انتخابات ریاست جمهوری حول دفتر هماهنگی رئیس جمهور جمع شده‌بودند از یکسو، و حزب جمهوری و نیروهای وابسته به این جناح از سوی دیگر، دو جناح اصلی و میداندار انتخابات بودند. و درواقع از قبل قابل پیش‌بینی بود که اکثریت کرسیهای مجلس متعلق به این‌دو نیرو خواهد بود و در مجموع نیز چنین شد، هرچندپس‌ازتشکیل‌مجلس‌وآغاز کار آن، بتدریج جریانی متشکل از نیروهای جوان و انقلابی مستقل از دو جناح فوق‌الذکر شکل گرفت، اماتاکنون‌اغلب‌جهت‌گیریهای مجلس به سمت یکی از دو جناح بوده است و بیشتر مواضع جناح رقیب لیبرالها، در تصمیمات آن تبلور داشته است. بهر صورت با علم به اینکه جناحهای دوگانهٔ فوق در مجلس‌اکثریت کرسیهای مجلس را به خود اختصاص میدهند، شرکت فعالانهٔ نیروهای مکتبی و انقلابی را در انتخابات مجلس، تاءکید می‌نمودیم. بیانیهٔ انتخاباتی شمارهٔ (۱) جنبش در این باره می‌گوید: " با اعتقاد به این اصل که سرنوشت و آیندهٔ انقلاب منوط به شرکت فعال نیروهای مکتبی و انقلابی و برخورد مسئولانهٔ آنان با مسائل جامعه و انقلاب دارد."

جنبش با این اعتقاد و با برشمردن نکاتی چند که باید موردرعایت‌قرارمیگرفت من‌جمله تاءکید بر مرحله‌ای بودن قانون اساسی و نیاز آن به متمم، محکوم کردن شیوه‌های غیر مکتبی و دخالت مسئولان اجرائی در انتخابات، و ....، رسالت مجلس شورای اسلامی آینده را در مبارزه با امپریالیسم و محو پایگاههای‌آن اعلام کرد: براساس تحلیلی که از آغاز در مورد ضد انقلاب داشتیم تضاد عمدهٔ انقلاب را با امپریالیسم آمریکا و شیطان بزرگ را در همان حال لیبرالیسم و سرمایه‌داری وابسته را پایگاه اصلی امپریالیسم جهانی دانسته‌و مبارزه با این جریان سازشکار و مرتجعین را وظیفهٔ اصلی خود میدانیم."

هر چند تشکیل این نهادها را از همان ابتدا، پس‌از پیروزی‌بشکل صوری و ظاهری و بدون‌محتوی اصلی‌و بسیج توده‌های مردم در جهت مبارزه با امپریالیسم، چیزی جز تثبیت نظام گذشته‌نمی‌دانستیم‌و همواره با تاءکید بر این مطلب که اگر تشکیل و تثبیت این نهادها به خروج مردم از صحنهٔ عمل بیانجامد، در واقع پیروزی نصیب انقلاب نشده، بلکه انقلاب در نظام پیشین محصور می‌شود. در سرمقالهٔ امت ۴۶ چنین میخوانیم:

" انقلاب اسلامی ایران بدون عینیت دادن به حاکمیت مردم در شوراها، فاقد محتوی اصیل مکتبی است. ما هنوز موانع زیادی درپیشرو داریم، کسانی که خواهان حکومت بر مردم‌اند، کسانی که خواهان انحصار قدرت و ثروت‌اند، کسانی که مردم را مزدور، رعیت، مطیع و فرمانبردار میخواهند، نخواهند گذاشت حاکمیت‌مردم تحقق‌یابد."

.. و یا: "در جمهوری اسلامی باید همهٔ مردم به نحوی در ادارهٔ امور مملکت ـ اجرائی و قانونگذاری ـ شرکت مستقیم‌وفعال داشته‌باشند، یک مجلس شورای چند صد نفره هرگز پاسخگوی این نیاز نیست، تنها نظام شورائی در گسترده‌ترین ابعاد میتواند حاکمیت واقعی توده‌ها را جامهٔ عمل پوشاند، ما نه به یک مجلس‌شورا که به هزاران مجلس شورا در تمام مملکت، در هر ده و کارخانه، و مزرعه، اداره و کارگاه‌و محله احتیاج داریم."

بقیه‌ازصفحه۱

حوادث یکسال گذشته، رشد سازشکاران و حاکمیت نیروهای سازشکار و ارتجاعی بر بعضی ارگانها متاسفانه ازمشارکت‌واقعی توده‌ها در سرنوشت انقلاب جلوگیری شده است. بدون شک ادامهٔ چنین وضعی به حاکمیت یک نظام غیرانقلابی‌وخالی‌ازمحتوای‌اصیل‌اسلام، و فقط با پوستهٔ اسلامی حاکم گردیدو سایه بر تمامی نهادهای‌جمهوری اسلامی خواهد افکند. در آنصورت تک عناصر وحتی تشکل‌های کوچک در ارگانهای مختلف نیز نخواهند توانست بدون وجود شرائط عینی و ذهنی خاص، حرکتی در جهت حاکمیت بخشیدن توده‌ها انجام دهد.

نکته‌ای که باید در اینجا بدان اشاره نمود مسئلهٔ آگاهی مردم از مسائل و تصمیماتی است که در رابطه با آنها در نهادها و ارگانهای مختلف، منجمله مجلس گرفته میشود، تلویزیون بعنوان یکی از رسانه‌های عمومی بسیار مهم، در این جهت نقش حساسی بعهده دارد. متاءسفانه بدلایل غیر قابل قبولی اخیرا" پخش جلسات مجلس از تلویزیون قطع گردیده است که این نکته نگرانیهائی را بوجود آورده است. ما نیز به سهم خود خواهان پخش جلسات مجلس از تلویزیون می‌باشیم تا بدین ترتیب مردم از تصمیماتی که‌در بارهٔ امور اقتصادی، سیاسی‌فرهنگی و اجتماعی آنها گرفته می‌شود آگاه شوند.

جریانات و درگیریهای انقلاب فرهنگی

"ضرورت‌یک تحول بنیادی در کلیهٔ شئون کشور و نیاز بیک انقلاب تمام‌عیار فرهنگی برای درهم‌پیچیدن طومار حیات نظام‌اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رژیم آلوده به شرک و طبقاتی گذشته چیزی است که همان روزهای نخستین بعد از پیروزی انقلاب بر آن پای‌فشردیم که متاسفانه انعکاس مشی درسان‌مسئولین‌امرنداشت".

بیانیه‌جنبش‌بمناسبات‌مسائل‌دانشگاهها
"انجمن‌های اسلامی دانشجویان، آب به آسیاب لیبرالیسم و ارتجاع نریزند".
امت ۵۳

ضرورت یک تحول بنیادی فرهنگی، امری نبود که بر نیروهای انقلابی ـ مکتبی پوشیده مانده باشد و از ابتدای پیروزی همواره بر آن تاکید می‌نمودند، چنانکه در امت شماره ۲۲ در این زمینه مسائلی بیان شده است. اما آنچه لازم است مد نظر قرار گیرد، اینکه انجام چنین تحولی عمیق، ضرورتا" نیاز بیک مرکزیت قوی انقلابی و مکتبی دارد تا بتواند با بسیج توده‌ها و اجرای طرحهای کوتاه‌مدت و درازمدت این مهم را تا عمق جامعه نفوذ داده و دگرگونی های اساسی را به انجام رساند. و از سوی دیگرمشارکت همهٔ نیروهای صادق و بکار ـ گیری شیوه‌های اصولی در این زمینه از جمله اصول مورد توجه میباشد.

حرکتی که تحت عنوان انقلاب فرهنگی در دانشگاهها توسط انجمنهای اسلامی انجام گرفت و منجر به رشد تضادهای غیر اصولی شد، و نهایتا" به نفع حاکمیت سازشکاران و تثبیت مواضع آنان تمام شد، از ایندو ناحیه دارای نقص بوده و هرچند هدف‌مقدسی مد نظر بود، اما بعلت فقدان یک نیروی انقلابی و مکتبی در راس ارگانها و نهادها و بعلت پیشگیری شیوه‌های انحصارطلبانه و برخوردهای خصومت‌آمیز، فاقد محتوی اصیل خود بوده و نهایتا" بعلت عدم انسجام داخلی و استفاده‌ای که رئیس‌جمهور و سایر اعضای شورای انقلاب از آن نمودند، خود بحرکتی مخالف و متضاد آنچه دانشجویان انتظار داشتند، مبدل گشت. جنبش در این زمینه در اولین برخوردهای خود این مسائل را متذکر شد: در مورد عدم وجود یک نیروی انقلابی چنین آمده است: "ترکیب و ماهیت و بینش عناصر در راس قدرت و تصمیم‌گیری در مجموع به کیفیتی نیست که قادر به ایفای مسئولیت بزرگ هدایت یک تغییرات بنیادی و مکتبی در جامعه باشند، بعکس در سایهٔ حکومت آنان، نیروهای سازشکار و مرتجع و سرمایه‌داران و فرصت‌طلبان و حتی عوامل ضدانقلاب رشد بسیار کردند"

در مورد عمل دانشجویان چنین آمده‌است: "اقدام اخیر عده‌ای از دانشجویان در اشغال دانشگاهها که گفته میشود بمنظور تصفیهٔ دانشگاهها و انجام تغییرات در نظام آموزش بعمل آمده است، بویژه با شیوه‌ای که اتخاذ شده و هدفهائی که بدنبال دارد، بهیچوجه در جهت انجام یک انقلاب حقیقی مکتبی سرنخواهدکرد".

متاسفانه دانشجویان انجمنهای اسلامی به این امر توجه نداشتند و با خوشبینی به جناحی از شورای انقلاب دراندیشهٔ توده‌ای شدن این جریان همچون جریان تسخیر جاسوسخانه بودند. اما همچنانکه دیدیم جناح مقابل رئیس‌جمهور نیز در آن ایام و دوران در مورد بسته شدن دفاتر گروههای سیاسی با رئیس‌جمهور به توافق رسید و مجموع جریان بسود تثبیت حاکمیت دولت و در واقع سازشکاران انجامید.

جریان اشغال دانشگاهها با اوج‌گیری خود و با چپ‌روبهای غیراصولی برخی از گروههای موجود، توسل به زور مسئولین و تاکید شدید آنها بر ممانعت گروهها از انجام کارهای انقلابی!!، به درگیریهای خصمانه‌انجامید و در تهران و شهرستانها دهها‌کشته و زخمی بجای گذاشت. اما آنچه بعنوان عبرت از آن باید بدست آمده باشد آنکه عدم وجود نیروی مکتبی در راس ارگانها و نفوذ سازشکاران و مرتجعین و فرصت‌طلبان در راس این نهادها از یکسو، و عدم یک تشکل وانسجام و هماهنگی بین دانشجویان انجمنهای اسلامی باید ما را به ضرورت حاکمیت نیروهای انقلابی ـ مکتبی و تشکل و انسجام مبارزهٔ مکتبی در تمامی زمینه‌ها و پرهیز از درگیریهای فرعی و اتخاذ شیوه‌های مکتبی و اصولی بصیر ساخته باشد.

توطئه امپریالیسم در طبس

"حادثه‌ای که سخنگوی کاخ سفید امریکا بصورت یک واقعهٔ کوچک و محدود از آن یاد کردند، بطور قطع طرح عملیات نظامی گسترده و حساب‌شده‌ای بوده است".
بیانیهٔ جنبش بمناسبت‌حملهٔ نظامی‌امریکا

در شرایطی که جبههٔ داخلی ایران، در آتش نفاق و درگیریهای داخلی و اغتشاشات این سو و آن سو می‌سوخت، بر اساس مشاورهٔ تحلیل‌گران سیاسی ـ نظامی امریکا، طرح انجام یک عملیات نظامی گسترده بمورد اجرا درآمد و با تمام وسعت آن و محاسبات دقیقی که بعمل آمده بود، و با وجود آشکار دستهای نفاق‌وسرسپردگی مستقیم داخلی در آن و با وجود اینکه مسئولان همچنان در بی‌توجهی به مسائل و امور قرار داشتند، خنثی و شکست خورد. آنچه انجام این عملیات را بتعویق‌انداخته بود و امریکا را از ابتدای پیروزی انقلاب به اجرای چنین طرحهائی مایل ساخته بود، همانا وجود نیروها و جریانات و عناصر سازشکار و لیبرال و متمایل به غرب در جبههٔ داخل انقلاب و دربین مسئولان امور بود. کارتر روز پس از شکست عملیات گفت: "این عملیات نجات باید تا زمانیکه من مطمئن شوم مقامات ایرانی نمیتوانند و نمی‌خواهند به ابتکار خود این بحران را حل کنند، بتعویق می‌افتاد".

بدون شک اجرای این طرح، نه بمعنای ناامیدشدن امپریالیسم از سازشکاران داخلی بود، بلکه بعلت حضور فعال توده های مردم ومواضع قاطع امام در برابر سازشکاران در موقعیت‌های مختلف و هشدار های پی‌درپی نیروهای انقلابی بود. چرا که پس از شکست طرح محافل امپریالیستی این امید خود را ابراز کردند، کارتر: "ما همراه با سایر ملل جهان و مقامات ایرانی به مسائل‌خود برای حل فوری این بحران (گروگانها) از طریق مسالمت‌آمیز و از مجاری دیپلماسی و بدون خونریزی ادامه می‌دهیم."

این نیروها در جریان و پس از شکست این طرح نیزتمایل‌خود را به‌سرپوش گذاشتن روی روشهای توطئه‌آمیز امریکا نشان داده و سعی در پوشاندن هرچه بیشتر قضیه و کم بها دادن به آن نمودند و این دقیقا" همان خطی بود که امریکا دنبال می‌کرد، چرا که تمامی تلاش محافل امپریالیستی و دست‌اندرکاران طرح برای ساده‌جلوه‌دادن طرح در اذهان جهانیان بود و تماس والدهایم با وزیر خارجهٔ وقت و بیانیهٔ قطب‌زاده به دانشجویان پیرو خطامام در مورد عدم موضعگیریهای تندواظهارنظرهای بنی‌صدر و قطب‌زاده در مورد بی‌فایده بودن اعتراض به امریکا و همچنین تشکر سفارت‌پاکستان از رفتار سیاستمدارانه وزیر خارجه با این جریان، همگی دال بر این مواضع و تمایل سازشکاران میباشد. در اعلامیهٔ جنبش در این‌باره‌چنین‌می‌خوانیم: "امریکا که از شکست برنامه سخت بوحشت افتاده و نگران عکس‌العمل شدید ایران بخصوص دانشجویان پیرو خط امام بود، و میترسید جان گروگانها بخطر بیافتد، با وزیر خارجهٔ ایران تماس برقرار و ضمن ابراز تاسف تقاضا میکند جریان بزرگ نشود و ایران عکس‌العمل تند نشان ندهد و پس از آنکه بر طبق خبر،خبرگزاریها، وزارت خارجه به آنان اطمینان میدهد که دولت ایران سعی خواهد کرد قضیه در اذهان عمومی بزرگ نشود و نیز دانشجویان مسلمان مستقر در سفارت را وادار خواهد کرد از نشان دادن عکس‌العمل تند خودداری کنند".

بدون شک عواملی در اختفای جریان دست داشته و روشن نبودن اظهارات مسئولان لشکری و کشوری در این زمینه و اظهارنظرهای متناقض‌آنان و فرمان بمباران هلیکوپترهای امریکائی و روشن نبودن مجرای صدور این فرمان و یا عناصر تصمیم گیرنده و مشاور در این زمینه و پیام رمز امریکا در مورد تلاش برای بجای‌نماندن آثار حمله، شهادت فرماندهٔ سپاه‌پاسداران یزد، نقل و انتقالات نظامی در هوانیروز اصفهان و پادگان قم در هفته‌های قبل که بدون دلیل بوده است، و تحویل گرفتن اسناد باقیمانده در هلیکوپترها توسط فرماندهٔ هوانیروز بدون صورتجلسه،... هر یک دلیلی روشن بر شرکت عوامل متعددی در پرده‌پوشی این جریان میباشد. در زمینهٔ این مسائل در اعلامیهٔ جنبش آمده است: "باید از مقامات مسئول دولت سوال شود: دولت و ارتش و دستگاههای اطلاعاتی آن دقیقا" کی از وقوع این‌عملیات مطلع شدند و توضیح دهند که چرا هیچیک از دستگاههای اطلاعاتی و انتظامی‌نتوانسته ـ اند از یک‌چنین عملیات گسترده‌ای در خاک ایران مطلع شوند، و اگر قبلا" از آن آگاه شده‌اند، چرا مردم را در جریان نگذاشته و ساعتها بعد از اعلامیه کاخ سفید امریکا، اعلامیه دادند؟".

بدون شک وقوع چنین جریاناتی با چنین عکس‌العمل‌های داخلی که هماهنگ با خواست محافل امپریالیستی بوده و به این یک مورد خلاصه نمی‌شود، وجود عناصر سازشکار و مرتجع در راس ارگانها و نهادها بوده‌است‌وجنبش‌همواره‌خواستارطردچنین عناصری از ارگانها و مسئولیت‌های حساس بوده است: "ما یکبار دیگر خطر مماشات و سازشکاری با شیطان پلید و توطئه‌گر را یادآور شده، نسبت به خطراتی که روش غیرانقلابی قبلی دولت و شورای انقلاب فعلی زمینهٔ سیاست داخلی و خارجی برای موجودیت انقلاب و آزادی و استقلال، در بر دارد، به ملت قهرمان ایران و به رهبر انقلاب ایران امام‌خمینی هشدار میدهیم، باشد که تا دیرنشده تحولی بنیادی در نظام و سیاستهای موجود پدید آید و وحدت انقلابی و مکتبی خلق و بسیج واقعی آنها برای مبارزهٔ جدی با پایگاههای دشمن در داخل و مقاومت در برابر حملات و توطئه‌های بیشمار آن تامین شود". آیا سیر عملکردهای مسئولان در این یکسالهٔ اخیر نیز موید این سخن و نظر نبوده است؟ پس تا کی انقلاب باید از جانب این عناصر تهدید شود؟ آیا تنها پس‌از وقوع فاجعه باید بخود آئیم؟

کودتا

یکی از توطئه‌هائی که در دومین سال پیروزی انقلاب از جانب امپریالیسم امریکا برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی (با حداقل ضربه‌زدن به حاکمیت سیاسی آن) پی‌ریزی شد، توطئهٔ کودتا بود. خبرشکست طرح کودتا در روز پنجشنبه ۵۹/۴/۲۱ در سطح کشور پخش شد و بدنبال آن بسیاری از دست‌اندرکاران این طرح دستگیر شدند که سپهبد مهدیون (که از طرف دولت موقت به ریاست و فرماندهی نیروی هوائی تعیین شده بود) وسپهبدمحققی از جمله طراحان اصلی طرح در داخل کشور، جزو دستگیر شدگان بودند. متن اطلاعیه‌ای که قرار بود توسط کودتاچیان از رادیو و تلویزیون پخش شود چنین بود:

"همقطاران عزیز ساعت موعود فرا رسید، ارتش وطن‌پرست ایران حکومت پوسیدهٔ آخوندها را برچید. کلیه‌واحدهای ارتش، ژاندارمری و شهربانی اعلام همبستگی نمودند. هرگونه مقاومت‌بشدت سرکوب خواهد شد. آماده اخذ دستورات باشید. ـ شورای نظامی کشور ایران".

کید شیطانی امپریالیسم امریکا یکبار دیگر با شکست‌مواجه شد، اما برخلاف آنچه که انتظار میرفت و باید انجام می‌گرفت، زمینه‌های توطئه از جانب مسئولین ـ بطور همه‌جانبه ـ مورد بررسی قرار نگرفت و علل درونی پا گرفتن و ریشه دواندن چنین عملکرد و عملکردهائی نظیر آن، ارزیابی نشد. بجای آن هر یک از مسئولین ـ که آنزمان در جنگ و نزاع بر سر قدرت و کسب مواضع، دست و پنجه نرم می‌کردند ـ سعی نمودند کشف طرح را بخود نسبت داده و توطئه را نیز بر علیه خود قلمداد نمایند (البته اخیرا" تیمسارفلاحی طرح توطئه و افشای آنرا از جانب امریکا و برای تضعیف ارتش دانسته‌اند در صورتی که قبلا" عنوان شده بود پرسنل مومن و انقلابی ارتش اولین‌بار آنرا کشف کرده‌اند).
مادرامت‌شمارهٔ ۶۵درمقالهٔ "ریشه‌های‌توطئه کودتارادرکجاباید‌جستجوکرد"؟نوشتیم

" .... باید دید، دولتهاومسئولان کشور برای خشکاندن سرچشمه‌های توطئه چه کرده و می‌کنند؟ آیا کافی است که از ناکامی نقشه‌های دشمن خوشحال باشیم؟ مسلما" نه. مسئولین امور چه اقدامات قاطعی برای حل بحران اقتصادی که یکی از سرچشمه‌های ناراضی‌ساز جامعه است بعمل آورده‌اند؟ دولتمردان هنوز که هنوز است، بجای اتکاء به توده‌ها، بجای اتکاء به‌ارتش ۲۰میلیونی بجای اتکاء به افراد انقلابی و مؤمن ردد پائین و افسران جوان در ارتش به مدیران و فرماندهان اتکاء و اعتماد می‌کنند. چرا همیشه باید تصفیه آنهم بطور ناقص و ناپی‌گیر بعد از کشف توطئه‌ها انجام گیرد؟ چرا پیشگیری نمی‌کنید؟ با وجود اخطارها و هشدارها از جانب همه نیروهای آگاه و مسئول در داخل و خارج ارتش بازهم دولتمردان بی‌اعتنا، راه خود را ادامه می‌دهند، شما بر اساس چه بینشی به توده‌های انقلابی و مبارز که بازوهای انقلاب ایران بودند، اعتماد نمی‌کنید ولی به مدیران و فرماندهان که در خدمت رژیم شاه و ارباب امریکایی‌اش کار کرده‌اند، آنقدر اعتماد واطمینان دارید؟ ظرف یکسال و نیم گذشته توطئه‌های بسیاری کشف وعلائم مشکوک‌مشاهده شده است. اگر پی‌گیری کرده‌اید چرا مردم را مطلع نمی‌سازید، و اگر نه، چرا؟ بروبنده حادثه طبس به کجا انجامید و مسئولان آن در کدام دادگاه محاکمه شدند؟ بالاخره معلوم شد که چه کسی فرمان بمباران هلیکوپترها را صادر کرد؟ و یا اگر این فرمان را رئیس‌جمهور داد به توصیه کدام یک ازفرماندهان بود؟...

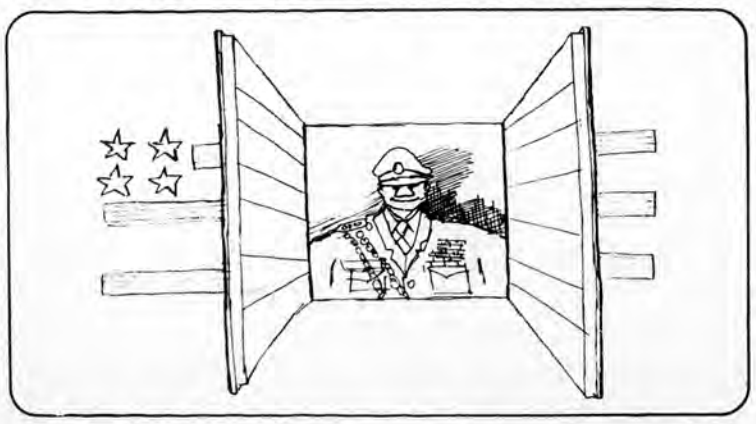

بقیه ازصفحه ۹

فرماندهان ارتش و مدیران نبودند که جلوی کودتا را گرفتند، هوشیاری مردم و افراد سادهٔ مومن بود که در رسپادهای فوق‌الذکر نگاهبان انقلاب اند ...."

توطئهٔ کودتا برخوش‌بینی بسیاری از افراد و ساده‌نگری آنها به توطئه‌های امپریالیستی خط بطلان کشید و از طرفی ماهیت تجاوزگر و ضدبشری امپریالیسم را درعینیت برای مردم ایران آشکار ساخت. لمس عمق این حیله‌ها و شیوه‌ها از جانب مردم در بازنگری اساسی به علل رشد ضدانقلاب بسیار موثر واقع شد و یکبار دیگر ضرورت تغییر بنیادی ارتش وتصفیه درآن ــ بعنوان یکی از علل ــ مطرح، و حقانیت نیروهائی که این شعار را تکرار می‌کردند، ثابت گردید. همچنانکه‌در همان‌مقاله نوشتیم:

"هر وقت از عناصر وابسته به رژیم پیشین و از نظام و سیستم کهنه شاهنشاهی و استعمارزده قطع‌امید گردید، هروقت کار را با دست جوانان مسلمان‌و باهمت توده‌های میلیونی آغاز نمودید، آنگاه میشود گفت ریشه‌ها و زمینه‌های توطئه‌ها را خشکانده‌اید .....

زمینه‌های مساعدکننده برای این نوع توطئه‌های امپریالیستی را باید در عملکرد و بینش فکری و سیاسی غیرمکتبی دولتمردان و مسئولان مملکت جستجو کرد. تا این بینشها عوض نشوند، تا بینش انقلابی و مکتبی جای آنها را نگیرد، خطر همچنان بر گرد سر انقلاب در پرواز خواهد بود.

تا امپریالیسم در جهان وجود دارد و تا در ایران جنبش انقلابی حیات دارد، توطئه و دشمنی و دسیسه علیه انقلاب وجود دارد. این ما هستیم که باید قدرت مقابله و ضربه‌زدن متقابل داشته باشیم، دفاع کافی نیست، باید قدرت تهاجم به امپریالیسم بدست آوریم. اگر انقلابی قدرت تهاجم فکری و سیاسی نداشته باشد، از حرکت می‌افتد و سرانجام شکست می‌خورد یا با کودتا و یا شورش نظامی، یا در میدان سازشکاری و تسلیم‌گرائی."

دولت

یکی دیگر از نهادهائی که در گذر از دومین سال انقلاب و در جهت تثبیت نظام بوجود آمد، دولت بود. مستقر شدن دولت و تصویب رئیس‌جمهوری و سپس مجلس، پس از مدتی درگیری و کشمکش و مذاکره و مناظره بین دو جناح رقیب (رئیس جمهوری و حزب جمهوری) رویداد و در نتیجه دولت با شکل کنونی آن نشاندهنده آخرین بندها و فصل مشترک‌های این دو جناح است و رئیس جمهور نیز در سخنرانی ۱۷ شهریور آنرا دارای حد اقل صلاحیت خواند و حد اکثر تفاهم را در مورد دولت به خود نسبت داد.

از بعد ازروی‌کار آمدن دولت اعضاء و سران حزب جمهوری در سخنرانیها مصاحبه‌ها و نمازهای جمعه از دولت آقای رجائی بشدت حمایت کرده آنرا مکتبی و جوان و انقلابی و در خط امام نامیدند. در حقیقت رئیس‌جمهور و تمام متحدین او که حول "دفترهماهنگی" گرد آمده‌اند، از ابتدا سعی در سرنگونی دولت و روی کار آوردن دولت مورد علاقهٔ خود داشتند و اظهارنظرهای گوناگون در مورداینکه این دولت ۲ ماه بیشتر دوام نخواهدآوردو... نیز در همین رابطه صورت گرفت.

جنبش مسلمان مبارز نیز با توجه به واقعیات موجود واصول مکتب و تجربیات تاریخی از همان ابتدای روی کار آمدن دولت وحتی قبل از آن، شیوهٔ برخورد ارشادی و انتقادی را مبنای برخورد خود قرار داد یعنی از یک طرف در مقابل امپریالیسم آمریکا، هرگونه تضعیف حاکمیت سیاسی را مردود دانسته و عملکردهای مثبتی را که در جهت تعمیق انقلاب به منصهٔ ظهور می‌رسید، تائید می‌کردیم و از طرف دیگردر مقابل هرگونه سرپیچی و انحراف از اصول مکتب موضعگیری کرده و نظریات و پیشنهادات خود را ارائه می‌کردیم چنانکه در سرمقالهٔ امت ۷۱ در این باره نوشتیم‌که:

"موظفیم با تمام وجود و قوا هم از حاکمیت سیاسی انقلاب دربرابرتهدیدهای نظامی دشمن دفاع کنیم، و هم ازاصالت مکتبی و سیاسی انقلاب. یعنی هم در صف واحد در پشت سر رهبر و سلاح‌بدست و با چشمان باز هرتوطئه‌ای را شناسائی و با قاطعیت سرکوب و هم با هر انحراف در مسیر انقلاب، یعنی هرنوع سازش در زمینهٔ سیاسی با دشمن یا در زمینهٔ اقتصادی و مکتبی با سرمایه‌داران، فئودالها، فرصت‌طلبان، قشریون، مرتجعین و سازشکاران بشدت مبارزه و مخالفت نمائیم" یا (در همان سرمقاله):

" اگر دولت اقدامی مثبت وانقلابی و مکتبی انجام داد، آنرا تائید و حمایت کرده، از هر انحراف و خطا، انتقاد سازنده و هشداردهنده می‌کنیم. هرگز از بیان نقاط ضعف و انحرافات دریغ و خود ــ داری نمی‌کنیم".

و در سرمقاله دولت و انقلاب‌مستضعفین امت شماره ۷۰ ضمن انتقاد به روش نخست وزیر در هنگام تصدی وزارت آموزش و پرورش گفتیم که:

"... مکتبی بودن الزاما" همان نیست که یک گروه یاباند خاص تفسیر و برداشت می‌کنند و مکتبی بودن آن‌نیست کهاشخاص در چارچوب‌های خشک و جامد فکری معین گنجانده شوند. این شیوه در سنت رسول وائمه طاهرین هرگز سابقه ندارد و نمونهٔ آنرا در کلیسای قرون وسطی یا بعضی ادوار سیاه در تاریخ کشورهای اسلامی ــ حکومت خلفاء و سلاطین مستبد خود می‌بینیم ...".

ما همواره پیشنهادات خود را در باره مسائل و مشکلاتی کهانقلاب با آن درگیر بود و سیاستی که در مقابل این موانع از طرف دولت اتخاذ میشد، اعلام می‌داشتیم ــ هرچند کمتر گوش شنوائی از مسئولین این فریادها را می‌شنید ــ و آنهنگام که صحبت از برنامهٔ دولت مطرح شد نیز رئوس آنچه را که لازمهٔ تداوم انقلاب به عنوان برنامه بود، اعلام کردیم و قبل و بعد از تصویب برنامهٔ دولت از طرف مجلس، به بررسی آنچهارائه شد و آنچه باید برای تعمیق انقلاب ارائه میشد، پرداختیم. در همانجا اشاره کردیم که برخلاف ادعای نخست‌وزیر مبنی بر یکدست بودن کابینه، این کابینه کاملا" یکدست نبوده وتفاوتهائی در بینش بعضی با مجموعهٔ آن موجود است:

"... در جناح ضدلیبرالی حاکم دو جریان عمده شرکت دارند: یک جریان محافظه‌کار با افکار ارتجاعی و وابستگی به سرمایه‌داری تجاری متوسط که مخالفتش با لیبرالها کمتر اصولی و بیشتر شکلی است ــ

چنانکه در مخالفت با امپریالیسم نیز بیشتر از موضع ضدبیگانه و ضدغربی حرکت می‌کند تا بر اساس شناخت درست امپریا ــ لیسم و روابط پیچیدهٔ وابستگی. دوم: جریانی که مخالفتش با لیبرالها بیشتر اصولی و دارای مواضع روشن‌تر ضدامپریا ــ لیستی و ضدبوروکراسی و ضدفئودالی است اما در همانحال از لحاظ شیوهٔ تفکر، تا حدودی واپسگرا است و همین گرایش فکری، آثار منفی واضح و مشخصی در خط مشی و عملکرد آن بجای می‌گذارد... آثاروجودی این دو جریان در برنامهٔ دولت بخوبی هویداست..."

سرنوشت انقلاب وبرنامه دولت
امت ۷۳

و از آن پس تا کنون نیز در مقاطع مختلف و بر اساس موضعگیریهای گوناگون دولت، شیوهٔ ارشادی ـ انتقادی‌رادنبال نموده‌ایم.

جنگ ایران وعراق

جنگ تحمیلی‌امپریالیسم وعراق علیه انقلاب اسلامی درحالیکه مدت زیادی از پیروزی مرحله‌ای آن نمی‌گذرد و هم‌اکنون دومین سالگرد پیروزی را فراروی خود می‌بیند، از مسائل‌مبتلابه انقلاب در طول ماههای اخیر می‌باشد.

از آنجا که امپریالیسم به سرکردگی امریکا با انقلاب ایران و خیزش رهائی‌ــ بخش آن خصومتی غیرقابل انکار و تضادی آشتی‌ناپذیر دارد، پس از قطع امید از حاکمیت فوری جریان مورد نظرش در داخل یعنی سازشکاران لیبرال، بعد از اشغال جاسوسخانه و همچنین با بشکست‌کشانیده شدن توطئه‌های طبس و نوژه، در پی توطئه ــ ای دیگر بود و دولت متجاوز عراق مغتنم ــ ترین فرصت را در این خصوص به امریکا ارزانی داشت چرا کهدر این مقطع، شرایط عینی و ذهنی دخالت مستقیم نظامی در داخل ایران از طرف آمریکا فراهم‌نبود، لــــذا شروع‌جنگ‌توسط‌عراق، آنکشوررادر اهداف‌مشترکی کهازاین‌درگیری‌درسرداشت در خط امریکا قرار داد وامریکا نیز از طریق دولتهای وابسته و مرتجع منطقه، همچون اردن، مغرب، کویت و همچنین از استفاده هائی که از پایگاه اطلاعاتی خود در عربستان بعمل می‌آورد، حمایت خویش را از عراق در خصومت با انقلاب، اعلام داشت.

در فروردین ماه سال جاری "۵۹" هنگامیکه حملات پراکنده و متجاوزانهٔ عراق به خاک ایران شروع و ادعای تسخیر و پس‌گیری سه‌جزیرهٔ "تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی" از جانب آن کشور عنوان گردید جای هیچ شک و شبهه‌ای نبود که این عملکرد در رابطه با انقلاب نوپای ایران، تنها بنفع امپریالیسم امریکا و صهیونیسم در منطقه است و هم‌اکنون نیز با شروع و ادامهٔ چندماههٔ جنگ جاری، مبرهن است که عراق با گسیل ارتش خویش به مرزهای ایران در صدد تشکیل یک جبههٔ ضد ــ انقلابی متشکل از مرتجعین منطقه علیه حرکت‌های انقلابی و رژیم‌های مترقی و ضد امپریالیستی است، چنانکه جدا شدن صفوف کشورهای انقلابی و ارتجاعی عرب در جریان کنفرانس سران عرب و نیز کنفرانس اسلامی توطئه‌آمیز اخیر، دلیل بر این مدعاست.

با شروع جنگ در اواخر شهریور ماه گذشته بطور رسمی و تمام‌عیار، جنبش مسلمانان مبارز طی بیانیه‌ای در تاریخ ۵۹/۶/۲۹، ماهیت جنگ تحمیلی و فرسایشی را کاملا" امپریالیستی وضدانقلابی تلقی نموده و بسیج مسلحانه و همگانی توده های میلیونی را پاسخ لازم به همهٔ تعدیات و تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم و وابستگان آن دانست.

جنگ تحمیلی امریکا و عراق میتوانست از فرصت‌های مغتنم و از ابتلائاتی نیکو برای جبههٔ انقلاب تلقی شود واین در حالتی بود که تمام خلق و همهٔ اقشار و توده‌ها در صحنهٔ نبرد و سنگرهای پاسداری از انقلاب بدور از انحصارگری‌ها و خودبینی‌ها و منیّت‌ها و تسلط طلبی‌ها، نقشی فعالانه بعهده گرفته و مشارکت می‌نمودند.

جنگ چنانچه توده‌های‌مشتاق‌وداوطلب نبرد را در خود جای می‌داد وآنرا به نبرد کلاسیک میان دو ارتش خلاصه نمی‌نمود، گامی بزرگ جهت تعمیق انقلاب و تکامل آن با توجه به پیروزی زودرس و ناگهانی ۲۲ بهمن ۵۷ بود.

علیرغم خواست امریکا و لیبرالها در مردمی‌نشدن جنگ، اگر اینچنین میشد، و به توده‌ها فرصت داده میشد تا حضور در صحنه را بمثابه حفاظت و پاسداری از انقلاب و دست‌آوردهایش بجا آورند، می‌توانست بسیاری نقاط ضعف ناشی از ناتوانی جناحهای حاکم را به قوت تبدیل کرده و جنبش را صاحب دست‌آوردهائی نوین سازد.

هماهنگی و انسجام درونی جبههٔ انقلاب و تامین وحدت‌از دست رفته، تعمیق مبارزهٔ ضدامپریالیستی و امکان رویاروئی مستقیم توده‌ها با توطئهٔ امپریا ــ لیسم، تقویت خط انقلاب و خط قاطعانهٔ امام، قطع ید از سرمایه‌داری وابسته و پیشروی بسوی تخریب کامل وغائی آن با توجه به محاصرهٔ نفتی و اقتصادی، رشد نهادهای مردمی چون شوراها در روستاها و کارخانجات و سایر سطوح و تعیین سرنوشت مردم بوسیله خودشان، تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی خلق و آموزش و تسلیح و تجهیز تمامی اقشار برای مقابله با توطئه‌های فزایندهٔ امپریالیسم، نزدیکی و همبستگی انقلاب با نهضتهای آزادیبخش و نیروهای مترقی و ضدامپریالیست و در مقابل قطع رابطه با وابستگان ومرتجعین، زدوده شدن جبههٔ انقلاب از خصائل غیرتوحیدی و رشد انگیزه‌های مکتبی و مردمی در اقشار مختلف و... همه و همه‌میتوانست به عنوان فوائد واثرات ثمربخش یک جنگ مردمی تمام‌عیار، شکل واقعی بخود گیرد. و این در صورتی بود که نیروهای سازشکار رهبری جنگ را بدست نگرفته و مردم چون همیشه بعنوان عمده‌ترین نیرو حضور خود را در صحنه اعلام میکردند.

در امت شماره ۸۰ با توجه به ضرورت طرد سازشکاران از رهبری جنگ، آورده شده: "اگر اجازه دهیم نیروهای سازشکار و مرتجع در رهبری‌انقلاب وهدایت جنگ علیه دشمن شرکت جویند، در اینصورت آیندهٔ انقلاب را بخطر انداخته‌ایم". چرا که ساخت ارتش وایجاد روحیهٔ شخص‌پرستی و فردپرستی جدید در آن و نقشی که قهرمان جنگ پس از اتمام جنگ بعهده می‌گیرد، نشانه‌های این نگرانی است.

در امت ۷۷، ۵۹/۷/۱۶، دو هفته پس‌از شروع جنگ متذکر شده بودیم:

" با امکان دادن هرچه بیشتر به همهٔ مردم برای شرکت در مقاومت و جهاد، جلوی این احساس کاذب وانحرافی گرفته شود که فردی یانیروئی تصور کند، تنها قهرمانیهای او عامل پیروزی بوده است، بلکه همه به این واقعیت تسلیم شوند که پیروزی از جانب "خدا" وبدست‌یک "ملت" حاصل میشود". در همان شماره نیز ذکر گردیده است: "اگر جنگ فقط، جنگ بین دو ارتش باشد ــ و این چیزی است کهامریکا می‌خواهد ــ در اینصورت صرف پیروزی نظامی در این جنگ پیروزی انقلاب و پیروزی ملت محسوب نمی‌شود".

لازم به توضیح است چنانکه منطقی و عقلانی است، غرض از پافشاری بروی مردمی شدن جنگ واستفاده از همهٔ اقشار در آن، بمعنی‌عدم‌استفاده‌صحیح‌ولازم‌از تجهیزات و امکانات موجود و قابل دسترسی نبوده، به دفعات‌مکرر در امت عنوان شده بود، معنای جنگ مردمی این نیست که از امکاناتی که داریم و از سلاحها و مهمات استفاده بعمل نیاوریم و یا اینکه "چه کسی گفته است اگر جنگی مردمی و با انگیزهٔ مکتبی و هدف شهادت بود، به سلاح و مهمات، به ابزار و فن جنگیدن و سازماندهی احتیاج‌ندارد". (امت ۸۰)

اما جنگ مردمی علیرغم خواست و اشتیاق بی‌صبرانهٔ توده‌های داوطلب، بر حسب‌ماهیت هدایت‌کنندگان آن به تحقق نپیوست. لیبرالها سرختانه با تز جنگ مردمی مخالفت کرده و شعار جنگ کلاسیک و منظم را سرمی‌دادند و جناح مقابل نیز فقط در شعار خواستار حضور مردم در جنگ بود، همچنان که در دو سال گذشته نیز در قبال تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی و تجهیز و بسیج خلق، تنها شعار آن را طرح نموده و از اقدام‌عملی بطورجدی خودداری نمود و حتی بفکر تجهیز سپاه به سلاحهای سنگین نیز نیافتاد.

اهدافی راکه امریکا از تجاوز رژیم مزدور عراق به انقلاب اسلامی، تعقیب می‌نمود و می‌نماید، ضربه‌زدن به حاکمیت سیاسی انقلاب و خط امام، تجدید سازمان ارتش در شکل و محتوای پیشین، ایجاد نیاز به سلاح و دیگر لوازم ساخت خود، متزلزل کردن اوضاع درونی انقلاب و دامن زدن به جو اختلاف، اغتشاش و سوءظن و نارضائی تا بدین‌ترتیب زمینه را برای رشد لیبرالهای سازشکار و راه‌حلهای سیاسی، نظامی و اقتصادی آنان فراهم آورده و دیدگاههای آنان را در خصوص تأمین "استقلال"، "آزادی"، "امنیت" و "اقتصاد"، تنها راه‌حل‌و تنهاطریق نجات انقلاب!! قلمداد نمایــــد. هم‌اکنون نیزامپریالیسم می‌کوشد با رفتار دوگانه که در نهایت یک هدف را دنبال میکند جنگ را به شرطی ادامه دهد که وابستگی تسلیحاتی و اقتصادی و حاکمیت عناصر محافظه‌کار را در بر داشته‌باشد، و یا زمینهٔ صلح و سازش تحمیلی را به نحوی فراهم‌آوردکههمراه‌باحاکمیت‌سازشکــاران تحرک و پویائی از انقلاب سلب شده و سکوت وممامشات جای صدور انقلاب را گیرد پذیرش‌خاتمهٔ جنگ‌فقط‌در شرائطــی قابل‌قبول‌است‌که‌دشمن‌ازمواضع‌کنونی‌وادار به عقب نشینی شده و حقانیت‌انقلاب‌ایران طی یک طرح اصولی تصریح شودو تا وقتی دشمن‌وادار به عقب‌نشینی نشده‌طبیعی‌است هرگونه متارکه‌ای نخواهد توانست منافع انقلاب ایران را در بر داشته‌باشد و به دشمن اجازه خواهد داد تا از موضع قدرت برخورد کند.

مروری بر بیانیه‌های جنبش مسلمانان مبارز

بقیه‌ازصفحه ۱۱

منافع معدودی سرمایه‌دار ترجیح داده نشود و تاوقتی شوراهای واقعی اسلامی‌در همهٔ کارگاهها تشکیل نگردد، افزایش دستمزد یا کسب انواع دیگر امتیازات مادی و رفاهی تاءثیری در بهبود وضع کارگران و طبقات محروم ندارد زیرا اضافه درآمد بلافاصله با افزایش سریع هزینهٔ زندگی خنثی میگردد.

کارگران که طبقه استثمارشدهٔ جامعه هستند، بدلیل پاک‌بودن از فساد و آلودگی بٔ استثمار، در صف مقدم انقلابات توحیدی جای میگیرند، و خداوند به زحمتکشانی که آگاهی سیاسی‌ومکتبی‌داشته بر اساس تقوی وارد میدان مبارزه میشوند، وعدهٔ پیشوائی داده است.

۵۹/۲/۱۱

"بیانیهٔ جنبش مسلمانان مبارز در بارهٔ یادوارهٔ هجرت دکتر شریعتی، معلم انقلاب."

.....امروز بیش از همیشه باید به پای درسش بنشینیم و باردیگر بهمدرسهٔ آن معلم شهید انقلاب بازآئیم که خود بر سر در آن نوشت: " عرفان، برابری، آزادی " تا از او بیاموزیم " خودسازی انقلابی "را.

اردیبهشت ۵۹

"هشدار به ملت ایران و نمایندگان‌مجلس شورا و خواهران و برادران‌دانشجوی‌مسلمان پیرو خط امام."

با کمال شگفتی می‌شنویم که رمزی کلارک، دلال سیاسی کارتر، علیرغم ممنوعیت اعلام شده از جانب دولت آمریکا در این اجتماع " بررسی جنایات آمریکا " شرکت کرده. کلارک همان کسی است که در پاریس توسط دوستان خود سعی کرد با امام ملاقات کرده، ترتیب نوعی سازش را با رهبر انقلاب بدهد....

از این‌رو آنان "آمریکا" همچنان در تلاش تحمیل سازش اندو در پیشبرد این مقصود به بعضی محافل سازشکار داخلی چشم امید دوخته‌اند.

۵۹/۳/۱۳

"نامه به (امام خمینی) رهبر بزرگ و سازش ناپذیر انقلاب ایران."

".....نهضتی که بدست توده‌های مسلمان و جوانان متعهد و انقلابی به ثمر رسیده است فقط به یاری آنان ادامه‌می‌یابد ما عقیده نداشتیم که مردم بایدانقلاب‌کنند و شهید بدهند و حکومت را ساقط کنند و سپس قدرت را تقدیم رجال و بزرگان قوم کرده، خود به خانه‌ها برگردندو گوش به فرمان رهبران تازه رسیده بنشینند."

"رجال و سیاستمدارانی که فاقد تجربهٔ انقلابی و بینش مکتبــی و روح انقلابــی نمی‌توانند این نهضت اسلامی و انقلابی را رهبری کرده، مرحلهٔ مبارزه با آمریکا و دشمنان بیشمار داخلی و استقرار نظام قسط اسلامی را با موفقیت به پایان رسانند. بلکه اعتقاد داشتیم که انقلاب ما به یک دستگاه رهبری‌متمرکز، قاطع و انقلابی و مجهز به بینش مکتبی احتیاج دارد. دشمن ابتدا می‌کوشید که امام را با منزوی کردن، بی‌اعتبارکردن، ساکت و خاموش ساختن از صحنه خارج سازددتا قدرت یکسره بدست دولتهای محافظه‌کار و طرفدار مصالحه و توافق هموار گردد."

" با استفاده از زمینه‌های مساعد فوق‌و در اثر منزوی شدن نیروهای انقلابی‌ووفادار به امام و خط انقلاب و متلاشی شدن این نیروها، پس از امام قدرت‌بدست‌حکومتهای بظاهر اسلامی ولی محافظه‌کار، سازشکار، مرتجع و غیر مکتبی بیافتد و عملا" در سیاست داخلی و خارجی راه حکومتهائی نظیر سادات در مصر یا ضیاءالحق در پاکستان را پیش گیرند."

بقیه‌درصفحه۳

معرفی کتابهای منتشره از سوی جنبش مسلمانان مبارز در دومین سال انقلاب

* واژه‌های قرآنی ـ طرح دوبارهٔ اسلام راستین بعنوان یک ایدئولوژی و تنها ایدئولوژی‌ای که می‌تواند پاسخگوی تمامی مسائل و نیازهای انسانی باشد، با بازگشت به سرچشمهٔ وحی ـ قرآن ـ آغاز شد و غنا و رشد و تداوم آن نیز در گرو چنگزدن به این پرتو الهی است.

در این‌مسیر شناخت انسان و ابعاد وجودی او و جامعهٔ انسانی و حرکت آن از اهمیت خاصی برخوردار است.

کتاب واژه‌های قرآنی گامی است در جهت دستیابی به این هدف. کتاب دارای ۵ مقاله است با عنوانهای امت، امامت، انسان، بشر، شیطان که قبلاً در چند شمارهٔ امت با عنوان "مباحث‌ایدئولوژیک" بچاپ رسیده بود که مجموعاً بصورت یک مجلد از سوی جنبش مسلمانان مبارز منتشر گردید.

* اصول پایه جامعه توحیدی نظام‌ومناسبات اقتصادی (جلد ۴ گل سرخ توحید) ـ دکتر حبیب‌الله پیمان.

در جلد سوم گل سرخ توحید، دیدیم که سعی شد با تجزیه و تحلیل‌سیرهٔ پیغمبر تا زمان فتح مکه، رهنمودهائی از سنت رسول بدست داده شود.

مرحلهٔ چهارم گل سرخ توحید، با عنوان "اصول پایهٔ جامعهٔ توحیدی ـ نظام و مناسبات اقتصادی" سعی شده است بر اساس اصول اقتصادی جامعهٔ نمونهٔ توحیدی ـ مدینةالرسول ـ و دیگر منابع شیعی. طرحی کلی از اصول‌وروابط‌اقتصادی نظام اسلامی بدست داده شود.

در این کتاب حدود و نقشی که اسلام برای اقتصاد قائل است، ارائه شده و بر این اساس راههایی را پیش رو می‌گذارد. ابتدا به تجزیه و تحلیل مدینةالرسول و سپس به شرایط ایجاد جامعهٔ توحیدی پرداخته و با توجه به نقش توحید در جهان‌بینی و روابط اجتماعی، به برادری و برابری بعنوان اصول جاودانهٔ توحید اجتماعی می‌نگرد و با این فرض وبا طرح و تحلیل اصول اقتصادی ایدئولوژی اسلام (از جمله اصل خدامالکی و درنتیجه محدودیت حق استفاده از محصول در رابطه با کار و میزان احتیاج انسان وتعلق سود به کار نه سرمایه و انفاق مازاد براحتیاج و . . .) رابطهٔ مستقیم آن را با جهان‌بینی توحیدی روشن می‌کند. کتاب مزبور که مقالات آن قبلاً با عنوان "مباحث ایدئولوژیک ـ اصول پایه جامعهٔ توحیدی" در امت بچاپ رسیده بود، بصورت یک مجموعه از سوی جنبش مسلمانان مبارز منتشر گردید.

* آثار فرهنگی استکبار و استضعاف

کتاب مشتمل بر دو سخنرانی است تحت عناوین "آثار فرهنگی استکبار و استضعاف" و "یادبود محمد نخشب و طالقانی". در بخش نخست به مسئولیت سنگین و حساس تدوین ایدئولوژی اسلامی و مرزبندی بین اسلام و ایمان مستضعفان و امیون، با اسلام مستکبران پرداخته و راه رسیدن به معیارهای اصول ایدئولوژیک را برخورداری از بینش واقع‌نگر و فارغ از خصلتهای شرک‌آمیز دانسته و سپس به خصلتها و حجابها و موانع ذهنی‌ای که در رابطه با مستکبران به یک نوع و در رابطه با مستضعفان به‌گونه‌ای دیگر مطرح می‌گردد اشاره کرده. در انتها به تجزیه و تحلیل این خصلتها و حجابها، و بر همین اساس، طرح "جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی" پرداخته است.

بخش دوم کتاب نگاهی است مختصر به تاریخچهٔ مبارزات پس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد و نقش نخشب و طالقانی، سپس با طرح مسالهٔ مبارزه بعنوان عامل تفکیک و تفاوت و مرز بین انسان و حیوان، ادامه می‌دهد که یک انسان تا زمانی حیات انسانی دارد که مبارزه می‌کند و در این رابطه از پدرطالقانی و رنجها و نقشش در انقلاب، بعنوان نمونه یاد می‌گردد و بار دیگر بطور مفصل‌تر شیوهٔ برخورد و سیر حرکتی مرحوم نخشب و پدرطالقانی را بررسی می‌نماید.

* "انقلاب در انقلاب تا محو نظام امپریالیسم" مجموعه سرمقاله‌های امت از شمارهٔ ۲۱ تا ۴۰

* "آیا تاریخ تکرار می‌شود" مجموعهٔ سرمقاله‌های امت از شمارهٔ ۴۱ تا ۶۰

میزان انطباق یک خط بر اصول و واقعیات را میتوان با بررسی خط سیر موضع ـ گیریهای آن سنجید و در همین جهت، سرمقاله‌های امت از شمارهٔ ۲۱ تا ۴۰ و ۴۱ تا ۶۰ که خط موضعگیریهای جنبش مسلمانان مبارز را نشان می‌دهد، منتشر گردید.

* "لیبرالیسم جاده‌صاف‌کن امپریالیسم"

با اوج‌گیری مبارزات مردم ایران که خود حلقه‌ای بود از قیام قهرآمیز توده‌های مستضعف علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا، امپریالیسم به فکر تغییر شیوه و بکارگیری روشهائی افتاد که با مخفی کردن چهرهٔ کریه خود در پشت نقاب آزادیخواهی و حقوق بشر، از طریق‌استحمار و مخدوش کردن اذهان توده‌ها، به استثمار و غارت خود از منابع ملل محروم ادامه دهد.

امپریالیسم برای اعمال این طرح به عناصری در کشورهای جهان سوم امید بسته بود که اعتراضات و مخالفتهایشان صرفاً به نبود امکان برای فعالیت‌سیاسی ـ اقتصادی آزاد محدود میشد و عملاً درکی از امپریالیسم و ماهیت جهانخوار آن نداشته، و در انتها در مدار همین نظام قرار می‌گرفتند.

جنبش مسلمانان مبارز با درک این واقعیت، از ابتدا و بعد از پیروزی مرحله‌ای انقلاب، لیبرالها را عامل اجرای نقشه‌ها و تکیه‌گاه امپریالیسم دانسته و آنها را اولین جای پا برای بازگشت امپریالیسم‌اعلام‌کرد. کتاب "لیبرالیسم جاده‌صاف‌کن‌امپریالیسم" مجموعه‌ای است در افشای ماهیت این جریان و تکیه‌ای که امپریالیسم به آن می‌کند. این کتاب حاوی یک مقاله، دو مصاحبه و دو سخنرانی میباشد که بوسیله دانشجویان هوادار ج. م. م دانشکدهٔ علوم اجتماعی دکترشریعتی دانشگاه تهران در یک مجموعه منتشر گردیده.

* ـ تسخیر جاسوسخانه و توطئه سازش علیه انقلاب

تسخیرجاسوسخانهٔ امریکا وافشای‌توطئهٔ سازش علیه انقلاب ایران، حرکتی بود برخاسته از متن توده‌های محروم و تحت ستم بر علیه هرچه ظلم و استضعاف. این جنبش، مبارزه با نظام پلید شاهنشاهی را به عنوان اولین مانع در راه دستیابی به حقوق مشروع خود می‌دانست و کاملاً نسبت به این‌امر وقوف داشت که این نظام فقط بارویی است از نظام استکبار جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا. و به همین دلیل بود که شعار "بعد از شاه نوبت امریکاست" را مطرح کرد.

متاسفانه ارگانها و جریاناتی که بعد از پیروزی مرحله‌ای انقلاب هدایت و پیشبرد آنرا بعهده گرفتند، درک و شناخت درستی از این خواست توده‌های انقلابی نداشته و گام به گام در جهت کاهش شورانقلابی مردم و نزدیکی بیشتر به امپریالیسم حرکت می‌کردند.

تضاد و دوگانگی موجود بین جهت حرکت جریانات حاکم و خواست توده‌های انقلابی خود را در قالب اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام در تسخیرجاسوسخانه امریکا نشان داد، حرکتی که از همان ابتدا مورد حمایت اقشار وسیع مردم و رهبر انقلاب قرار گرفت.

جنبش مسلمانان مبارز از اولین‌نیروهایی بود که این اقدام انقلابی را مورد تائید قرار داد و تلاش در جهت تعمیق هرچه بیشتر این حرکت را وظیفهٔ خود دانست.

کتاب "تسخیر جاسوسخانهٔ امریکا و توطئهٔ سازش علیه انقلاب" مجموعه‌ای است حاوی اعلامیه‌ها و بیانیه‌های ج. م. م و همچنین مقالاتی و طرحهایی که در امت در اینرابطه بچاپ رسیده.

این مجموعه بمناسبت سالگرد اشغال لانهٔ جاسوسی بوسیله‌جنبش‌مسلمانان مبارز منتشر گردید.

* "کنفرانس اسلامی پاکستان":

یکی از روشهای امپریالیسم در مقابله با حرکتهای انقلابی، سعی در خالی کردن جنبشها از محتوا و خلع‌شعارکردنشان است. امپریالیسم برای دستیابی به مطامع پلیدش از هر رنگ و قالبی استفاده می‌کند چراکه اصل برای او ادامهٔ استثمار منابع و ثروتهای ملل محروم است، نه اسم و نام و شکل. کنفرانسهای اسلامی با توجه به تاریخچه و عملکردشان حربه‌ای هستند در دست امپریالیسم در اینجهت. کتاب کنفرانس اسلامی پاکستان تحلیلی است بمنظور روشن کردن اهدافی که امپریالیسم از این گردهم‌آیی‌ها دنبال میکند. این کتاب مجموعهٔ ۴ مقاله است که در ابتدا در نشریهٔ امت به چاپ رسیده و بوسیلهٔ دانشجویان هوادار ج. م. م مدرسهٔ عالی طرفه منتشر گردید.

ادامه‌دارد

مروری بر بیانیه‌های جنبش مسلمانان مبارز

"بیانیهٔ انتخاباتی شمارهٔ (۱) جنبش مسلمانان مبارز"

۴۰۰۰۰۰ ـ بر اساس تحلیلی کهازآغاز در مورد ضد انقلاب داشتیم ـ تضاد عمدهٔ انقلاب را با امپریالیسم و آمریکا، شیطان بزرگ، را در راءس‌امپریالیسم می‌شناسیم، و در همان‌حال لیبرالیسم و سرمایه‌داری وابسته را پایگاه اصلی امپریالیسم‌جهانی دانسته و مبارزه با این جریان سازشکار و مرتجعین را وظیفهٔ اصلی خود میدانیم. با اولویت‌دادن به مبارزهٔ ضد امپریالیستی:

الف ـ محو پایگاههای داخلی آن (لیبرالیسم، سرمایه‌داری وابسته، ارتجاع و بقایای فئودالیسم، لغو قراردادهای استعماری‌و از جمله نفت و . . . . . .

ب ـ استقراروتحکیم نظام‌شورائی بعنوان تنها راه اصلی بسیج خلق در مبارزه با امپریالیسم و نوسازی‌انقلابی جامعه.

ج ـ تکیه بر ارتش خلقی ۲۰ میلیونی برای پاسداری دستاوردهای انقلاب و با توطئه‌های ضدانقلابی و امپریالیستی.

د ـ تحکیم وحدت خلق و جبههٔ مشترک ضد امپریالیستی در خط‌رهبری امام خمینی.

ه ـ حفظ همبستگی با جنبشهای آزادیبخش‌وتلاش‌درراه‌تشکیل‌جبههٔ‌جهانی مستضعفین در برابر مستکبرین و کمک به توسعهٔ انقلابات رهائی‌بخش‌درسراسرجهان

و ـ حل مسئلهٔ ملیتها از طریق دادن حق خودمختاری در چارچوب کشور و امت واحد اسلامی و بر اساس پیام امام خمینی.

ز ـ واگذاری زمین به دهقانان و دادن وسائل و امکانات کشت و زرع و نفی استثمار بهر عنوان از کارگران و مستضعفان و تاءمین حقوق‌کارگردرادارهومالکیت‌کارخانجات در صدر برنامه‌های مجلس شورای ملی قرار دارد. تلاش در پیشبرد اهداف فوق را وظیفهٔ نمایندگان منتخب میدانیم و بر این اساس جنبش مسلمانان مبارز در چهارچوب اصول یادشده در هر کجا که شرائط‌رامقتضی بداند، کاندیداهائی را صرفنظر از وابستگی آنها به گروهها و سازمانها معرفی و حمایت خواهد کرد. . . . . .

۵۸/۱۱/۲۲

"اعلامیهٔ انتخاباتی‌شمارهٔ (۲)"

در این اعلامیه اهداف جنبش از شرکت در انتخابات برشمرده‌شده است در بخشی از آن، هدفهای جنبش، چنین آمده است:

"الف ـ تلاش‌در تداوم بخشیدن به خط اصولی مبارزه با امپریالیسم و پایگاهها و جریانات وابسته‌بدان و دفاع از خط ضد امپریالیستی امام خمینی.

ب ـ تاءکید بر ضرورت تدوین متمم قانون اساسی در خط‌نظریات مکتبی.

ج ـ پافشاری در حفظ و تداوم جوهر اسلامی و مکتبی انقلاب بمنظور پیشبرد کشور بسوی جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی."

در این اعلامیه همچنین ویژگیهائی که نمایندگان مجلس باید داشته‌باشند را در ۷ مورد شمرده است:

"۱ ـ ماهیت سیاستهای امپریالیسم و پیچیدگی‌مبارزه با آنرا شناخته، مبارزه با پایگاهها و جریانات وابسته بدان را در صدر برنامه‌های خود قرار داده و در تداوم خط ضد امپریالیستی امام خمینی‌کوشاباشند

۲ ـ به اصول اسلام و ارزشهای مکتبی مؤمن بوده ودر جبههٔ مستضعفان، علیه مستکبران، قرار گیرند.

۳ ـ . . . . . .

در انتهای‌اعلامیه اسامی بعضی از کاندیداهای جنبش در شهرستانها ذکر شده است."

۵۸/۱۱/۲۷

در پیام به هواداران کلیهٔ استانهادر مورد کمک به سیل‌زدگان خوزستان آمده است: "لازم است کلیهٔ برادران و خواهران هرادارجنبش مسلمانان‌مبارز در شهرستانها با توجه به دستورات امام خمینی در مورد کمک به سیل‌زدگان با تشکیل کمیته‌های امداد، کمکهای گوناگون مردم را جمع‌آوری و بهر شکل‌که امکان دارد بدست سیل‌زدگان شهرها و روستاهابرسانند"

۵۸/۱۱/۲۷

"بیانیهٔ جنبش مسلمانان مبارز در بارهٔ توطئهٔ سازشکاران علیه انقلاب"

در این بیانیه‌اشاره شده است که محافل سازشکار و مرتجع بدنبال ضرباتی که از حرکت خلق، و افشاگریها خورده‌اند، در صدد لکه‌دار کردن انقلابیون می‌باشند، در قسمتی از آن آمده‌است: "این جریانی است که میخواهد عناصر و افراد مترقی و انقلابی و شناخته‌شده در بین توده‌های محروم و روشنفکران متعهد و انقلابی، را از حرکت بازدارند.

۵۸/۱۲/۲

"ایستادگی فرزندان خلق را در برابر توطئهٔ آمریکا و سازشکاران می‌ستائیم". سازشکاران در ملاقاتهای مکرر و طولانی که با والدهایم، دلال آمریکا، و نمایندگان رسمی و غیر رسمی شیطان بزرگ داشتند، همچنانکه شیوه‌های همیشگی آنها بوده است، سیاست گام به گام و سازش مرحله به مرحله را برای رهائی ازمشکل بزرگی!! که باصطلاح بچه‌ها! برای‌آنهافراهم‌ساخته بودند اتخاذ نمودند.

شورای انقلاب بایدمسئولیت‌انتشارتمام صورت‌جلسات مذاکرات با والدهایم و نمایندگان آمریکا و همچنین مذاکرات‌شورای انقلاب را در جلسه‌هائیکه‌سرنوشت‌جاسوسان مطرح شده است بعهده گیرد.

۵۸/۱۲/۱۷

"نامهٔ کارتر و خدعهٔ شیطان بزرگ."

کارتر در نامهٔ مزورانه‌اش به امام سعی کرده است ماهرانه اغراض پلید و استعماری خود را در لفافهٔ توبه و عذرخواهی "نوع آریامهری" و هدفهای مشترک! انسانی! و صلح‌جویانه! بپوشاند.

درجای‌دیگرنامه‌نماینده‌ٔ جهانخواران از "هدف واحد" بین آمریکا و ملت ایران حرف میزند، آنهم خطاب به کسی که او را شیطان بزرگ خوانده‌اند، از چه وقت انسان و شیطان "هدف واحد" پیدا کرده‌اند؟.

۵۹/۱/۱۰

"هشدار به‌مردم قهرمان ایران در مورد توطئه‌های شیطان بزرگ علیه امام و امت."

شیطان بزرگ برای پیشبرد مقاصد شوم خود ضمن آماده کردن متحدین استعمارگر در اروپا و آسیا برای محاصرهٔ اقتصادی ایران وروانه ساختن مزدوران رژیم و جا جاسوسان به منطقه برای اغتشاش‌وخرابکاری در داخل به توصیه و رهنمود سازشکاران داخلی توبه‌نامه به امام می‌نویسدو وقتی افشای متن نامه بدستور امام این نیرنگ را هم‌باطل‌میکند.

۵۹/۱/۱۴

"بیانیهٔ سیاسی جنبش مسلمانان مبارز در مورد قطع رابطهٔ سیاسی آمریکا با ایران."

. . . . . .با توجه به توطئه‌های وسیع شیطان بزرگ در منطقه، و توسط دولتهای مرتجع دست نشانده علیه انقلاب ایران اقدامات زیر را از جانب شورای انقلاب و دولت ضروری میدانیم:

۱ ـ قطع صدور نفت به آمریکا و ممالک متحد آن که در تحریم اقتصادی ایران شرکت میکنند و درخواست همکاری از سایر ملل ضد استعمار در پیوستن به‌تحریم نفتی آمریکا.

۲ ـ اقدام جدی برای‌تشکیل‌واحدهای مقاومت بسیج در کارخانجات، روستاها، ادارات، مدارس، بمنظور آموزش نظامی و آمادگی برای دفاع وکنترل فعالیتهای ضد انقلاب و تقلیل مصرف و افزایش تولید.

۳ ـ انجام سریع طرح تقسیم اراضی و بسیج عمومی دهقانان و خلع ید از سرمایه‌داری‌وابسته‌وبسیج‌عمومی‌کارگران‌درامر مقاومت و تولید.

۴ ـ تاءمین نیازمندیهای ضروری از کشورهای دوست و ضد استعمار.

و از ملت قهرمان ایران و از همهٔ هواداران جنبش مسلمانان مبارز برای پیشبرد این مبارزه مقدس اسلامی میخواهیم تا:

۱ ـ مصرف را در همهٔ مواد و موارد به حداقل برسانند.

۲ ـ از ذخیرهٔ مواد غذائی و مایحتاج ضروری پرهیز کنند.

۳ ـ در هر جا هستند در امر بسیج عمومی برای مقاومت و تولیدو خودکفائی و تشکیل واحدهای بسیج و مقاومت فعالانه شرکت نمایند.

۴ ـ از هر گونه تفرقه پرهیز کرده، وحدت خلق را در مبارزه علیه شیطان برهبری قاطع امام خمینی تحکیم و انسجام بخشند.

۵۹/۱/۱۹

"اعلامیهٔ جنبش مسلمانان‌مبارز در استقبال از وحدت علیه‌امپریالیسم."

. . . . .اکنون یکبار دیگرفرصتی‌تاریخی پدید آمدتا با بهره‌گیری از تاریخ مبارزهٔ مکتبی علیه آمریکا بر ضعفهای اساسی خود غلبه کنیم. این زمینه فرصتی است برای تضمین وحدت خلق و ایجاد ارتش مردمی با روابط جدید توحیدی. در شرائط موجود توده آمادهٔ جهاد برای سازندگی و خودکفائی است ـ خلق آمادهٔ دفاع با چنگ و دندان است ـ بشرطی که اتکاء بمردم از صورت شعار و حرف خارج شود و واقعیت عینی پیدا کند، ارتش ۲۰ میلیونی واقعیت پیدا کند و برای این‌کار باید موانع را از پیش پا برداشته، یکی از این موانع فئودالها هستند، یکی دیگر سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم هستند، یکی دیگر سیستم پوسیدهٔ اداری و نهادهای کهنهٔ آریامهری است، یکی دیگر نظام وابستهٔ ارتش‌و اتکاء آن به سلاح و تکنیک آمریکائی است، یکی قراردادهای استعماری بویژه نفت است، یکی دیگر روحیهٔ تبلیغ و مصرف‌و رفاه است، یکی دیگر اغتشاش و توطئه‌های ضد انقلاب است، یکی هم تفرقه و تضادهای غیر اصولی درون خلقی.

۵۹/۱/۱۹

"بیانیهٔ جنبش مسلمانان مبارز در رابطه با حوادث دانشگاهها‌و تصمیمات‌شورای‌انقلاب."

. . . . . ۶) ـ ضرورت یک انقلاب فرهنگی را صددرصد تاءیید میکنیم و معتقدیم این حرکت باید از پایین و توسط نیروهای انقلابی و جوانان مسلمان و متعهد و مکتبی انجام گیرد. ولی متاءسفانه حرکت اخیر که در پوشش تصفیهٔ دانشگاهها و انقلاب فرهنگی آغاز شده، باوجود آنکه عده‌ای از دانشجویان صادق و بخشی از توده در آن شرکت دارند، هدایت آن‌توسط دستگاهها‌و مقاماتی انجام میگیرد که قادر به انجام این تحول انقلابی‌اسلامی‌نیستند و بجای اصول اسلام راستین، تنهاپوسته‌ای از اسلام برروی نظام کشیده خواهد شد.

۵۹/۱/۲۹

"بیانیهٔ جنبش مسلمانان مبارزدر بارهٔ توطئهٔ تجاوز و حملهٔ نظامی گستردهٔ آمریکا."

. . . . . ۴) ـ کارتر پس از آنکه دستور توقف عملیات را می‌دهدو ظاهراً پس از آنکه همهٔ نفرات باقیمانده و زخمی‌ها را بکمک هواپیماها وهلی‌کوپترهااز ایران خارج می‌سازد، با احتیاط تمام، خبر آنرا ساعات اول صبح جمعه ۵۹/۲/۵ به خبرگزاریها اطلاع میدهد. ولی این خبر چند ساعت بعد، از طریق رادیو به اطلاع ملت ایران می‌رسد، بطوریکه بسیاری از هموطنان خبر را قبلاً از دوستان و خویشان خود ازآمریکا تلفنی دریافت کرده بودند. اگرچه باید احتمال وجود کوماندوها را در ایران‌در نظر داشت و اعلامیهٔ آمریکا را گمراه کننده تلقی کرد.

۵۹/۲/۵

"بیانیهٔ جنبش مسلمانان مبارز بمناسبت روز کارگر."

کارگران آگاه ما در شرائط فعلی دربرابر مسئولیتهای دشواری قرار گرفتند. از یک طرف هنوززنجیر اسارت سرمایه‌داری وابسته بر دست و پای دارند، کارخانجات آنان وابسته به منافع شرکتهای خارجی و امپریالیسم جهانی است، از سوی دیگر برای تشکیل شوراهای واقعی با موانع سختی روبرو هستندو بالاخره فشار سخت زندگی و تورم، و گرانی آنانرا به تنگ می‌آورد. بطوریکه ترمیم دستمزدها و تاءمین حقوق صنفی، غالباً مسالهٔ درجهٔ اول کارگران میشود. در صورتیکه میدانیم حل ریشه‌ای مسائل صنفی و رفاهی کارگران کاملاً وابسته به حل مسئلهٔ وابستگی و مالکیت در ادارهٔ کارگاه بستگی دارد.

کارگران ما که از شعور و آگاهی سیاسی برخوردارند، بخوبی تشخیص میدهند که تا وقتی تولید ما از چنگ سرمایه‌داران و وابستگی به استثمار آزاد نشود، تا وقتی کارگران خود سرنوشت تولید و ادارهٔ کارگاه را بدست نگیرند، تا وقتی منافع خلق بر

دولت موقت در جاده ...!!

به مناسبت سالروز روی کار آمدن دولت موقت !

جامعه‌ای که دورانی طولانی‌مدت را تحت حاکمیت مبتنی بر استکبار بسر برده بود، جامعه‌ای که نیروهای پویا و آزادکننده ـ اش را زمانی دراز، دربندکنندگان و بازدارندگان، در عمق نگاه داشته و مانع رشد اصولی آن بوده‌اند، در آخرین لحظاتی که بسرآمدن عمر، جریان حاکم بر خویشتن را نظاره‌گر بود، با اشتیاق و بی‌صبری هرچه‌فزونتر در پی آن بود تا با ضربه‌ای کاری، راه وصول به لحظهٔ ظفر انقلاب بر ارتجاع را هرچه نزدیکتر سازد.

بی‌شک ملت قهرمان ایران پس از تحمل مصائب بی‌شمار، در هنگامیکه پیروزی بر استبداد ستمشاهی را در یکقدمی خود می‌دید، در انتظار بسر می‌برد، انتظار پس از اعتراض. انتظاری که حداقل خواست طبیعی و منطقی یک ملت منقلب و درحال رستن بود. مردم منتظر بودند تا دولتی که چند روز قبل از پیروزی مرحله‌ای ۲۲ بهمن، تعیین‌گردیده بود، حرکت پرسرعت نهضت را به نظامی انقلابی که توانائی جایگزینی قاطع بر مخروبه‌های نظام پیشین را داشته باشد، تبدیل نماید.

خلق انقلابی منتظر بود تا دولتی که از حمایت بی‌چون و چرا و بی‌دریغش برخوردار بود و با استقبال بی‌مانندش روبرو گردیده بود، ضربه‌هائی کاری بر پیکر نظام وابسته و در حال اضمحلال فرود آورد.

محاکمه واعدام سران خائن وتئوریسینهای رستاخیزی رژیم، تخریب کامل نظام سرمایه داری وابسته، مصادره سرمایه‌داران، خلع ید از فئودالها و خوانین، تقسیم عادلانهٔ زمین میان دهقانان، رساندن کارگران به حقوق طبیعی خویش، استقرار حاکمیت نظام شورائی در تمام سطوح، برداشتن گامهای نخستین برای شروع انقلاب فرهنگی بنیادی، زدودن فرهنگ شرک‌آلودشاهنشاهی و استعماری، بازگرداندن شخصیت از دست رفته به مردم از طریق شرکت دادن فعالانه شان در امور و سرنوشت خویش، دادن حقوق طبیعی به قومیتها و ملیتهای محروم تخریب کامل نظام بوروکراتیک حاکم بر ادارات، استفادهٔ صحیح و معقول از رادیو و تلویزیون و رسانه‌های گروهی جهت ارتقاء سطح آگاهی توده و انتقال فرهنگی انقلابی ـ مکتبی به آن، قطع رابطهٔ کامل در همهٔ زمینه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی با دشمن اصلی و همیشگی انقلاب، امپریالیسم امریکا و متحدانش و قطع رگهای حیاتی آن در داخل بویژه ارتش وابسته و فراهم نمودن زمینه‌ها و امکانات ایجاد ارتش خلق، مصادره اموال صاحب‌منصبان رژیم و وابستگان به دستگاه، قطع رابطه با دول مرتجع و نزدیکی به نیروهای انقلابی و حامی انقلاب اسلامی، اتخاذ سیاست خارجی انقلابی و حمایت از جنبش‌های رهائی‌بخش بویژه انقلاب فلسطین... و نهایتا" تامین آزادی‌های انقلابی ـ مکتبی وایجاد فضائی کاملا" مساعد برای رشد یکسان و متساوی استعدادهای نهفته و ناشکفته، خواستهای طبیعی و منطقی و قابل وصول خلق مستضعف ما بود، در حالیکه در آن مقطع درجهٔ خواست و اشتیاق توده برای وصول به اهداف ذکرشده غیرقابل تصور می‌بود و توده‌ها حاضر به هرگونه فداکاری در راه آن بودند.

اما انقلابیون موقت! بی‌توجه به خواستهای توده، در مسیری در عکس جهت حرکت انقلابی گام برداشتند، مسیری که جز برقراری روابط پیشین با شکلی نوین و در قالب جدید، با توجیهات مکتبی! چیزی دیگر نبود. و طریقی که جز به برقرار نمودن رابطه با دشمن اصلی واز سر گرفتن روابط دوستانه و متقابل با حفظ احترام! با آن نمی‌انجامید.

طرز گام برداشتن در این مسیر سراسر انحراف و غیرانقلابی و نوع نگرش این جریان به انقلاب و شکل برخورد آن با مسائل مبتلابه جنبش وتوقعات وبرداشتهای آنان از یک‌جامعهٔ تازه از بند رسته و تشنهٔ حرکتی اساسی و زیربنائی، از نزدیکترین طریقی که قابل وصول وارزیابی است، همانا بررسی آن از زبان صاحبان لیبرال و سازشکار این‌چنین طرز تفکر ونگرشی است:

بنده ماشین سواری نازک‌نارنجی هستم که باید روی جاده‌های آسفالت و راه هموار حرکت کنم، شما باید این راه را برایم هموار کنید.
"کیهان ۵۷/۱۱/۲۱"

نظام موجود را به هوای نظامی که جانشینش نشده برهم نزنید.
"کیهان ۵۷/۱۲/۱"

امروز توده مردم بخصوص آنهائیکه در صف مقدم انقلاب پرچم مبارزه را بدوش می‌کشند، می‌گویند چرا دولت انقلابی عمل نمی‌کند، اموال را نمی‌گیرد و مصادره نمی‌کند، آنان طالب اقدامات حاد و تند و ارضاءکننده و انتظامی نسبت به‌گردانندگان رژیم گذشته هستند.

پس از انقلاب با دستگاه عظیم دولتی مواجه شدیم که نه میشود آنرا دور انداخت و نه میتوان وجود آنرانادیده گرفت و بدون کمک آن کاری کرد. از طرفی مردم و انقلابیون می‌گویند که دستگاههای اداری فاسد و پر از ساواکی است و برای مقاصد رژیم گذشته درست شده است و باید از آنها استفاده نکرد، ولی ما برخوردیم به عظمت دستگاههای اداری، تجهیزات، تاسیسات، امکانات، سرمایه‌های معنوی و ارزشهای انسانی، روی این اصل من همیشه مدافع کارمندان دولت بوده و هستم.
"کیهان ۵۸/۵/۳"

کارکنان دولت همگی فرزندان این آب و خاک هستند، نمی‌شود آنها را اخراج کرد.
"کیهان ۵۸/۵/۳"

ما بر اساس قانون اساسی منهای سلطنت حرکت می‌کنیم.
"۵۸/۳/۹"

اطلاق کلمهٔ استعمار در مورد ایران غلط است.

در هیچ جای دنیا چنین حالتی وجود ندارد، هیچ‌جای دنیا چه جدید و چه قدیم، یعنی آنجاها که منظمند و دارند کار می‌کنند و زنده هستند، همه‌جا مدیریت دستگاهها، مدیریت هر موسسه‌ای از بالا به پائین است.
"کیهان ۵۸/۷/۱۴"

یک جائی می‌رود و این مدیرکل را یک عده بنام پاسدار ماسدار یا چیز دیگری می‌گیرند، می‌آیند پرونده‌ها را با افراد مسلح از او درمی‌آورند و تهدید می‌کنند.
"مصاحبهٔ مطبوعاتی پس‌ازاستعفا ۵۸/۸/۱۷"

پیام خاصی برای ارتش و نیروهای انتظامی داریم و باید عرض کنیم. از روز اول روی شما حساب کردیم و مدافع شما بودیم.

زندگی که ما امروز داریم، همه‌اش فرنگی است، طرز فکر ما، درس‌خواندن ما، مبارزه ما، انقلاب ما، ضدیت ما با استعمار و استثمار، تمام ارمغان غرب است.
"۵۸/۹/۳"

ارتباط هست، احتیاج هست، استفاده هست و برای مستقل بودن و خودکفا بودن باید صنعت، کشاورزی و تجارتی قوی داشته باشیم تا بتواند رقابت کند، لازمه‌اش شیوه‌ای است که باید از غرب بگیریم، یعنی مدیریت.

می‌خواهند همه‌چیز را عوض کنند، یعنی هر کسی هرچی خواست. آخر تو کارگر تو کارمند مالک نیستی که فلان کارخانه که ملی شد تو بیائی و دورهم‌بنشینی و تصمیم بگیری، آخر تو مالک نیستی که، کارخانه مال ملت است، نمایندهٔ ملت هم وزیر صنایع و معادن است.
"۵۸/۹/۳"

اعتراض کردن، دستپاچه بودن، همه چیز خواستن، اسلام اموی است.
"انقلاب‌اسلامی ۵۸/۹/۳"

در ملاقاتی که با رئیس ستاد ارتش داشتیم، ایشان بی‌طرفی اعلام نمودند و اعلام پشتیبانی از دولت موقت را نمودند.
"نخستین‌پیام تلویزیونی ۵۷/۱۱/۲۲"

از حق نباید گذشت که دولت بختیار با دولتهای دیگر فرق داشت و کارهائی انجام داد ولی کاملا" غیرقانونی است.
"سخنرانی دانشگاه‌تهران"

اعدام ۴ ژنرال بدستور مافوق من انجام شد و اعدامها دیگر به این صورت ادامه نخواهد یافت.
"۱۲/۲"

مجامع بین‌المللی نقش موثری در سرکوبی و سقوط رژیم داشتند و به ما کمک فراوانی کرده‌اند ولی حالا از وضعیت مجازاتها ومحاکمات شکایت می‌کنند.
"۱۲/۲۳"

بعد از انقلاب حالت خاصی بنام انتقام پیدا شد که روزبروز سراسر مملکت را فرا می‌گیرد، این مساله مشکل بزرگی برای سازندگی مملکت است.
"۵۸/۲/۵"

بنده بنا به مصلحت طرفدار آزادی و عفو عمومی بودم.
"۵۸/۳/۲"

فالاچی: شما بختیار راخائن‌می‌دانید؟
بازرگان: دراینمورد نمی‌توانم صحبت کنم.
"۵۸/۷/۲۱"

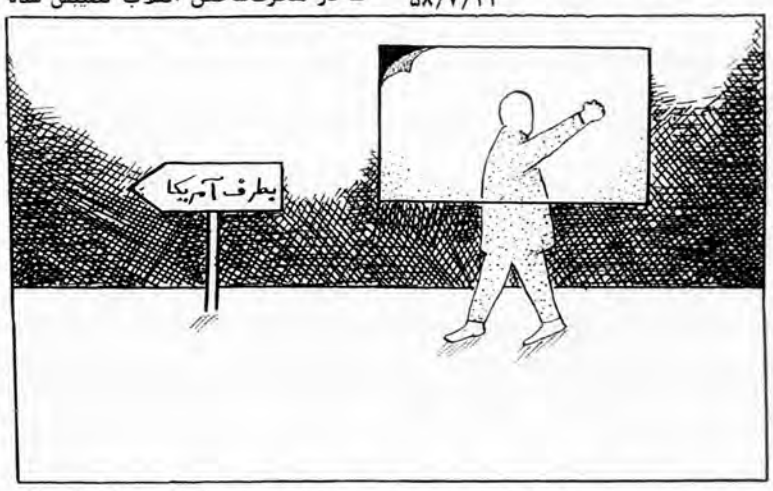

دولت دستور مصادرهٔ اموال نداده است.
"۵۸/۳/۳۰ دفترنخست‌وزیر"

ما علیرغم ضعفها وسستی‌های این سازمان جهانی سازمان ملل که ناشی از فشار شدیدامپریالیسم و صهیونیسم برای حفظ منافع خودمی‌باشد، از آن پشتیبانی خواهیم کرد.

تا کنون ما با لیبی روابط دیپلماتیک نداشته‌ایم و پیش از حل مسالهٔ امام موسی ـ صدر چنین رابطه‌ای برقرار نخواهیم کرد.

بازرگان‌درمصاحبه باخبرگزاری‌پارس: در مذاکراتیکه صریحا" و روشن با برژینسکی مشاور کارتر داشته، اعلام کرده است که امریکا باید روش خود در باره ایران را نسبت به دوران شاه مخلوع تغییر دهد.
بازرگان مذاکرات خود را با برژینسکی روشن و صادقانه توصیف کرد. در این ملاقات موضوع قراردادهای گذشته ایران با امریکاو نیز چگونگی مناسبات و روابط ۲ کشور مطرح شد.
در این ملاقات همراه با بازرگان، یزدی و چمران هم حضور داشتند.

پاکتر از دکتریزدی، صباغیان و امیر ـ انتظام پیدا نکردم.

امریکائیها می‌گویند به‌هیچوجه از شاه سابق استفادهٔ سیاسی بعمل نخواهند آورد زیرا شاه شخص مریضی است که به امریکا پناه آورده است.

دولت و وزارت خارجه یک جور باید عمل بکند، حزب و جمعیت و روزنامه یک نوع دیگه، یا این مساله که چرا ملاقات با مثلا" وزیر مشاور رئیس‌جمهور امریکا تو بوق و کرنا گذاشته نشده بود یا به عرض و اجازه امام نرسیده بود، به نظر من خیلی ایراد واقعا" بجائی آمد. نخست‌وزیری که بخواهد برای ملاقات اجازه بگیرد، بدرد لای جرز می‌خورد.
"مصاحبه‌مطبوعاتی پس‌ازاستعفا"

ما روابط دوستانه‌ای با امریکا داشته‌ایم و آنرا حفظ خواهیم کرد.
"۵۷/۱۲/۲مصاحبه‌بانیوزویک"

کمیته‌های امام و گروههای افراطی خط بزرگ در راه دولت و انقلاب هستند.
"۵۷/۱۲/۹ پیام تلویزیونی"

باید اول سراغ کمیته‌ها برویم و دست و بال آنها را ببندیم.
"۵۸/۱/۵"

شاه در مورد رساندن ملت به تمدن بزرگ حسن‌نیت داشت و واقعا" میخواست که ملتش بزرگترین قدرت شود.
"۵۸/۱/۵"

ارتش اگر می‌خواست می‌توانست ما را براحتی سرکوب کند ولی نکرد.
"۵۷/۱۲/۹"

دولت از حمله به سفارت، "درچندروز پس از پیروزی قیام ۲۲ بهمن" بسیار ناراحت است و مشتاق است که روابط خوب خود را با دولت امریکا از سر گیرد.

لیبرالیسم سازشکار با وجود شکستهایی که در منحرف‌ساختن انقلاب نصیبش شده بود، تسلیم نشد. با حرص و ولعی که برای کسب قدرت واشغال مواضع رهبری داشت، از بازار آشفته واز غیبت یک‌نیروی پیشتاز انقلابی واز سازمان‌نیافتگی توده‌ها و کوتاهی تجربهٔ انقلاب و پیروزی سریع و عقب‌نشینی حساب‌شدهٔ امریکا استفاده کرد از فردای سقوط رژیم سعی کرد کار را از دست شما خارج کند و به خانه‌هاتان باز ـ گرداند. اعلام کرد که‌انقلاب به پایان رسیده است، آسوده به خانه‌ها، ادارات و کارگاهها برگردید، وظیفهٔ شما مردم‌که مبارزه بود ومقاومت و شکنجه‌دیدن و شهادت، گرسنگی‌کشیدن واستقامت همه پایان یافته واکنون نوبت ماست که حکومت کنیم و کارها را روبه‌راه ،کافی است گوش بفرمان باشید. اولین کارش برزمین افکندن پرچمی بود که شما برای مبارزه باامریکا "بعد از شاه" برافراشتید و خاموش‌کردن فریادمرگ بر امریکا بود.
"امت ۴۳، ۱۷ بهمن ۵۸

* *

"یزدی"

اگر کارشناسان خارجی در هر رشته‌ای لازم باشد، ما در اینکه از آنها بخواهیم به اینجا بیایند، تردیدی نخواهیم کرد.
"کیهان ۵۸/۲/۱۶"

اگر امریکا در سیاست خارجی خود واقعیات انقلاب ایران را در نظر نگیرد، مشکلات تازه‌ای در روابط دو کشور بوجود خواهد آمد که امیدوارم این‌چنین نشود.
"کیهان ۵۸/۴/۹"

برژینسکی پرسید آیا سفیر به امریکا می‌فرستید و در پاسخ گفتم در این مورد شما باید تصمیم بگیرید و ما فعلا" تا سطح داشتن کاردار کفایت می‌کنیم.

طبق مقررات بین‌المللی دولت ایران موظف به حفاظت جان و مال اتباع خارجی است و بعنوان دولت از وقوع چنین حادثه‌ای "اشغال‌سفارت امریکا" ابراز تاسف می‌کنیم و نهایت کوشش خود را بکار خواهیم برد تا این مساله بطور رضایت‌بخشی حل شود، معذالک مسئولیت حوادث رامستقیما" متوجه امریکا می‌دانیم.
"مصاحبه‌مطبوعاتی ۵۸/۸/۱۵"

تماس با برژینسکی در جهت تفهیم کردن موضع انقلابی ایران به برژینسکی بوده است.
"مصاحبهٔ مطبوعاتی ۵۸/۸/۱۵"

برژینسکی مراتب پشتیبانی خود را از دولت ایران اعلام کرد و گفت‌این‌پشتیبانی به جهت ماهیت مذهبی است زیرا ما مسیحی و شما مسلمان هستید.

"یک‌هیئت از مستشاران نظامی که متخصص سلاحهای مدرن و پیچیده نظیر جنگنده‌های اف ۱۴ میباشند، حدود یک هفته است به ایران آمده‌اند".
"انقلاب‌اسلامی ۵۸/۳/۳۱"
وزیرامورخارجه، یزدی: این هیئت برای بازخرید و مذاکره در مورد سلاحها به‌ایران آمده‌اند.

تاکنون مجموعه نظرات امام و شورا و دولت بر این بوده است که‌روابط دیپلماسی با امریکا قطع نشود و وزارت خارجه در این چارچوب عمل کرده است. توسعه روابط نداریم و تا موقعیکه مسائل و مشکلات‌گذشته حل نشود، توسعه روابط ما امکان‌پذیر نیست.

روابط ایران و عربستان سعودی طبیعی است، اگرچه ماخواهان تفاهم بیشتری با این کشور هستیم وی عامل اصلی تیره شدن ایران و کشورهای همسایه را سازمانهای جاسوسی اسرائیل وامریکا دانست.
"انقلاب‌اسلامی ۵۸/۶/۱۵"

نظر به اظهارعلاقه و آمادگیهای سایروس‌ونس وزیر امور خارجه امریکا مبنی بر اشاره به دوستی میان دولت ایران و امریکا که گفته است امریکا، حاضر است با ایران روابط حسنه داشته باشد وحتی در مورد مسائل نظامی چنانچه دولت ایران مایل باشد، امریکا حاضر است به ایران کمک نماید. همچنین‌افزود قطعنامه سنای امریکا بااین اظهارات تناقض آشکار دارد.
"کیهان ۵۸/۲/۱۶"

جلوگیری از ورود شاه به امریکا یک ژست حسن‌نیت خواهد بود، حال آنکه اگر به او اجازه ورود بدهند، نشانه دیگری خواهد بود حاکی از آنکه دولت امریکا صادقانه نمی‌خواهد سیاست خود را نسبت به ایران تغییر دهد.
"کیهان ۵۸/۲/۱۶"

جمهوری اسلامی در چارچوب مسائل و مصالح دو کشور آماده همکاری است و قطعنامه سنای امریکا، سیاست دولت امریکا در برابر دولت ایران نیست.
"آیندگان ۵۸/۲/۳۱"

* * *

لااقل از هم‌اکنون بگوئید اسناد موجود در سفارتخانهٔ ایران در آمریکا کجاست و حاوی چه اطلاعاتی است و همچنین اسناد موجود در ممالک اروپائی که بدستور وزیر خارجهٔ لیبرال احتمالا" به تهران حمل و ضبط شد در کجاست، ایشان که مدعی دشمنی با آمریکاست آیا در آن اسناد هیچ دلیل علیه آمریکا ندید که قابل انتشار باشد؟
"امت ۳۵ چهارشنبه ۲۱آذر۱۳۵۸"

اگراسنادی راکه در زمان‌ایشان "یزدی" در پست وزارت امور خارجه از سفارتخانه ـ های امریکاو کشورهای اروپائی که پس از تلگراف ایشان "بنا بگفتهٔ امیرعلائی سفیر ایران در فرانسه" به وزارت خارجه ایران پست شد و اسنادی که از مقر مرکزی ساواک بدست آمده آشکار گردد و برای خلق خوانده شود...
ما از آقای یزدی میخواهیم اگر به این اسناد دسترسی دارند، هرچه زودتر... در یک مجموعه باارتباط و تحلیل انتشار دهند.
"امت ۳۶ چهارشنبه ۲۸آذر۵۸"

* *

بقیه‌ازصفحه۱

۳۸ مبارزه با ایدئولوژیک مکتب اسلام

مقوله‌های اساسی مکتب

روح الهی در بشر قوائی که هم‌اکنون بنام ابلیس و شیطان می‌شناسیم ، ملائکی بودند بدون صفت شیطانی ، زیرا در جهت رشد بشر و بقای جسمانی وی عمل می‌کردند و مانعی در راه او محسوب نمی‌شدند . مخل و مانع نبودند زیرا این‌قوا دقیقا" متناسب با احتیاجات بشر عمل می‌کردند و تاثیر عمل آنان به زیان موجودیت و آینده بشر تمام نمی‌شد . محرک گرسنگی تا وقتی کار می‌کرد که غذای مناسب و کافی به بدن برسد و بعد از آن بلافاصله خاموش می‌شد و احساس سیری دست می‌داد ، محرک شهوت در موقع معین و فقط بمنظور تکثیر نسل بیدار میشد و پس از انجام‌وظیفه بموقع خاموش می‌گشت هر محرکی یا هر قوه‌ای از قوا (ملائک) در حد مطلوب که با مصلحت موجود مطابقت داشت ، عمل می‌نمود و نه بیشتر و نه کمتر لذا ابلیس پیش از ظهور انسان نه‌تنها به اراده خدا و به‌خواست و فرمان وی هم عمل می‌کرد و مطیع بود یعنی منطبق با خواستهای تکاملی و بقای بشر عمل می‌کرد . محرک خشم و یا ترس در محدوده حفظ حیات فرد وارد عمل می‌شدند ، جنگ و کشتار هم فقط برای دفاع از حیات رخ می‌داد و "تجاوز" معنا پیدا نمی‌کرد . اما وقتی بشر بسوی انسان شدن تطور یافت ، همراه با کسب روح الهی ، استعدادها و قوا و کششهای انسانی کنترل و نظم حاکم بر عمل قوا و تمایلات نفسانی وی سست شدند و چون اسب افسار-گسیخته‌ای رها شدند . البته هنوز هم این قوا (ملائک - ابلیس) وظایف مشخصی دارند که بدون وجود آنان ادامهٔ حیات وفعالیتهای حیاتی ممکن نیست . انسان بدون قوا و تمایلات نفسانی نمی‌تواند زنده باشد ، پس هنوز این قوا نقش گذشتهٔ خود را (به عنوان ملک) انجام می‌دهند ، اما چون حد و مرز فعالیت آنان از بین رفته ، اگر بحال خود رها شوند ، همچنان بر فعالیت در ورای نیازمندی ادامه می‌دهند . محرک گرسنگی حتی پس‌از آنکه انسان نیازمندی واقعی خود را خورده است ، ادامه مییابد و شخص را وادار به خوردن می‌کند ، محرک شهوت جنسی ، موقع و حدود نمی‌شناسد و اگر بحال خود رها شود ، در همه وقت فعال باقی می‌ماند ، محرک خشم ، ترس ، دفاع و ستیز و نظایر آن هیچیک در فعالیت خود حدی نمی‌شناسند - بهمین جهت در حال عادی و بدون وجود مهارها و نظارت و کنترل عمل آنان ، در وهلهٔ اول به زیان شخص و در وهلهٔ دوم به زیان دیگرمردم و عناصر محیط تمام میشوند . شخص پرخوری میکند و بیمار میشود و سلامت و حیات وی بخطر می‌افتد ، پس محرک گرسنگی (ملک) که برای زنده ماندن لازم و مفید بود و هست ، دراینحالت عملش شخص را بسوی مرگ می‌راند ، یعنی صفت شیطان پیدا می‌کند ، محرک جنسی هم همینطور ، همهٔ تمایلات و انگیزه‌هائی کدهم‌اکنون شیطانی هستند ، در اصل ملک میباشند ، اما در ظرف وجودی انسان خاصیت شیطانی یافته‌اند . عصیان ابلیس به این ترتیب رخ داد که پیش از آن تحت کنترل در جهت بقا و مصالح بشر عمل می‌کرد ، اما وقتی بشر متحول شد و روح خدایی در او دمیده گشت و موجودی شد آزاد ، انتخاب‌گر و با استعدادهای معنوی و روح الهی ، مسیر حرکت و صیرورت او تغییر نمود .

پیشتر در جهت رشد و تکامل جسمانی سیر می‌کرد و صیرورت می‌یافت ، از این پس در جهت رشد و تکامل معنوی و روحی دگرگون میشود . قوای نفسانی یادشده که در آن مرحله هماهنگ با رشد جسمانی و بقای جسم بشر فعالیت می‌کردند ، با جهت عمل قوای روحی و تکامل معنوی انسان هماهنگی نشان ندادند ، آن قوا (ابلیس) حاضر نشد (یا نمی‌توانست) خود را با پدیدهٔ جدید و قوای تازه‌ای که در بشر ظهور کرده بود هماهنگ کند ، لذا در برابر روح الهی در نفس انسان حالت ضدیت و مخالفت بخود گرفت . چگونه؟ - آن قوا و تمایلات اگر می‌خواستند در جهت حرکت انسان بسوی خدا عمل کنند ، باید مانند گذشته بطور خودکار و افسارشده انجام - وظیفه می‌کردند ، در صورتیکه تحول تکاملی بشر ایجاب می‌کرد که آن افسارها گسیخته شوند و بشر از جبر غرایز آزاد گردد و اراده و سکان کشتی وجودش بجای‌غرایز بدست عقل و اراده و قوای تازه سپرده شود . انتقال رهبری وجود شخص از دست غرایز بدست عقل و ارادهٔ آزاد ، عامل و زمینهٔ اصلی عصیان ابلیس میباشد .

نتیجه اینکه برای وجود اصلی ابلیس باید شخصیت دوگانه قائل شد . او ملکی است که در ظرف وجود انسان ، صفت شیطانی پیدا می‌کند و بازدارنده از صورت تکاملی انسان می‌گردد . انسان با کسب تقوی ، یعنی با پرورش روح الهی نفس بر این قوای شیطان‌صفت ، تسلط پیدا میکند و عنان آنانرا در دست می‌گیرد و در اینحالت است که از قوای آنها در جهت اهداف انسانی خویش استفاده میکند ، یعنی از خصلت ملکی آنها سود می‌برد . البته این تا وقتی است که در کنترل کامل ارادهٔ انسان و اسیر دستهای باتقوی شخص هستند ، یک غفلت و رها کردن آنها سبب میشود دوباره شخص را به انحراف و تجاوز و زیاده‌روی وادار کنند و از راه منحرف سازند وسد راه تکامل وی شوند .

البته نباید فراموش کرد که فشار این قوای شیطانی لازم است تاانسان‌استعدادها و قوای خدائی خود را بکار اندازد . اگر شیطان یا قوای شیطانی در راه حرکت انسان مقاومت بخرج نمی‌دادند ، تلاشی هم لازم نمی‌آمد و رشد و تکاملی صورت نمی‌گرفت . از این رو مبارزهٔ دائمی با این قوای شیطانی ، شرط تکامل استعدادهای خدائی میباشد . صیرورت انسان بسوی الله در جریان برخورد این دو دسته قوا تحقق می‌یابد . تا تمایل زیاده از حد خوردن ، شهوترانی ، ثروت‌اندوزی ، قدرت‌طلبی ، سلطه‌جوئی وجود نداشته باشد ، انسان در مبارزه با این قوا ،اراده‌اش نیرومند نمیشود و قوای معنوی و الهی در او رشد نمی‌کنند و به تقوا نمی‌رسد . اگر کسی از صحنهٔ پیکار بین قوای شیطانی و الهی وجود خود برکنار باشد ، هرگز فردی خداگونه و باتقوا نمی‌شود . قوای شیطانی از آنجا که سیری-ناپذیرند ، دائما" در گوش انسان ندای هل من مزید می‌دهند ، دائما" طلب‌میکنند و وصل می‌جویند . اگر قرار باشد انسان به این نداها گوش دهد ، از خواستهای معنوی خود ، از نداهای روح الهی خود غافل می‌ماند و لذا از رفتن ، از شدن بسوی خدا باز می‌ماند . اولین عصیان آدم تحت تاثیر همین وسوسه‌ها انجام گرفت ، قوای نفسانی که سیری‌ناپذیرند ، بی‌آنکه نیازی واقعی داشته باشند ، از او می‌خواستند تا به چیزی که احتیاج ندارد ، دست دراز کند ، از حد و نیاز خود تجاوز کند ، "فوسوس الیه - الشیطان قال یا آدم هل‌ادلک علی شجرةالخلد و ملک لایبلی" طه/۱۲۰

میل به بقاو جاودانگی امری طبیعی است ، اما انسان با زیادخوردن ، افراط در شهوترانی ، با انباشتن ثروت ، با تمرکز قدرت و استثمار ، استیلا و . . . برانسانهای دیگر ، با تملک طبیعت ، عمرش جاودان نمی‌شود ، این حقیقت را نمی‌شود انکار کرد . راه رسیدن به جاودانگی ، تقویت و پرورش قوای روحی و ذخایر معنوی وجود است . اما شیطان ، انسان را به تجاوز از حدود نیازمندیهای جسمانی وسوسه می‌کند و بشر را که خواهان بقا و حیات جاوید است به گمراهی می‌اندازد .- شجرةالخلد : درخت جاودانی و ملک‌لایبلی : و سلطنت نابودنشدنی - (پس شیطان او را وسوسه کرد و گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و سلطنت فناناپذیر دلالت و راهنمائی کنم؟) - پس کار و عمل شیطان منحرف ساختن انسان از راه درست بسوی جاودانگی است . راه درست بسوی زندگی جاوید از مسیر تکامل قوای معنوی انسان می‌گذرد در صورتیکه شیطان با سرگرم کردن شخص به ارضاء بی‌حد و حصر تمایلات جسمانی ، او را از رفتن در آن جهت باز می‌دارد و عمر و فرصتش را تباه می‌کند . "و یریدالشیطان ان یضلهم ضلالا" بعیدا" نساء/۶۰ - شیطان میخواهد تا آنانرا گمراه کند ، گمراهی دور و بعیدی . "یعدهم و یمنیهم و مایعدهم‌الشیطان الا غرورا" نساء/۱۲۰ - آنانرا وعده می‌دهد و به آرزو می‌افکند ولی شیطان وعده‌ای جز فریب نمی‌دهد .

مثلا" این وسوسهٔ نفسانی که برای خوشبخت‌شدن و بدست آوردن امنیت و سلامت ، پول و زور لازم است و در پی کسب آن باید بهرکاری تن داد ، یک وعدهٔ دروغ و فریب شیطانی است ، زیرا شخصی که گول این وعده را می‌خورد ، پس‌از آنکه پول و زور بدست می‌آورد ، می‌بیند نه از امنیت چیزی است ، نه عافیت‌وخوشبختی . سرگرمیها و لذاتی چون خماری شراب و لذت قمار و یا رباخواری و استثمار ، همه و همه ریشه در نفس انسان دارند ، صفت شیطانی دارند ، زیرا بازدارندهٔ انسان از توجه به نیازهای معنوی و عمل خدایی می‌باشند . شخصی که به این نوع اعمال دست می‌زند ، در حقیقت این قوا بر وجود او مسلط شده و اراده‌اش را در اختیار گرفته‌اند . "الذین یاکلون‌الربا لایقومون الا کما یقوم‌الذی‌یتخبطه‌الشیطان‌من‌المس" بقره/۲۷۵ - کسانی که ربا می‌خورند ، برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که شیطان وی را مسخ کرده و در اختیار گرفته است . به عبارت دیگر تکرار عمل شیطانی و پیروی مداوم ازوسوسه‌های شیطانی سبب میشود تمامی شخصیت فرد زیر سلطه و نفوذ این وسوسه‌ها قرار گیرد و مثلا" یکسره انسانی قدرت‌طلب ، پول‌پرست ، شهوتران ،آدمکش و جنایتکار می‌گردد ، بطوریکه همهٔ اعمالش شیطانی میشود و خود بیک قوهٔ محرکهٔ شیطانی تبدیل می‌گردد ، یعنی همان وسوسه‌هائی که قوای نفسانی به او می‌کردند او در جامعه انجام می‌دهد و سرچشمهٔ فساد و تجاوز و فقر و استثمار می‌گردد . یک کاسب معمولا" در وسوسهٔ گران‌فروشی ، کم-فروشی ، ظلم و تجاوز به دیگران‌وجمع‌آوری پول و ازدیاد ثروت و احتکار است ، اگر تقوا داشته باشد ، کمتر اسیر و تابع این وسوسه‌ها می‌شود ، ولی ممکن است گمگاه بلغزد و خطا کند . اما اگر در اثر ضعف ایمان و آگاهی و تقوی در همه‌حال به تجاوز و ظلم و احتکار و استثمار دست بزند ، شخصیتی شیطانی پیدا میکند - خودشیطان شده است - از این رو مستکبرین ، کافران ، متجاوزین و ستمگران ، جنایتکاران ، استثمار - گران ، رباخواران ، محتکران ، مستبدان در فرهنگ اسلام ، شیطان شمرده میشوند . "ان‌المبذرین کانوا اخوان‌الشیاطین" .
اسراء/ آیه ۲۷

امام علی‌بن ابیطالب بازارهاراجایگاه شیاطین می‌داند ، زیرا در این بازارهای غیراسلامی ، محتکران ، استثمارگران ، ربا - خواران ، پناه گرفته به اعمال شیطانی اشتغال دارند "وایاک و مقاعدالاسواق فانها محاضرالشیطان و معاریض‌الفتن" نهج‌البلاغه نامه ۶۹ - برحذر باش از سکنی‌گزیدن در بازارها که آنجاها محل حضور شیطان و صحنهٔ ظلم و فتنه و تبهکاری است .

ادامه‌دارد

> تحول تکاملی بشر ایجاب می‌کرد که آن افسارها گسیخته شوند و بشر از جبر غرایز آزاد گردد و اراده و سکان کشتی وجودش بجای غرائز بدست عقل و اراده و قوای تازه سپرده شود ، انتقال رهبری وجود شخص از دست غرایز بدست عقل و ارادهٔ آزاد ، عامل و زمینهٔ اصل عصیان ابلیس میباشد .

> میل به بقا و جاودانگی امری طبیعی است ، اما انسان با زیادخوردن ، افراط در شهوترانی ، باانباشتن ثروت ، با تمرکز قدرت و استثمار ، استیلا و . . . بر انسانهای دیگر ، با تملک طبیعت ، عمرش جاودان نمی‌شود ، این حقیقت را نمیشود انکار کرد . راه رسیدن به جاودانگی ، تقویت و پرورش قوای روحی و ذخایر معنوی وجود است .

عاملین شکنجه و هرج و مرج باید مجازات شوند

بقیه‌ازصفحه۱

امپریالیسم و ضدانقلاب توانستند در این نهادها نفوذ کنند و بالطبع آنها که از زیرکی بیشتری برخوردار بودند ، و حفظ ظاهر کردند ، مدت بیشتری توانستند دوام آورند و هم‌اینک نیز نمی‌توان وجود عناصری از بقایای آنان را در نهادها نادیده‌گرفت . شکنجه و رفتارهای‌غیراصولی چه در برخورد با مسائل مردم ، چه گروهها که دیده شده بخشی از آن به وجود چنین عناصر و جریانات و باندهای فرصت‌طلب و انحرافی برمی‌گردد که تحت پوشش‌انقلاب کوشیدند به تشدید تضادهای درون‌خلقی دامن بزنند و درمواردی نیز بر این مساله توفیق یافتند . جریانات قشری و انحصار - طلب که قادر نبودند مشکلات و تنگناها را در یک حرکت پیشتازانهٔ مکتبی حل کنند ، به مواضع عکس‌العملی در قبال عملکرد گروهها افتادند و بجای برخورد اصولی با جریانات فکری - سیاسی جامعه ، توصیه و برنامه‌ریزی برای حمله به دفاتر سازمانها ، باند آتش‌زدن کتابها و . . . نمودند . که خود بهترین فرصت و زمینه‌ها را برای رشد جریانات مشکوک وابسته‌ای که در ارگانها نفوذ کرده بودند ، فراهم ساخت و عملا" یک راست‌روی‌افراطی‌را در جامعه مشروعیت بخشید . بعنوان نمونه باندهای فرصت‌طلب و ضدانقلابی همچون ماشاءالله‌قصاب که مدتها نیز در زندان اوین و کمیتهٔ سفارت امریکا! مشغول انجام‌وظیفه! بوده ، طبعا" بدنبال خود توانسته سوءاستفاده‌ها و رفتارهای ضدانقلابی و شکنجه و عمده‌کردن و تشدید تضادهای درون‌خلقی را فراهم آورد . وجود چنین جریانات انحرافی در دستگاهها و نهادهای کشور که از مدتها پیش حس میشد ، از طرف مسئولین با خونسردی و غمض‌عین تحمل شد و حتی در مواردی از آنها حمایت بعمل آمد .

این باندها که تحت پوشش هیاءتها و انجمن‌ها هنوزهم فعالیت دارند ، در حمله به گروهها و احزاب و حمله به کتابفروشی‌ها و آتش‌سوزی‌ها و ایجاد زدوخورد و هرج و مرج ، نقش محوری راایفامیکنند . چماقداری که بنام یک پدیدهٔ اجتماعی از آن نام برده میشود ، حاصل دست‌آورد این باندها می‌باشد . در حوادثی که اغلب هر روزه در گوشه وکنار کشور اتفاق می‌افتد ، میتوان ردپای اینچنین عناصری را بدست آورد . وقتی با یک پدیده اجتماعی و عامل انحرافی برخورد اصولی نشد ، خودبخود موجب رشد و گسترش آن پدیده گشته و بر قدرت و سیطرهٔ آن افزوده می‌گردد . حمله به کتابفروشی‌ها اگر در ابتدا جلوگیری می‌شد و برخورد قاطعی با عاملین آن بعمل می‌آمد ، امروز ضدانقلاب نمی‌توانست با توسل به شیوه‌هائی نظیر آن ، در صدد تخطئهٔ انقلاب برآید و به جو آشوب و ناامنی دامن بزند . حقیقت آن است که جو محیط به‌گونه‌ای مسموم شد که رفتارهای غیر اصولی و جریانات انحرافی را پروبال داد و حمایت کرد . زدوخوردها و ضرب و شتم‌ها و در مواردی ترورهائی که هم‌اینک صورت می‌گیرد و بتازگی در لرستان شاهد نمونهٔ جدیدی از آن بودیم و یا درگیری‌هائی که در شهرهای شمال اتفاق افتاد ، مسلما" جز به زیان انقلاب و رشد ضدانقلاب نمی‌تواند باشد ، هم‌چنانکه گروههائی نظیر گرگ شب و . . . از هم‌اکنون به شکار پاسداران در شب پرداخته‌اند و با توسل به چنین شیوه‌هائی سعی دردامن‌زدن به جو آشوب و ناامنی می‌نمایند و این بهمراه گروههای قشری دیگری که در شهرستانها دست به اعمال و رفتاری می‌زنند که حتی خود مسئولین نیزاکنون از مقابله‌با آن عاجز مانده‌اندو شب و روز در گوشه و کنار کشور حادثه‌آفرینی می‌نمایند و این خود به تمهیداتی که انقلاب را از داخل تهدید می‌کند ، می‌افزاید .

امپریالیسم جهانی نیز در مواجهه با انقلاب اسلامی ، همواره کوشیده آنرا تخطئه کند و آنرا در اذهان برخلاف حقوق انسانی جلوه دهد و متهم به "خشونت" و "وحشیگری" و "بربریت" نماید ، وقوع چنین حوادثی ، خوراک تبلیغاتی مناسب برایش فراهم میسازد و نالهٔ منادیان حقوق بشر! را بگوش جهانیان میرساند .

مسالهٔ شکنجه بخصوص در مورد کسانی که بجرم تبلیغ عقیده و مرام و مشی سیاسی فکری خاصی دستگیر میشوند ، اینک مطلبی است که از زبان خود مسئولین نیز هرچند به کنایه و تحت عناوینی نظیر تعذیر شنیده میشود . البته با این فرق اساسی که تعذیر را هیچگاه برای اقرار گرفتن! توصیه‌نکرده‌اند . وجود چنین اعمالی غیرانسانی که خواه‌ناخواه به حرمت و حیثیت جمهوری اسلامی خدشه وارد می‌کند ، بود که امام خمینی را واداشت تا دستور تشکیل هیاتی برای رسیدگی و بررسی وجود شکنجه‌بنماید بخصوص این نکته مهم بود که‌امام تاکید کردند افراد این هیات نبایستی وابستگی به هیچیک از جناحهای حاکم داشته باشند زیرا وجود عناصر و جریانات وابسته به یکی از دو جناح حاکم در نهادها و ارگانها می‌توانست مانعی برای دریافت حقیقت ماجرا باشد . اکنون مدتی است که از شروع کار هیات بررسی شکنجه می‌گذرد ولی تاکنون هیچ‌گونه اظهارنظر رسمی از طرف آنان ابراز نشده است ولی با اظهاراتی که در حول و حوش مساله میشود و چنانکه‌گفته میشود ممکن است هیات بررسی - اگرنسبت به انگیزهٔ آنان خوشبین باشیم - برای حفظ حیثیت انقلاب وجمهوری اسلامی از اعلام صریح وجود شکنجه‌های انجام‌شده خودداری کند و آنرا پرده‌پوشی نماید . در صورتیکه بنظر ما اگر برخورد صریح با این مساله نشود ، علاوه بر آن که عاملین آن از مجازات جان سالم بدر می‌برند ، بلکه در آینده نیز برهمین اعمال ضدانسانی - ضد اسلامی‌خودادامه‌خواهندداد . هیچ‌چیزمانند گفتن حقیقت نمی‌تواند رهائی‌بخش باشد زیرا که حقیقت همیشه بنفع جریانات حق - طلب و رو به رشداست . اعلام صریح اینگونه اعمال ، دست باندهای فرصت‌طلب و جریانات انحرافی را افشا کرده و راه را بر سوءاستفاده‌های بعدی می‌بندد .

جریان لیبرالی و طیف‌های همراه آن می‌کوشند از وجود چنین زمینه‌ای برای بحاکمیت رسیدن خود و سقوط دولت بهره‌برداری تبلیغاتی کنند . از این رو درباره آن غلو میکنند . از طرف دیگر جناح رقیب نیز سعی دارد کلا" مساله وجود شکنجه را منکر شود و آن را صرفا" حربه تبلیغاتی جناح مقابل قلمداد کند . اما جز از طریق اعلام صریح و طرد و مجازات عاملین و مسئولینی که در اعمال شکنجه دست داشته‌اند ، ممکن نیست که بتوان جلوی ضربه‌ای راکه از این طریق بر حاکمیت انقلاب واردمی‌آید ، گرفت . وجود جریانات فرصت‌طلب و انحرافی را نمی‌توان به این بهانه که با آبروی‌انقلاب گره خورده است نادیده گرفت ، اشکال اصلی آن هنگام شروع میشود که یک انقلاب به حذف و طرد این عناصر و باندها اقدام نکند . از این رو ما ازهیئت بررسی شکنجه مصرا" خواهانیم تا بزودی با تکمیل مدارک و شواهد موجود و ارائهٔ آنها از طریق وسایل ارتباط‌جمعی عاملین و دست‌اندرکاران شکنجه را معرفی و افشا نمایند و مجازات عاملین اینگونه اعمال را خواستار شوند .

دولت و مسئولین وزارت کشور و دیگر ارگانهای مسئول،وظیفه دارند بیش از این اجازه ندهند کنترل امور از دست خارج شود و آنارشیسم و هرج و مرج بر کشور سایه گستراند . علیرغم تمام توصیه‌های امام هنوز هم مشاهده میشود از برخی افراد صادق در ارگانها برای حمله به گروهها و اماکن استفاده میشود . درگیریهائی که در شهرهامنجر به قتل میشود ، اکنون اوج گرفته و تا وقتی ریشه‌های اساسی آن خشکانده نشود ، هم‌چنان‌ادامه خواهد داشت ، هر روز که می‌گذرد ، قتلی و فاجعه - ای تازه رخ می‌دهد ، هرچند نمی‌توان در پیدایش این حوادث نقش بعضی گروهها را منکر شد ، ولی همواره هشیاری مسئولین میتواند جلوی بسیاری از این حوادث را بگیرد . عدم قاطعیت و نایی‌گیری که در رفتارمسئولین چه در مورد برخورد بامسالهٔ شکنجه و چه با مسالهٔ حمله به گروهها و اشخاص و آزارها و تهدیدها و . . . میشود ، خود موجبات رشد چنین جریاناتی را پدید خواهد آورد و هرچند بصورت مقطعی ممکن است ظاهرا" بسود جریاناتی خاص عمل نماید ولی از آنجا که زمینهٔ آشوب و هرج و مرج و درگیری و نزاع داخلی را فراهم می‌کند ، در نهایت جز تمهید تسلط مجدد امپریالیسم نقشی نخواهد داشت .

> مساله شکنجه بخصوص در مورد کسانی که به جرم تبلیغ عقیده و مرام و مشی سیاسی- فکری خاصی دستگیر می‌شوند اینک مطلبی است که از زبان خود مسئولین نیز هر چند به کنایه و تحت عناوینی نظیر تعذیر شنیده میشود !

مقدمه‌ای بر: (۱۵)

مسئلهٔ تشکیلات و سازماندهی

وحدت تشکیلاتی

اساس وحدت درون‌تشکیلاتی هم در این نوع سازمانها دچار دگرگونی میشود. وحدت‌درابتدابروحدت‌مکتبی (ایدئولژیک) و انسجام و وحدت تدریجی خصلت‌ها مبتنی است، افراد با آگاهی و با آزادی، اصول را می‌پذیرند و در پرتو مکتب، براهنمائی آن وارد عمل مشترک و مبارزه تشکیلاتی میشوند. و با توجه به سرمشقهای اخلاقی و اصول خودسازی، خصلتهای نادرست و انحرافی را دور می‌ریزند و انگیزه‌ها و خصلتهاشان را بهم نزدیک می‌سازند، بطوریکه‌تداوم‌وحدت ویکپارچگی در داخل تشکیلات، به ادامه و تجدید وحدت فکری وادامهٔ خودسازی ونزدیکی و وحدت هرچه بیشتر خصلت‌ها و انگیزه‌ها وابسته میگردد. اما درسازمانهای فوق‌الذکر که قدرت‌طلبی و خودمحوری بر آن سایه افکنده است، با وجودیکه در ابتدا وحدت تشکیلاتی را بر پایهٔ وحدت ایدئولوژی و همسازی خصلتی و خودسازی مکتبی کسب کرده‌اند، بهمان میزان که از آن معیارها دور میشوند و کار مکتبی و خودسازی بی ـ اهمیت می‌گردد، راههای تازه‌ای برای حفظ وحدت و انسجام درون تشکیلاتی انتخاب میشود. رهبران این سازمانها که تحت‌تاثیر اخلاقیات استکباری به مطلق‌گرائی دچار می‌شوند، وحدت اولیه مکتبی را کامل پنداشته، نیازی به تجدید و بارور ساختن آن احساس نمی‌کنند، به تصحیح و تکامل برداشتهای مکتبی معتقد نیستند، اصول عقاید و نظریات خود را مطلق و بی‌عیب و نقص می‌پندارند، از این رو از اعضاء خود در این زمینه تقاضای تقلید دارند، وحدت تشکیلات از این پس با اعمال حاکمیت از بالا تامین میشود، چون تبادل‌نظر و رای از اعضاء سلب میشود. معمولاً" بین جزمیت فکری (دگماتیسم) و استبداد سازمانی رابطه ـ ای مستقیم وجود دارد. هر وقت در یک تشکیلات ـ یا در جامعه‌ای ـ جزمیت عقیدتی حاکم شد، بدنبال آن استبداد سیاسی و حاکمیت یک جانبه مرکزیت و رهبری اجتناب‌ناپذیر است. خود مطلق ـ بینی در زمینه مکتب و خط مشی سیاسی، خواه‌ناخواه رهبری تشکیلات را به اعمال روشهای دیکتاتورمآبانه وادار میکند. اختلاف‌نظر بمثابه یک خطر جدی تلقی میشود وچون اساس وحدت وقدرت‌تشکیلات بر حاکمیت قاطع و بلامعارض مرکزیت قرار می‌گیرد، و هر جدائی از تشکیلات بمثابه ضربه‌ای بر قدرت سازمان تلقی میشود، لذا در برابر آن بسختی موضعگیری می‌کنند.

> *در نتیجهٔ این تامل و نگرش از سازمان، مبارزه، علم و رابطهٔ آن با زیربنای فکری و عقیدتی است که ایدئولوژی و جهان‌بینی عملاً" نقش خود را بعنوان راهنمای عمل از دست می‌دهد. ایده‌آلهای مکتبی بصورت شعار حفظ و تکرار می‌شود و حتی در این مورد تاکید و افراط زیادی بعمل می‌آید. اما در آموزش عمل و خودسازی، آن اصول و ایده‌آلها نیستند که راهنما می‌باشند، بلکه تجربیات تشکیلاتی و دستآوردهای مبارزات گذشته مربوط به هر حزب و گروه که باشد ارزش علمی دارند*

معمولا هدف مناسبی برای سازمانهایی هستند که از شیوه برچسب‌زنی برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می‌کنند.

اما کارآیی این شیوه در عمل به اثبات رسیده است. اگر مارک راست‌وارتجاعی بزنند، چپ‌روی میکند و اگر مارک چپ و منافق و نامسلمان بزنی، راست‌روی میکند. این سازمانها چون مفید بودن شیوه فوق را در عمل اثبات‌شده میبینند، بعنوان یک روش علمی پذیرفته و بکار می‌گیرند و کار ندارند که تاچه‌اندازه با مبانی مکتبی سازگاری دارد. پراکندن شایعه و دادن اطلاعات نادرست و دروغ برای بدست آوردن نتایج خاص سیاسی و تاثیرات و عکس‌العملهای مورد نظر، در ردیف همین شیوه‌ها قرار دارند. بالاتر از اینهامناسبات درون‌تشکیلاتی است که کاملاً" بیگانه و متضاد با اصول است، اما چون در تجربه مفید بودن آنها برای حفظ انسجام و وحدت تشکیلات و حاکمیت رهبری و جلوگیری از بروز اختلاف‌نظر ورای و احیاناً" انشعاب ثابت شده‌است، بعنوان شیوه‌های علمی تلقی و معتبر میباشند. تمام مظاهر و عملکردها و مناسباتی که در بخشهای گذشته درباره این نوع سازمانها شرح دادیم مبتنی بر این شیوهٔ شناخت و تلقی از علم میباشند.

در نتیجه این تلقی و نگرش از سازمان مبارزه، علم و رابطه آن بازیربنای فکری و عقیدتی است، که‌ایدئولوژی و جهان‌بینی عملاً" نقش خود را به عنوان راهنمای عمل از دست میدهد. ایده‌آلهای مکتبی بصورت شعار حفظ و تکرار میشود و حتی در این مورد تاکید و افراط زیادی بعمل می‌آید، اما در آموزش عمل و خودسازی، آن اصول و ایده‌آلها نیستند که راهنما میباشند بلکه تجربیات تشکیلاتی و دستآوردهای مبارزات گذشته مربوط به هر حزب و گروه که باشد ارزش علمی دارند.

سازمان شوند، بیشتر در راه پیشبرداهداف آن تلاش و فداکاری بعمل آورند و وفاداری و تعصب بیشتری در دفاع از آن بخرج دهند. این شیوه‌ها اساساً" جنبهٔ روانی دارند. برانگیختن احساسات جمعی، استفاده از تاثیر روانی شعارها، سرودها، مراسم پراحساس، تلقین، جوسازی، بزرگ‌ـ نمایی، نمایشهای جذب‌کننده به فراوانی بکار میرود، یعنی بیشتر از آنچه عقل اعضاء را بکار وادارند، احساساتشان را به بازی می‌گیرند.

اگر از مضمون شعارها و شیوه‌ها و مناسبات صرفنظر کنیم، حزب نازی آلمان و سایر احزاب فاشیست دنیا بهمان میزان و شاید بیشتر از احزاب مارکسیستی و سازمان های مقلد این احزاب روشهای فوق را بکار برده و تکامل بخشیده‌اند.

مفهوم پیروزی وشکست

در سازمانها و تشکیلاتی که بر پایه اصول به اصطلاح علمی و تجربه و فن و دانش مبارزه فعالیت دارند، پیروزی و شکست مفهومی دارد که با معادل آن در یک سازمان مبتنی برجهان‌بینی توحیدی تفاوت اساسی دارد. دراین سازمانها چنانکه شیوه علمی اقتضا دارد، پیروزی وقتی تحقق می‌یابد که سازمان به هدف خودکه کسب قدرت است برسد. در اینجا هم پیروزی نهایی و پیروزیهای مرحله‌ای وجود دارد. پیروزی نهائی پس از کسب قدرت حاصل است و پیروزیهای مرحله‌ای وقتی است که هر بارخط مشی و یا تاکتیکهای تشکیلات با موفقیت روبرو می‌گردد، در غیر اینصورت، تشکیلات خود را شکست ـ خورده می‌داند. این نحوه تلقی از پیروزی و شکست را میتوان با کار دانشمند و محققی تشبیه کرد که درصدد ساختن ترکیب تازه‌ای یا کشف پدیده‌ای است. در هر آزمایش اگر یک قدم به مقصودنزدیک شد، توفیق را نصیب می‌داند و یا اگر توانست آن ترکیب را بسازد یا پدیدهٔ مورد نظر را کشف کند، پیروزی را مسلم خود کرده است و اگر نتوانست، طعم تلخ شکست را تجربه‌میکند. جنگ و روشها و خط مشی‌هائی که در جنگ بکار میرود، شاید مثال گویاتری باشد. هر کدام از قوانین نبرد، پیروزی را فقط در غلبهٔ کامل بر حریف می‌شناسند، بهمین جهت با هر خط مشی یا تاکتیکی که بکار می‌برند، اگر دشمن را یک گام یا یک مرحله عقب براند و همچنین تضعیف کند، آن اقدام را پیروزمند می‌خوانند والا معتقدند که در اقدامات خود ناکام بوده‌اند. روبهم رفته تلاشها و اقدامات آنان وقتی درست بوده است که پیروزی نهائی کسب شود. اگرنه، آن اقدامات را نادرست و خطا یا ناکامی قلمداد می‌کنند.

نزد این افراد یا گروهها و سازمانها اگر فعالیتها و مبارزات منجر به کسب قدرت و پیروزی بر حریف نشود، خود را بکلی بازنده دانسته، معتقدند که در آنمدت و از آنهمه تلاش و فداکاری "چیزی" بدست نیاورده‌اند و ارزیابی اساسی اقدامات فقط در نهایت کار ممکن است ـ به‌اصطلاح جوجه را در آخر پائیز می‌شمارند. در ضمن عمل و برای تک تک اقدامات و تاکتیکها، ارزشیابی و تعیین پیروزی یا شکست‌نادرست است، در این بینش نمی‌توان روی یک یک اعمال قضاوت ارزشی کرد، زیرا چه بسا کاری که الان انجام میشود، در پیروزی نهایی دخالت دارد. چون معیار اصلی پیروزی و شکست کسب قدرت است، لذا تدریجاً" استفاده از هر وسیله‌ای برای رسیدن به مقصود و در آغوش گرفتن پیروزی مجاز شناخته میشود. این تلقی از پیروزی و شکست سبب میشود که سازمان و حزب در انتخاب روشها و وسایل و راههای بدست آوردن موفقیت وسواس بخرج ندهند و آنرا بمثابه یک معادله ریاضی در نظر گیرند که باید راه‌حل آن پیدا شود و سپس با هر وسیله ممکن دنبال گردد. این نگرش با تلقی که یک فرد مکتبی معتقد به جهان ـ بینی توحیدی از شکست و پیروزی دارد، کاملاً" فرق دارد و اختلاف مزبور بازمیگردد به آگاهی و ایمان به هدف اصلی و نهائی زندگی که تعالی و کسب حیات برتر یا آخرت‌گرائی است.

و آنرا خیانتی به تشکیلات می‌شمارند و اختلافات درون‌سازمانی بجای آنکه از طریق تبادل‌نظر آزاد و تجدید وحدت ایدئولوژیک و سیاسی و بر اساس معیارهای اخلاقی مکتب رفع شود، با اعمال اتوریته سازمانی و از طریق تصفیه‌های گیگاه خونین تسویه می‌کنند. جدا شدن یک فرد بصورت یک فاجعه بمثابه یک شکست بزرگ درمی‌آید بهمین جهت از افشای آن بشدت جلوگیری میکنند و فرد جدا شده را زیر باران تهمت و افتراهای غیرواقعی گرفته، به انواع انحرافات و خیانتها متهم می‌سازند. مسلماً" باید بین افرادی که دراثر اختلاف عقیده باتشکیلات راه خود را جدا می‌کنند، با کسانی که از سر خیانت و غرض یا روی خصلت‌ها و انحرافات اخلاقی و غرض و بیماری از مبارزهٔ تشکیلاتی دست می‌کشند فرق گذاشت، ولی در هر صورت برای تشکیلاتی که شیفتهٔ قدرت است، چنانکه گفتیم جدائی حتی یکنفر هم ضربه‌ای هولناک و غیرقابل تحمل میباشد. بهمین جهت سعی می‌کنند از بروز اختلاف و درز کردن آن به خارج به‌شدت جلوگیری کنند و برای اینکار دیوار آهنینی بدور سازمان می‌کشند و سیستم پلیسی و جاسوسی را توسعه می‌دهند. روشهای معروف به شیوه‌های استالینی خاستگاه مشابهی دارند. در آنجا هم جزمیت عقیدتی، دیکتاتوری تشکیلاتی را بدنبال آورد، از آن پس حفظ حاکمیت رهبری وانسجام تشکیلات و وحدت مکتبی، اعمال روشهای معروف به استالینی لازم آمد. تصفیه‌های خونین وخشونت و کاربرد روشهای پلیسی و محاکمات وزدن‌برچسبهای خیانت و راقضی‌گری به مخالفان معمول شد.

سیاست دیگری هم در این نوع سازمانها برای حفظ وحدت تشکیلاتی و جلب وفاداری اعضاء دنبال میشود. قهرمان‌سازی از شخصیت‌ها ورهبران است. بهمان میزان که نقش مکتب و خط مشی سیاسی در حفظ وحدت اعضاء کاهش پیدا میکند، ضرورت اعمال روشهای غیراصولی مثل اتوریته تشکیلاتی ـ تقدس سازمان و قهرمان‌سازی و تکیه روی شعارها و احساسات افراد بیشتر میشود. دور شدن تدریجی از خط اصیل مکتب و جداماندن از واقعیت‌ها در اثر خودمحوری و خودمطلق‌بینی. سازمان را به جائی میرساند که تجدید وحدت بر اساس مکتب، جز باقبول‌تغییرات بنیادی و تجدیدنظر اساسی در مواضع فکری و سیاسی ممکن نخواهد بود. رهبران معمولاً" بجای اینکارکه ضایعات شدیدی به قدرت کمی سازمان وارد می‌آورد، بهمان شیوه‌های استالینی متوسل میشوند و با افزودن بر فشار تبلیغاتی و بازی با احساسات اعضاء و تشدید درگیری‌ها و مشغول ساختن آنان به دشمنان واقعی و یا خیالی و تحریک هرچه شدیدتر احساسات کینه‌توزانه نسبت به مخالفان سازمان و رهبری، و شیفتگی و تسلیم‌طلبی نسبت به تشکیلات و مرکزیت و رهبری آن، فرصت تفکر و ارزیابی و برخورد تحلیل‌گرانه با قضایای سازمان نمی‌دهند. مطلق‌سازی شیوهٔ موثری در حفظ علاقه و تعصب و وفاداری اعضاء به یک مکتب و تشکیلات است. رهبر، مرکزیت، سازمان، خط مشی شعارهاو هرچه که بنحوی باحاکمیت‌قدرت‌ـ طلب ارتباط دارد، مطلق میشود وتقدس می‌یابد.

دیوارهای آهنین در اطراف سازمان تا مدتی میتواند از بروز و ظهور اختلافات جلوگیری کند و حاکمیت بر قدرت رهبری وحدت و انسجام درونی را حفظ کند، اما اگر این تمهیدات و اقدامات، سازمان را از لحاظ کمی رشد و در اثر تبعیت بی‌چون و چرای افراد بدون تحرک و یکپارچگی می‌بخشد، زمینه را برای انشعابات بزرگ یا تصفیه‌های سفید و سرخ آماده می‌سازد.

میتوان گفت که شخصیت فرد دراین سازمانها فدای تشکیلات و مصالح قدرت میشود، استقلال فکری اعضاء از بین میرود و تبعیت و تقلید جای اجتهاد، احساسات جای تعقل، شعار جای تحلیل، و فحش و ناسزا جای استدلال، تهمت وبرچسب جای بحث و اقناع و زرنگی و سیاسی‌کاری جای عمل صالح، ارزش و اعتبار پیدا میکند.

لازم است که به‌ریشهٔ فکری وایدئولوژیک دیگر این طرز نگرش به تشکیلات اشاره‌ای بکنیم. در بالا به مساله قدرت و مفهوم آن در جهان‌بینی غیرتوحیدی یا دنیاگرا اشاره شد. سازمانهای فوق‌الذکر معمولاً" به‌مبارزه و امر سازماندهی به عنوان یک فن یا علم نگاه می‌کنند، شنیده‌ایم که مبارزه را علم تعریف کرده‌اند. در دیدگاه فلسفی آنان علم تعریف خاصی و معینی دارد. در این تعریف علم شامل معلومات و نتایج و قانونمندیهائی است که از تجربهٔ علمی بدست می‌آید. بهمین جهت به عمل و تجربه اصالت میدهند، هرچیز از تجربه حاصل شود، و در عمل مفید باشد علمی است و راهنمای عمل بعدی قرار می‌گیرد. سازمان و تشکیلات برای بدست آوردن قدرت بوجودمی‌آید. بهترین و مؤثرترین شیوهٔ سازماندهی و مبارزه را تجربه بما یاد میدهد. باید به آنچه از راه تجربه بدست آمده اعتماد کنیم و بکار بندیم. درحقیقت مبارزه و علم و سازماندهی هم فن است که باید آموخته شود، چنانکه شیمی و مکانیک هم علم و فن است که باید آموخته شوند. هرکس این علوم وفنون را بیاموزد، میتواند بکار برد و استفاده کند، حال فرق نمی‌کند که آن فرد جهان‌بینی الهی یا مادی داشته باشد. مسلمان یا مشرک، مارکسیست یا موحد، مسیحی یا یهودی باشد، علم برخاسته از تجربهٔ علمی است، همه‌کس میتواند تکرار کند و بکار بندد.

علم مبارزه و فن سازماندهی بزعم آنان در همه‌جا یکی بیش نیست. همچنانکه علم شیمی و فن خلبانی در همه‌جامشابه و یکسان است، امریکا باشد یا شوروی، چین یا فرانسه تفاوت ندارد. با این ترتیب به وجود رابطه‌ای بین جهان‌بینی و مبارزه و سازماندهی قائل نیستند، یا عملاً" این رابطه و پیوند را قطع میکنند.

برای مثال پیشتر متذکر شدیم که سازمان مجاهدین خلق، براساس‌ایدئولوژی اسلامی و جهان‌بینی توحیدی تشکیل شد، بر اساس روش شناخت ویژه‌ای که مبنای عمل قرار دارد (بعداً" توضیح خواهیم داد) به مبارزه و سازماندهی به عنوان علم نگاه کرد، علمی که ربطی با جهان‌بینی ندارد واز هرجا که بهتر تجربه شده و تکامل یافته، میشود آموخت. بنیان‌گزاران سازمان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که مارکسیسم علم مبارزه را در بر دارد و صرفنظر از زیربنای فلسفی، اصولاً" همان علم مبارزه است و مارکسیستها علم و فن سازماندهی را تکامل بخشیده‌اند، لذا هردو، هم طرز مبارزه وهم اصول‌سازماندهی را باید از آنان بیاموزند و اقتباس کنند، ملاحظه میشود که اعتقاد بنیانگزاران سازمان به جهان‌بینی توحیدی بهیچوجه مانع از آن نمی‌شود که اصول و علم مبارزه و فن تشکیلات را از مارکسیسم و سازمانهای مارکسیستی بیاموزند و تقلید کنند. یا این نگرش، آنان علم و فن را جدا و مستقل از ایدئولوژی و جهان‌بینی در نظر می‌گیرند و درحقیقت تعریف پیرامون فلسفهٔ تحقق (پوزیتـویست‌ها) رادرباره علم‌می‌پذیرند و مبنای عمل قرار می‌دهند. نشانه کاملی که در شیوه‌ها و اصول مبارزه و سازماندهی بین سازمان مجاهدین‌خلق وسایرسازمانهای مارکسیستی دیده میشود، از این مبنا بر ـ می‌خیزد.

در این نحوه نگرش به امرمبارزه و تشکیلات، هر اقدام و عملی که افراد را زودتر به مقصود برساند و در تجربه‌های مکرر، سودمندی آن ثابت شود، اقدامی علمی است و باید دنبال شود. نتیجه آنکه عمل و تجربه، تنها معیار و ملاک تشخیص درستی یا نادرستی، سودمندی‌یازیانمندی یک روش قرار می‌گیرد.

ضرورتی ندارد که این ملاکها و یا حاصل آن تجربیات با اصول و معیارهای فلسفی و مکتبی ارزیابی شوند، زیرا بر اساس تعریفی که از علم و واقعیت و حقیقت قبول شده است، حقیقت همان است که در عمل صحت و سودمندی آن اثبات شده، بطور مثال چون در عمل و طی تجربیات متعدد ثابت شده است که شیوه برچسب زدن (مارکزنی) موجب میشود که مخالفان زیر تاثیر فشار روانی و اجتماعی ناشی از آن برچسب دست از مخالفت باآن‌تشکیلات و یا دست از عقاید خود بکشند، زیرا ممکن است حیثیت و آبروی آنها در جامعه تنزل کند و افراد با تحقیر و سرزنش به آنان بنگرند و تدریجاً" خود را مطرود و منزوی حس کنند. لاجرم برای اعادهٔ حیثیت و رفع اتهام سعی میکنند بااقدامات و گفته‌های خود خلاف آنرا ثابت کنندبطوریکه اگر به آنها برچسب مرتجع زده‌اند، به ضد ارتجاع تبدیل میشوند و برای بدست آوردن عنوان مترقی و رفع اتهام ارتجاعی بودن، به چپ‌روی می‌افتند و شروع به تائیدمواضع سازمانی می‌کنند. که به آنان برچسب ارتجاعی زده است. یا اگرسازمانی دیگر به آنان برچسب منافق و یا التقاطی بزند، برای رفع اتهام و خلاص‌شدن از زیر فشار روانی و اجتماعی که به اعصاب وی وارد میشود، بر ضد منافقین و التقاطیون موضع می‌گیرد و به‌اصطلاح راست‌روی کرده، دوآتشه خود را پیرو "مکتب" و ولایت‌فقیه معرفی می‌نماید ـ خواهیم گفت که شیوه برچسب‌زنی روی چه‌افرادی تاثیر دارد، معمولاً" افرادی که از لحاظ شخصیتی از اعتمادبنفس کافی برخوردار نباشند، یا اشخاصی که دارای ثبات فکری و عقیدتی نیستند و یا در اثر تجربیات گذشته، به عقدهٔ خودکم‌بینی دچاراند. افراد کم ـ ظرفیت و متزلزل و یا احساساتی و کم‌عمق، یاافرادی که بدلیل ضعف شخصیت نیاز شدیدی به توجه و علاقهٔ دیگران نسبت به خود دارند و بالاخره اشخاص ترسو و جبون که شخصیتی وابسته و غیرمستقل دارند و همیشه نیازمند اتکاء بیک عامل قدرتمندند

ادامه‌دارد

بقیه‌ازصفحه۴

سخنی با برادران وخواهران هوادار

پایدارتر و قدرتی نافذتر و پیروزیهائی درخشانتر نصیبمان خواهد شد. آینده تابناک از آن شما و همه کسانی است که رو بسوی خدا دارند و عملشان بسود خلق و علیه دشمنان خلق است.

انزل من‌السماء ماء" فسالت اودیه بقدرها فاحتمل‌السیل زبد" رابیا" و مما ـ یوقدون علیه فی‌النارابتغاء حلیه اومتاع زبده مثله کذلک یضرب‌الله‌الحق والباطل فاماالزبد فیذهب جفاء" واما ماینفع‌الناس فیمکث فی‌الارض کذلک یضرب‌الله‌الامثال.

رعد/۱۷

پیرامون سخنان اخیر امام

بقیه‌ازصفحه۱

اختلاف‌اندازها پیروی کنید، مملکت شما بدامن امریکا می‌افتد".

نکتهٔ دوم سخنان امام نکتهٔ ایشان بروی توده‌های مردم بود، که همچنان نقش تعیین‌کننده را در سرنوشت انقلاب‌میتوانند بازی کنند. این توده‌ها هستند که اگر در صحنه باشند میتوانند جلوی رشد جریانات انحرافی را بگیرند و همانگونه که تاکنون از نهال انقلاب پاسداری کردند و به کرات نشان دادند که حامیان‌جان‌برکف‌انقلابند، اگر این توده‌ها در گرداب بازیهای سیاسی دوقدرت رقیب گفتار نشوند و تبعیت کور ـ کورانه از این و آن جانشین شعور و تحرک انقلابی نشود و شعارهای کاذب، آنها را بخود نفریبد و دچار تجزیه و چنددستگی نسازد، توده‌های مردم همچنان که سنت الهی است، موتورتاریخ باقی‌خواهند ماند. امام در پیامشان محور را همچنان توده‌های مردم می‌گیرند و خطاب به آنان میگویند:

"اگر ملت اشخاصی را دید، گروههایی را دید که برخلاف مصالح کشور جبهه‌گیری می‌کنند، تکلیف شرعی ملت است که آنها را پذیرا نباشند".

نکتهٔ سوم صحبت امام که مکمل نکتهٔ دوم می‌باشد، اخطاری است که امام به دولتمردان می‌نمایند، بسیج توده‌ها و خطاب و هشدار بدانان در مورد عدم تبعیت از موضع‌گیریهای غیراصولی و خلاف انقلاب دولتمردان، همراه با اخطار و اتمام ـ حجت به دولتمردانی که در این بحبوحه جنگ و توطئهٔ دشمن از هر سو، بجای اندیشیدن به سرنوشت میلیونها مردم، جز در جهت خصلت‌های استکباری خود قدمی برنمی‌دارند و شب و روز در فکر قبضهٔ کامل قدرت هستند. امام در این قسمت از سخنانشان بی‌پروا و بدور ازملاحظه‌کاریهای معمول اخطار می‌کنند که اگر دولتمردان همچنان به رفتار غیراصولی خود ادامه دهند، امام بدانچه‌که "احساس وظیفه" می‌نامندش عمل خواهند نمود.

"نگذارید احساس وظیفه بشود، اگر احساس وظیفه بشود، من به هر کس، هرچه دادم پس می‌گیرم".

انقلاب به رهبران انقلابی و باایمان و تقوی نیاز دارد. افرادی که بینشی نادرست و یا خصلت‌هائی استکباری‌دارند، نمیتوانند انقلاب راد ر مسیر "الله" و رهائی خلق رهبری کنند. تجربهٔ دولت موقت و کشمکش آن با شورای انقلاب و پس از آن تضاد حزب و رئیس‌جمهور، باید به همه ثابت کرده باشد که سپردن سرنوشت ملتی آگاه و رزمنده و جان‌برکف و انقلابی و شهیدپرور که بر بستر صدها هزارشهید جاری است و با اشک و آه و نالهٔ میلیونها دردمند و ستمکشیده و خون‌دل خلقی مستضعف و بپاخاسته عجین می‌باشد، بدست کسانی که شیفتهٔ قدرت‌اند و اسیر خودمحوری و استکبار یا مبتلا به بیماری جزمیت و تنگ‌نظری فکری و انحراف در بینش، نه‌کاری است درست.

اگر قرار بود با تصحیح و ارشاد نیروها، کار انقلاب و مملکت‌سامان یابد، دو سال فرصت زیادی بود تا آنان به‌خود آیند و مصالح خلق و انقلاب و رضایت خدا را بر مصالح و انگیزه‌های شخصی ترجیح دهند.

کافی بود تا واقعیت‌ها موجب تصحیح خط فکری و بینش و عملکرد آنان شود و انسجام و وحدت خلق با اوج‌گیری تضادها و کشمکش‌ها غیراصولی هنگامی که حلقهٔ محاصرهٔ دشمن تنگ‌تر و توطئه‌ها و دسارها برای سرکوب و یا تحمیل سازش به انقلاب افزایش می‌یابد، در هم شکسته نمی‌شد.

رهبران فعلی کشور از هر دو جناح، مستقیما" مسئول بحران خطرناک فعلی هستند. کافی است به موقعیت خود در این جنگ تحمیلی بیندیشیم، جنگی که به قول امام می‌باید عامل ابتلاء و وحدت‌بخش خلق و تقویت‌کنندهٔ جبههٔ داخلی باشد و ارتش وابستهٔ‌گذشته را به ارتشی مردمی و اسلامی متحول گرداند و آنانرا با سپاه و رزمندگان داوطلب متحد و همدل و همزبان کند.

ابتلائی که باید مجددا" ملت را در یک صف قرار دهد، وجود خودخواهیها و تنگ‌نظریها و انحصارطلبی‌ها را از قلب و جان ما بشوید، در سطح رهبران جامعه نتایجی معکوس داشته است. در یک کلام رهبران از هر دو جناح، انقلاب را به بن‌بستی کشانده‌اند و شرایطی پدید آورده ـ اند که فقط تضمین‌کنندهٔ ادامهٔ حاکمیت و سروری آنان باشد، اگرچه در این میان آرمانهای خلقی محروم و هزاران شهید، یکسره برباد رود.

اما، اگر کشمکش و انحراف و استکبار رهبران بسیاری از مردم را گمراه، سرگردان و مایوس و ناراضی و حتی مخالف انقلاب و رهبری کرده است، هنوز میلیونها مردم ستمکشیده و جان‌برکف در شهر و روستا و در سنگرهای نبرد، در کارخانه و مزرعه و زاغه‌ها و کوخ‌ها، به آزادی و عدالت و انقلاب اسلامی عشق می‌ورزند، و برای جلوگیری از خشکیدن نهال لرزان نازک انقلاب، خون پاک خویش را هدیه میکنند. هنوز صدها هزار جوان متعهد و مؤمن چشم امید به انقلاب و رهبری آن دوخته‌اند و آماده هر نوع فداکاری هستند و اینک باید در عمل اعتماد خود را به توده‌ها محروم و فداکار و جوانان باایمان و جان‌برکف با سپردن کار بدست آنان ثابت کنیم.

امروز در مقایسه با دیروز دیر است و فردا خیلی دیرتر. درست است که ارایهٔ انقلاب خلق مسلمان ایران هرگز از حرکت باز نمی‌ایستد و هیچ نیروئی قادر به متوقف ساختن آن نیست، ولی عملکرد مسئولین میتواند دستآوردهای این‌مدت را بر باد دهد و روز رهائی کامل مردم و رسیدن به استقلال و آزادی و عدالت حکومت توحیدی را بتاخیر اندازد. مردم درانتظار تصمیمات و اقدامات قاطع و انقلابی و بن‌بست‌شکن‌اند.

درحاشیه بودجه دولت

بقیه‌ازصفحه۱

خارج سیر می‌برد. تقویت ایجاد کارخانجات مونتاژ، صرف هزینه برای طرحهای روبنائی و برخرج و غیرضروری چون ایجاد پارکهای بزرگ تفریحی، کارخانجات تولید مواد لوکس و خروج مقدار زیادی ارز برای خرید ارزاق عمومی وایجاد یک جو کاذب رفاه میتوانند نمونه‌هایی از عملکردهای یک رژیم وابسته در صرف هزینه‌های مملکتی باشد.

در زمان رژیم منفور قبلی شاهد بسیاری از این حیف‌ومیل‌ها و صرف هزینه‌های غیرضروری بودیم. رژیم شاه خود را مقید به بازسازی اقتصاد ایران نمی‌دانست و به علت وابستگی به امپریالیسم، حتی تا ۵۰% بودجه را صرف هزینه‌های نظامی می‌کرد و بجای خرید صنایع سنگین و خودکفا میلیاردها دلار صرف خرید اسلحه های گران‌قیمت و مدرن می‌کرد ولی با تمام این مسائل بعلت صدور نفت بسیار زیاد به میزان ۶ میلیون‌بشکه در روز، توانست با کسب این درآمدهای نفتی وواردکردن مقدار زیادی مایحتاج عمومی مردم، جو کاذب مصرفی را حفظ کند و بدین ترتیب اقتصاد ایران را هر روز وابسته‌تر و محتاج‌تر ازگذشته نگهدارد.

صدها طرح و برنامه خرج‌دار که وابسته به تکنیک‌ها و کارشناس‌های خارجی بوده و اکثرا" یا دردی از مسائل اقتصادی ایران حل نمی‌کند و یا میلیاردها دلار وام به کشورهای خارجی و دهها کارخانهٔ مونتاژ که هر روز چون زالو خون اقتصاد ایران را می‌مکد و صدها شرکت و کارخانه که بجای سود، زیان و ضرر می‌دهند و هزاران روستای خراب و فقیر و فقدان وسایل اولیه زندگی، بهداشت، آموزش و مسکن و دستگاه عریض و طویل دولتی و تورم و بیکاری، همه دستآوردهای رژیم گذشته می‌باشند و تمام اینها ما را وادار می‌کند با برنامه‌ریزیهای قاطع اقتصادی این بندهای وابستگی‌اقتصادی را پاره کرده و کشور را از خطر رکوداقتصادی نجات دهیم.

رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، مبنای اصلی اقتصاد و بودجهٔ کشور را براساس نفت قرار داده بود و بصورت تک‌پایه آنرا اداره می‌کرد. ادامهٔ این سیاست یعنی صدور بی‌رویه نفت نه‌تنها باعث از بین رفتن ذخایر نفتی مملکت می‌شد، بلکه باعث جلوگیری از رشد اقتصاد خودکفا و داخلی گردید و مانع می‌شد تا با رشد صنایع کوچک داخلی و بهبود اوضاع کشاورزی جلوی تلف‌شدن این سرمایهٔ ملی گرفته شود. کاهش صدور نفت از این لحاظ پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران انتظار می‌رفت که بااقدامات انقلابی و زیربنایی اساس اقتصاد ایران زیروروگردیده و با برنامه‌ریزیهای قاطع وانقلابی، اقتصاد ایران را در جهت خودکفا شدن یاری کند ولی دولت موقت بجای اقدامات انقلابی برای از بین بردن سرمایه‌داری وابسته و فئودالیسم و پرداختن به اوضاع نابسامان روستاها و ایجاد صنایع کوچک خودکفا برای جذب و دفع بیکاری و زیرورو کردن ارگان ـ های عریض و طویل دولتی و نابود کردن بوروکراسی، به وام دادن به سرمایه‌داران جهت راه‌اندازی کارخانجات، آزاد گذاشتن دست فئودالها و سرمایه‌دارها برای خروج ارز از ایران، کوبیدن نهادهای انقلابی چون جهادسازندگی، دادن وام به بیکاران بدون اینکه در یک جهت تولیدی قرار گیرند و بازسازی ادارات دولتی بدون کوچکترین تغییر و تصفیه اکتفا کرد و بدین ترتیب حساس‌ترین مقطع انقلاب را که همه آماده بودند از همه‌چیز خود گذشته و هرگونه فداکاری و ایثار را در جهت پیشبرد انقلاب انجام دهند، با بهانه‌های پوچ، فرصت یک اقدام زیربنائی و اساسی را از دست داد.

حال در شرایط کنونی انقلاب‌بامشکلات بیشتری نیز روبرو شده وامپریالیسم با فشارهای خود اعم از تحریم اقتصادی ـ توطئه و تحمیل جنگ در صدد است انقلاب رااز پا درآورده و با ایجاد جو نارضایتی، کمبود و بیکاری، مردم را بتدریج از انقلاب

بانوس و رسمه را برای روشن شدن یک جریان بنول خودشان سابدرو آماده دارد.

با توجه به این مسائل دقت در برنامه ریزی و اختصاص بودجهٔ کشور به طرحهای اساسی ضرورت بیشتری می‌یابد که برخورد با آن باید بجای خود بصورت مفصل و مجزا صورت گیرد ولی چند مساله در کنار مسالهٔ بودجه خودنمائی می‌کند. هرچند در رئوس کلی بودجهٔ سال ۶۰ اولویت‌ها به بعضی مسائل‌اصولی و مفید اختصاص داده شده است و در صورت اجرای کامل این طرح‌هامیتوان انتظار بهبود اوضاع اقتصادی کشور را داشت، ولی مسالهٔ اساسی این است که تنها گفتن این مسائل نمی‌تواند راهگشای معضلات اقتصادی ایران باشد بلکه باید طرحهای اجرائی واساسی و اقدامات زیربنائی صورت‌گیرد وبعمل‌آید. در قسمت ادارات دولتی تا هنگامی که نتوانیم حجم ادارات را کم کنیم و تحولی اساسی در سیستم اداری بوجود آوریم، علیرغم ممنوع کردن استخدام جدید، هزینه و بودجهٔ زیادی از کشور صرف این

دستگاههای عریض و طویل میشود. اهداف انقلاب ضرورت تحول در سیستم اداری را می‌طلبد، تا هنگامی که نتوانیم تحولی اساسی در وزارتخانه‌هائی چون بازرگانی و دارائی و... بوجود آوریم، نخواهیم توانست تجارت خارجی را ملی کرده و دست سرمایه‌داران و واسطه‌ها را کوتاه‌کنیم، تا هنگامی که تحولی اساسی در دستگاههای دولتی صورت نگیرد، همچنان طرحهای بی‌مورد باعث اتلاف سرمایه‌های ملی میشود.

در قسمت صنایع و معادن علیرغم اینکه رئوسی که دولت اعلام کرده مفید می‌باشند، ولی اجرای آنهامستلزم کوتاه کردن دست سرمایه‌داران از کارخانجات و سپردن کار کارخانه‌ها بدست شوراهای اسلامی کارگران و تهیهٔ طرحهایی برای تحول کامل کارخانجات مونتاژ در جهت خودکفائی میباشد. از آغاز پیروزی انقلاب تاکنون دهها طرح از طرف افراد دلسوز برای دگرگون کردن کارخانجات مونتاژ ارائه شده که مورد توجه مسئولین قرار نگرفته است.

درمورد رفع بیکاری طرح مسئولین ایجاد شرکت‌های تعاونی تولید میباشد که نفس این طرح یک‌اقدام مفیدی است زیرا بجای اینکه به بیکاران مملکت وام بیکاری دهد، سرمایه و نیروی انسانی را در خدمت تولید و خودکفائی می‌گیرد، ولی در جریان عمل بعلت اینکه توجه خاصی به این تعاونی‌ها نشد، این طرح موفقیت چندانی بدست نیاورد و مثلا" در تعاونی‌های تولید مرغداری میلیونها جوجه بر اثر کمبود مواد غذائی و واکسن و غیره تلف شدند و دولت نتوانست احتیاجات اولیهٔ این مرغداری‌ها را تامین کند و یا بودجه‌ای که برای این طرح اختصاص داده بودند، بقدری کم بود که توانست در صدد ناچیزی از بیکاران را جذب کند. در مواردی تنگ‌نظری مسئولین به آنها اجازه نمی‌دهد تا با شناسایی افراد صدیق و دلسوز و سپردن کارهای اجرائی به آنها مانع شوند که طرح‌ها یکی پس از دیگری بی‌اثر و خنثی شوند. با اینکه مدتها از پیروزی انقلاب گذشته، هنوز دهها شرکت و کارخانه که در اختیار بنیاد مستضعفان است، به راه نیافتاده و یا ضرر می‌دهند.

در مورد کشاورزی تا هنگامی که بند ج قانون واگذاری زمین را بطور کامل به مورد اجرا درنیاید و دست فئودالها از سر روستائیان کوتاه نشود، نمی‌توان با این برنامه‌ها اوضاع روستاها را بهبند بخشیده و تولید را بالا برد. چگونه میخواهیم که

همهٔ امکانات کشاورزی اعم از بذر و کود، آب و غیره را تهیه‌کنیم ولی فئودالها را ریشه‌کن نکنیم؟ اگر همچنان فئودالها راس امور روستاها باشند، چه کسانی از این وسایل وامکانات سود خواهند بود، آیا فئودالها دلشان بحال انقلاب سوخته که تولید کشاورزی را بالا ببرند؟ نمی‌توان از یک‌طرف مانع اجرای بند ج شد و از طرف دیگر وعدهٔ بهبود اوضاع کشاورزی و تهیهٔ امکانات را داد. دولت باید در آغاز با قاطعیت تمام علیه فئودالیسم مبارزه کرده و سپس با تهیه این امکانات و قرار دادن دراختیار روستائیان، اوضاع کشاورزی ایران را بهبود بخشد. دولت باید با تحول در سیستم‌های اداری تعاونی‌های روستائی و فعال‌کردن آنها وواگذار کردن اختیارات آنها به هیئت‌های هفت‌نفره، ارتباط دولت با روستائیان را بهبود بخشیده و بدین طریق‌علاوه بر تامین مایحتاج روستائیان و کمک‌های مادی و معنوی به آنها، ارتباط مستقیمی برای خرید محصول آنها ایجاد کرده و دست سلف‌خرها و واسطه‌ها را کوتاه کند.

متاسفانه با مخالفت‌هائی که در رابطه با بند ج آغاز گردید، آنرا فعلا" متوقف گردانیده و گویا سرنوشت آن علیرغم تاکید های آقای منتظری و مشکینی همچنان در محاق تعویق خواهد ماند تا وقتی که‌مجلس

> *اجرای سریع و قاطعانهٔ بند "ج" با سرنوشت انقلاب پیوند خورده است‌ومیتواند میلیونها دهقان بی زمین و کم زمین را به حامیان جان بر کف انقلاب تبدیل کند. روشی که هم‌اکنون در مورد به تعویق افکندن بند "ج" پیش گرفته‌شده و میرود تا در موارد دیگر هم رسوخ پیدا کند، میتواند ضربهٔ مهلکی بر پیکر انقلاب وارد آورد.*

با شورای یکپیان دربارهٔ آن تصمیم بگیرند وجود تمایلات واپسگرایانهٔ برخی از نمایندگان در مجلس که خواهند کوشید با اجرای بند "ج" مخالفت کنند، ازهم‌اکنون واضح است. اجرای سریع و قاطعانهٔ بند "ج" با سرنوشت انقلاب پیوند خورده است و میتواند میلیونها دهقان بی‌زمین وکم ـ زمین را به حامیان جان‌برکف انقلاب تبدیل کند. روشی که‌هم‌اکنون در مورد به تعویق‌افکندن بند "ج" پیش گرفته شده و میرود تا در موارد دیگر هم رسوخ پیداکند، میتواند ضربهٔ مهلکی بر پیکر انقلاب وارد آورد.

در مورد تهیهٔ ارزاق عمومی و مایحتاج مردم، دولت باید توجه خاصی به اصل ملی‌کردن تجارت خارجی نموده و دست سرمایه‌داران را از بازارهای ورود کالا کوتاه و کنترل کامل خود را بر ورود کالا و خروج ارز اعمال نماید. بینش حاکم بر دولت به آن اجازه نمی‌دهد که با سرمایه‌داران داخلی برخوردی قاطع داشته باشد واین مساله‌باعث میشود که نتواند موضع قاطعی در قبال ملی‌کردن تجارت خارجی و کنترل ورود کالا بعهده گیرد. نمی‌توان از یک طرف شعار بهبود وضع بازرگانی و کوتاه کردن دست واسطه‌ها را داد و خواستار وارد کردن مواد اولیه بجای مواد مصرفی شد و از طرف دیگر سرمایه‌داران بازار را تائید کرد و از آنها حمایت کرده و دست آنها را برای ورود هر نوع کالا باز گذاشت.

مخالفت اشخاصی چون عسگراولادی درکمیسیون بازرگانی با طرح ملی شدن تجارت خارجی (برادر ایشان از تجار معروف بازار است) و خاموشی (مسئول سابق بنیاد مستضعفان)، و ارائهٔ طرح تفکیک بین سرمایه‌داران مسلمان و غیر ـ مسلمان از جانب دکتربهشتی و کمونیستی خواندن طرح ملی‌شدن تجارت خارجی از طرف مهندس طاهری، مسلما" جز به سود سرمایه‌داران و بضرر انقلاب نخواهد بود. علیرغم تمامی این فشارها، دولت اگر بخواهد قدمی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشور برداشته باشد، می‌بایست با تاکید و پافشاری بر اجرای بند "ج" و ملی کردن تجارت خارجی و قطع دست واسطه‌ها و کوشش برای خودکفائی اقتصادی از طریق حذف ادارات عریض و طویل و کارخانجات مونتاژ و کالای مصرفی و خلع‌ید از سرمایه ـ داری وابسته و واسطه‌ها و دلالان توزیع و... اقدام کند، طرح یک بودجه در صورتی میتواند در کانال مردمی و بسود انقلاب هدایت شود که این ملزومات را همراه خود داشته باشد.

بقیه‌ازصفحه۱

شوراها تبلور حاکمیت ...

انحلال انجمن‌های توزیع جوانان مسلمان آباده مقابله دربرابر خواست مردم است

از انقلاب، روبرو شدند. اما با این همه کارها را ادامه دادند و توزیع سوخت را بطور منظم وانقلابی به‌عهده گرفته و به انجام رسانیدند و حتی توزیع دیگر ارزاق رانیز انجام می‌دادند که مرتجعین از ترسی که از نیروهای انقلابی و مسلمان و توده‌ها داشتند، دست به انحلال این شوراها زدند. بدنبال انحلال این شوراها برادران اعضای شورا، اعلامیه‌ای صادر کردند که در قسمتی از آن آمده است:

در ابتدای جنگ ما عده‌ای از جوانان مسلمان آباده، گردهم آمدیم تا در جهت خنثی‌کردن توطئه‌های امپریالیزم ورشد و تعمیق و تداوم انقلاب گام برداریم، در نتیجه با اعتقاد به شورا بعنوان یکی از اصول اساسی اسلام و بعنوان تنها راه حل رفع بحران کنونی، ابتدا در یک محل (۷ الف) دست به تاسیس انجمن توزیع جوانان مسلمان زدیم و کار توزیع نفت را علیرغم کارشکنی‌های مسئولین بعهده‌گرفتیم که ابتدا با مشکلات زیادی روبرو بودیم ولی با همان امکانات محدود تا حد زیادی در کار خود موفق شدیم، بطوریکه در محلات دیگر (منطقه ۲ و ۵ الف، ۱ و ۷ ب) هم به تبعیت از محل اولی (۷ الف) انجمن توزیع محل تشکیل شد و رویهمرفته ۵ محل را سپس جوانان مسلمان همان محلات بعهده گرفتیم و این کار باعث رضایت مردم و تشکیل‌نشدن صف در جلو فروشندگی های نفت شد. البته ما در نظر داشتیم که بعضی احتیاجات عمومی دیگر از قبیل: تخم مرغ، روغن، برنج را هم توزیع کنیم ولی بعلت عدم همکاری مسئولین و کار ـ شکنی‌های محتکرین (بجز یک بار توزیع تخم‌مرغ) امکانات این کار در اختیار ما قرار نگرفت.

تصمیم نهایی ما این بود که کار توزیع در سطح آباده گسترش یابد وکم‌کم انجمن های توزیع به شوراهای اسلامی محلات تبدیل شوند و تمام اختیارات اجرائی محلات در زمینه توزیع مایحتاج روزانه و امور فرهنگی سیاسی را بعهده گیرد ولی بقول مجاهد کبیر آیت‌الله طالقانی "اگر شورا تشکیل شود، بعضی‌ها میگویند پس ما چکاره‌ایم"، از همان ابتدای کار، انقلابیون بعد از انقلاب، و فرصت‌طلبان سعی در از هم‌پاشیدن و جلوگیری از این کار داشتند. ... آنهائی که بجای مبارزه با شاه، مبارزه با بهائیت را علم کرده بودند، بعد از انقلاب انقلابی شدند و خود را در خط امام جا زدند و هر کس غیر خود را به عناوین مختلف طرد کردند. حال این گروه باصطلاح اسلامی، دلسوز مردم و انقلاب شده وشعاروااسلاما سرمی‌دهند که جنبشی‌ها شورای محلی تشکیل داده‌اند و...

"گربه شد عابد و مسلمانا".

انجمن‌های ضدبهائیت بعد از انقلاب هم در مسیر امپریالیسم امریکا گام برداشته است، از جمله مخالفت آنها درآباده با نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، دادگاه انقلاب اسلامی و هیئت هفت‌نفرهٔ تقسیم زمین.

سپاه پاسداران را بعلت مبارزات ضد فئودالی و ضدسرمایه‌داری، ضدانقلاب می‌خوانند و می‌خواهند این نهاد انقلابی را زیر سلطهٔ خود بیاورند، افراد مسئول و متعهد در دادگاه انقلاب را به اتهامات دزدی،... از شهر منتقل میکنند (با استفاده از امکانات بالاتر مانند نماینده مجلس، شورای اسلامی آباده بین دلسوختگان فئودال‌ها وسرمایه‌داران، دادگاه انقلاب را به جرم دستگیری فئودال ـ ها منحل میکنند، هیئت هفت نفره را کمونیست می‌خوانند و عمل تقسیم زمین را که یک اصل اسلامی و عملی انقلابی در جهت خواست مستضعفین و محرومان است، را عملی کمونیستی!! می‌خوانند.

سیاست تفتیش عقاید انجمن ضدبهائی آموزش و پرورش را هم بی‌نصیب نگذاشته است، هنوز دانش‌آموزان تعهدنامه‌های کذائی را فراموش نکرده‌اند. حتی محصل ۶ ساله!! هم باید تعهد کند که در مدرسه فعالیت سیاسی نکند.

امت مسلمان سابقهٔ باصطلاح مبارزاتی!!! این‌بدعت‌اسلامی.. (انجمن ضدبهائی) را بهتر از ما می‌دانند و احتیاج به توضیح بیشتری ندارد.

عمل توزیع نفت علیرغم ضعف‌هایی که در کار ما بود، مورد تائید اکثریت مردم محلات مذکور واقع شد، ولی دغلکاران ما را به اتهام جنبشی!! بودن از فعالیت باز داشتند ولی برادران و خواهران ما خود قضاوت خواهند کرد.

قطع رابطه سیاسی با اردن و مغرب گامی مثبت در سیاست خارجی

هفته گذشته از طرف دولت اعلامیه‌ای مبنی بر قطع رابطهٔ سیاسی با کشورهای مغرب و اردن انتشار یافت. این اقدام گامی مثبت در سیاست خارجی محسوب شده و عملی درخور و شایستهٔ انقلاب اسلامی ماست که در جوهرهٔ مکتبی خود خواهان دگرگونی اساسی در روابط خلقها با یکدیگرمیباشد. بخصوص وقتی به سابقه و ماهیت دو کشوری که قطع رابطه با آنها صورت گرفته نظر انداخته و هر دو را جزو همپالگی‌های رژیم وابسته‌پهلوی و حلقه‌هائی از زنجیر دولت‌های وابسته به امپریالیسم می‌بینیم. که یکی از این دو کشور (مراکش) از جمله مهمانداران شاه مخلوع بود که برای فرار از حکم دادگاه خلق به خارج از کشور گریخت. و هر دو دولت از حامیان رژیم ستمشاهی در قبل و بعد از سرنگونی بوده، در توطئه بر علیه انقلاب اسلامی ایران از یکدیگر گوی سبقت می‌ربوده‌اند که شرکت در توطئه‌هائی که بر علیه انقلاب ایران در کنفرانس طائف صورت گرفت، نمونه‌ای از آخرین اقدامات آنهاست.

ما ضمن تائید و پشتیبانی از این اقدام مثبت دولت، امیدواریم که این گام آغازی برای اتخاذ سیاست‌های انقلابی‌تر در روابط خارجی و در ایجاد همبستگی با کشورهای مترقی و جنبش‌های آزادیبخش، و قطع امید کردن ازکشورهای‌ارتجاعی وکلیهٔ تمهیدات آنها برای بسازش‌کشاندن انقلاب، باشد.

در جهان چه می‌گذرد

کنفرانس غیر متعهدها

دهلی‌نو در هندوستان میزبانی برگزاری کنفرانس آیندهٔ کشورهای غیر متعهد را که در سطح وزیران امور خارجه کشورهای عضو انجام میگیرد، بعهده خواهد داشت.

با توجه به نقشی که کنفرانسهای اخیر در سطح منطقه و جهان سوم یعنی کنفرانس سران عرب و نیز کنفرانس "طائف" علیرغم حضور چند کشور ضد امپریالیست در آن در برهم‌زدن مرزبندیهای میان ترقی خواهان و ارتجاعیون بعهده‌شان سپرده‌شده بود، کنفرانس غیر متعهدها با توجه به‌این امر که مهره‌های شاخص آن دارای مواضع ضد امپریالیستی می‌باشند، میتواند نقش مهمی در تفکیک جریانات ونیروهای ضد ضدامپریالیست و ارتجاعی ایفا نماید.

قطعا" بررسی پیرامون جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در دستورات کار کنفرانس مکانی مشخص داشته و حول آن بحث و تبادل نظر بعمل خواهد آمد با توجه به این موضوع که چندی پس از شروع جنگ کنونی‌نیز هیئتی از اعضاء کشورهای غیر متعهد نشستی برای تصمیم‌گیری و ارائهٔ راه‌حل بمنظور خاتمهٔ جنگ ترتیب دادند.

با توجه به حضور هر دو کشور ایران وعراق‌در کنفرانس دهلی، این کنفرانس از طرف ایران میتواند بعنوان محلی قابل حساب برای افشای ماهیت متجاوز عراق و اهدافی که آن‌کشور هم خط با آمریکا از جنگ بر علیه انقلاب اسلامی تعقیب می‌نماید، مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به آنکه دولت عراق از کنفرانس توطئه آمیز عربستان، حد اکثر بهره‌برداری را در این خصوص بعمل آورده‌و با پخش کتب و جزوه بین شرکت کنندگان تاریخچه‌ای از روابط خود با ایران را ارائه نموده، و خود را از دست زدن به توطئه و شروع جنگ مبری دانسته است، در کنار استفاده از کنفرانس دهلی برای بیان واقعیات موجود و برطرف کردن ضعفهای گذشته در این زمینه، همچنین میتواند با توجه به حضور کشورهای مترقی وحامی انقلاب اسلامی، گامهای جدی و عملی در نزدیکی به این نیروهابرداشت، چرا که تنها قطع رابطه با مرتجعین و وابستگانی چون اردن و مغرب آنهم بسیار دیر صورت گرفته است، در خصوص اتخاذ مواضع صریح در سیاست خارجی کافی نبوده، و نزدیکی و برقراری ارتباط با نیروهای مترقی نیز بسیار پر اهمیت می‌نماید.

اعزام اشخاصی جهت معرفی انقلاب اسلامی در دومین سالگرد انقلاب به کشورهای مختلف گام مثبتی است که در زمینهٔ سیاست خارجی برداشته‌شده و در ابعاد وسیعتر در جهت‌تحکیم روابط و مناسبات و همکاری با کشورهای دوست انقلاب ایران باید توسعه یابد.

به مناسبت سالروز روی کار آمدن دولت موقت!

بقیه‌ازصفحه۱۲

"ایزدی"

مقامات مسئول کشاورزی امریکائی‌چندی پیش با ما تماس گرفتند و اظهار داشتند که آمادگی کامل دارند تا کلیه اقلام و کارهای کشاورزی را در اختیار ایران قرار دهند.
"۵۸/۴/۲۱"

وزارت کشاورزی، دولت موقت جمهوری اسلامی همچنین حقوق شرعی و قانونی سایر مالکین و واحدهای زراعی و باغات را حمایت می‌نماید.

نظر ایزدی راجع به طرح جدید وزارت کشاورزی:
تمام نکات طرح این لایحه مطابق با قوانین اسلامی است، در این طرح مالکیت محترم خواهد بود، مالکیت از نظر کسی محدودیت ندارد.
"۵۸/۲/۵"

تاآنجائیکه ما از اسلام استنباط کرده‌ایم بهیچوجه در اسلام اعتقاد بر این نیست که افراد مساوی هم‌داشته باشند.
"۵۸/۶/۵ انقلاب‌اسلامی"

مردم باید توجه داشته باشند، مالکیت در اسلام محترم است و باید به آینده اعتماد و اطمینان باشد، اطمینان واعتماد به مالکیت سطح تولید را افزایش خواهد داد.
"۵۸/۶/۲۲ انقلاب‌اسلامی"

من فکر نمی‌کنم که هیچوقت فئودالی در ایران بوده است که اکنون اینچنین باشد، فئودالیته با این تعریف در ایران معنی ندارد. بعد از اجرا شدن مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی ملاحظه میشود که دیگر کسی در این مملکت حتی یک ده ششدانگ هم ندارد، بزرگ‌مالکی مطلقا" نیست، آن چیزی که در روزنامه‌ها نوشته میشود فئودال و فئودالیته فقط یک شعار است و معنا ندارد.

مشکل ما تصرف عدوانی است که برای آن لایحه‌ای در نظر گرفتیم که در هیئت دولت مطرح کنیم. مالکیت از نظر کمی محدودیتی‌ندارد و ما محدودیتی در نظر نگرفته‌ایم. ممکن است کشاورزان اعتراض کنند، ولی این اعتراضات همیشه بوده است.

وزارت کشاورزی انتظار دارد مالکین و زارعین با احساس مسئولیت و با رعایت حقوق یکدیگر و احتراز از تعدی و تجاوز با اطمینان و علاقه اقدام به کشت پائیزه نمایند.

* * *

وزارت کشاورزی دولت موقت یا بعبارت صحیح‌تر، "وزارت‌امورفئودالها"ی انقلابیون موقت!! ازتاریک‌ترین نقاط کارنامهٔ تباه این کابینه میباشد

علی‌محمد ایزدی فئودال معروف که بنا به نوشتهٔ خویش در اسنادافشاشده اخیر، می‌توانسته شهروندی مفید به حال امریکا ـ ئیها واقع شود، از بدو روی کار آمدن از هیچ کوششی در ضدیت با دهقانان که پیروزی انقلاب را تحقق آرمانهای خویش می‌پنداشتند، فروگذار ننمود، یک گوشه از عملکردهای‌وی تشکیل کنگرهٔ بررسی‌مشکلات کشاورزی با شرکت فئودالها در سال گذشته است.

امیرانتظام

امیرانتظام: عرفات فکر می‌کرد هرجا دلش میخواست می‌توانست برود و هرچه دلش می‌خواست می‌توانست بگوید.

این ایده که در کارخانه و اداره و بخصوص ارتش خودشان رئیسشان راانتخاب کنند، غیرممکن است.
"۵۷/۱۲/۹"

امیدوارم هرچه زودتر روابط ایران و امریکا عادی شود.
"۵۸/۴/۲"

در اسناد بدست آمده از سفارت، کاردار لینکن از امیرانتظام بعنوان‌یک‌فرد باهوش و ماهر یاد میکند و متذکر می‌شود که وی "خالصانه" می‌کوشد تا روابط فی ما بین را مجددا" برقرار نماید.

* * *

آقای بازرگان معتقدند که مذاکرات و رابطه‌های امیرانتظام با امریکا جنبهٔ جاسوسی نداشته و دلیلی برخیانت وی نیست و بلکه کلا" در جهت منافع ایران دور میزده است. "بامداد۵۸/۱۰/۳"

آقای بازرگان حق دارد که بدفاع از امیرانتظام برخیزد واسناد منتشره را "اسنادی دال بخلوص‌نیت و مهارت امیر ـ انتظام دردفاع ازمنافع ایران تلقی بکند، چراکه روشن شدن دست امیرانتظامها که متاسفانه در دولت سابق کم نبودند، ماهیت جریانی را که بعد از انقلاب در صدد بخیه‌زدن روابط ایران و امریکا را که میرفت به همت خلق قهرمان ما پاره شود بودند، بخوبی می‌نمایاند.
"امت۳۸، ۱۲دی ۵۸"

زمانی‌که از طرف گروههای‌سیاسی، عناصری چون امیرانتظام آنهم با ارائهٔ مدرک و سند بعنوان یک سرمایه‌دار وابسته به غرب که سهام و نمایندگی بیش از ده‌شرکت امریکائی را داشت افشاء میشد، آقای بازرگان با سخنرانی‌های خود این‌قبیل عناصر را غسل تعمید داده و لکهٔ ننگ از دامن "پاکشان" می‌سترد و در پیامش خطاب به ملت اعلام می‌کرد که:

... چه تهمت‌ها وچه مزخرفاتی علیه تیمسار قره‌نی براه انداختند، حالا مدتی است که مطالبی درباره آقایان همکاران مستقیم و درجهٔ اول من و آقایان معاونین نخست‌وزیر براه‌انداخته‌اند. من بطور صریح می‌گویم افراد شناخته‌شده‌ای‌مطمئن‌تر و مناسبتر و پاکتر از این سه‌نفر یعنی "دکتر یزدی"، "مهندس‌صباغیان" و "مهندس امیرانتظام" من اگر پیداکرده بودم آنها را بعنوان معاونت در نخست‌وزیری می‌آوردم ... خود من عرق شرمم می‌نشیند وقتی به اینها اتهام امریکائی‌بودن میدهند... و این بسیار مضر است، باید بهرنحوی شده جلوگیری شود، یعنی خود مردم اینکار را بکنند. "کیهان۵۸/۱/۲۶"
"امت۳۷، چهارشنبه۵ دی ۵۸"

دفاع‌های جانانه از امیرانتظامهادقیقا" بیانگر ترس ووحشتی است که‌نیروها و عناصر سازشکار و مرتجع در منزوی‌شدن از خود نشان می‌دهند.
"امت ۳۸، ۱۲ دی ۵۸"

بر مسئولین دادگاههای انقلاب است که با مجازات شدید و بدون گذشت واغماض این عنصرپلید و عناصر مشابهی چون روغنی‌ها، مراغه‌ای‌ها و... دست این خائنین را از سر انقلاب و خلق ما کوتاه سازند.
"امت ۳۷، چهارشنبه۵دی۵۸"

شورانقلابی خلق آنچنان انتظاراتی از این دولت داشت که هرگز نمی‌توان کارهای ضروری انجام‌نشده وآرمانهای انقلابی تحقق‌نیافته را بفراموشی سپرد. اگرچه رئیس‌دولت خود را فقط رانندهٔ جدیدی برای ماشین نظام سابق می‌دانست تا خود را از مسئولیت تغییر و زیروروکردن نظام بدور دارد ولی هرگز توده‌ها خواست نا ـ برآوردهٔ‌خود را فراموش نخواهند کرد و در جهت تغییر وضع موجود باز هم خواهند خروشید.
"امت ۳۹، ۱۹ دی ۵۸"

****

شهادت برادر دیگری از جنبش مسلمانان مبارز

هر روز که از عمر انقلاب میگذرد، لاله‌های سرخ و تازه‌ای در سرزمینمان میرویدو فریاد شهیدی در آسمان ایران طنین می‌افکند.

فرزندانی پاک‌باخته که ازمیان‌توده‌های محروم جامعه برخاسته‌اند، هر روز به تیغ جلاد قربانی میشوند، تا ناموس انقلاب را حراست نمایند و آنرا به وراثت به انقلابیون راستین بسپارند.

براستی سالها زمان لازم است تا بتوان چنین رزمندگان جان برکفی راتربیت‌کرد رزمندگانی که خود در طول مبارزه و انقلاب پرورش یافته‌اند و صداقت انقلابی خویش را در میان آتش و خون کسب کرده‌و تا کنون نیز بار سنگین حرکت انقلاب را بر دوش کشیده‌اند، اگرچه از دست دادن هر شهید بار گرانی است که تحمل آن سخت مشکل است، اما امیدواریم‌که‌در تداوم حرکت انقلاب چنین فرزندان پاک و مبارزی پرورش یابند، تا انقلاب را از آسیب دشمنان محفوظ دارند و دست رد بر سینهٔ سازشکاران و مرتجعین زده، توده‌ها را بسوی آزادی و رهائی پیش‌برند.

شهید یوسف‌ابراهیمی در سال ۱۳۳۴ در خانواده‌ای فقیر در شهرستان داراب چشم بدنیا گشود، و زندگی خود را با فقر آغاز کرد. دوران دبستان و دبیرستان خود را در داراب گذراندو سپس به دانشسرای راهنمائی شیراز رفت. از آن زمان با مسائل سیاسی و آثار شهید شریعتی آشناگردید.

در اوج انقلاب یکی از جوانان مبارز و فعال شهر بودکه اکثر اعلامیه‌های امام را در منزل خویش و با دستگاهی که خود ساخته‌بود تکثیر و توزیع میکرد. کلبهٔ محقر وی میعادگاه جوانان شهر بود، بارها ترتیب برگزاری نمایشگاه عکس و نمایشنامه‌را دادو از این طریق اقدامات مؤثری در افزایش آگاهی مردم انجام داد.

در پائیز ۵۷ هنگامی که بمنظور ایجاد نمایشگاه بطرف داراب در حرکت بود، همراه با دو نفر از هم‌رزمانش‌دستگیر و بمدت دو ماه زندانی گردید.

پس از پیروزی مرحله‌ای، در نهادهای انقلابی فعالیت می‌کردو حتی درروزهای‌گرم ماه رمضان در مزارع بکمک روستائیان می‌شتافت‌و خود یکی از بنیان‌گذاران "شورای جوانان مسلمان" روستاهای‌داراب بود.

در تابستان ۵۸ با پذیرش خط فکری جنبش مسلمانان مبارز دست به تبلیغ این خط‌فکری زد و از تهمتها و مارکهای قشریون و انحصارطلبان که او را کمونیست، و ... .میخواندندنیز در امان نماند.

شهید یوسف در ادامهٔ وفاداریش به انقلاب و تلاش و کوشش مستمردر حفظ دستاوردهای آن در برابر تجاوزات دشمنان در جریان جنگ‌تحمیلی مشتاقانه برای حفاظت از انقلاب بعنوان منقضی خدمت ۵۶ به جبههٔ غرب عازم شدو پس از ۴ ماه جهاد ومقاومت سرانجام در تاریخ ۲ بهمن ماه ۵۹ به آرزوی دیرین خود رسید و به لقاءالله پیوست.

متن وصیتنامهٔ شهید

بسم‌اللهالرحمن‌الرحیم

.....

اشهدان لااله الا الله و اشهد ان محمدا" رسول‌اللهو اشهد ان علیا"ولی‌الله.

باکمال افتخار میروم تا قطرهٔ خونی را که دارم در راه میهن اسلامی اهدا نمایم.

نام: یوسف
شهرت: ابراهیمی
فرزند: ابراهیم
اهل: داراب فارس
مقصد: شهادت
هدف: نفی هرگونه استثمار، استبداد استعمار
نتیجه: حکومت مستضعفین بر مستکبرین

هموطنان مبارز

لطفا" وجوه نشریهٔ "امت" و همچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبهٔ شمارهٔ ۲۸۶۳ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را به دفتر امت ارسال دارید

متشکریم

خواهران و برادران مبارز خارج ازکشور برای ادامهٔ نشر و توزیع امت وجوه نشریات ارسالی را هر چه زودتر پرداخت نمایند.

باتشکر ـ امورمالی وتوزیع

نشریه امت
جنبش مسلمانان مبارز
سال دوم
شماره ۹۵
زیرنظرشورای نویسندگان

خیابان بهار شمالی نبش بابجو منطقه ۱۵
بستی ۸۲۴۹۸۴

درود برشهیدان ـ سلام برخمینی ـ پاینده باد انقلاب اسلامی ایران